چای تفاوتی نمی‌کند

ولی درقیمت‌قند وقتی که سه سنك راحساب کنید ازقرار هرسنگی پانزده شاهی یك‌چزتی تفاوت‌خواهدداشت‌واشکالی ندارد

از این‌جهت بنده‌این‌طور پیش نهاد کردم.

وزیر فوائدعامه‌باتصدیق‌باصل‌موضوع که‌آقای‌یاسائی فرمودند

بنده تصور می کنم این پیش نهاد فعلا موردی نداشته باشد • علتش هم‌معلوم است•زیرا تغییر اوزان قدیمه کامنحصر باین لایحه نیست‌بعلاوه نمی‌شود گفت آن قانون بتصویب مجلس رسیده است •

زیرا وقتی بتصویب مجلس می‌رسد کشور کلی آن تمام شده‌باشدآیانمی‌شود تصور کرد که درموقع شوردر کلیات آن لایحه‌از مجلس‌ردشود؟

فرض محال که نیست بنابراین‌خوبست اساسی اوزان قدیمه‌را درلایحه‌قبول کنید وبهمین ترتیب فعلی‌تصویب‌نمائید

پس‌از آنکه ان‌قانون جدیدتصویب شدو در تمام موارد آن اوزان قدیمه از بین‌رفت آن‌وقت فعراً این‌قانون هم تغییر می کند بنابراین دیگر محتاج نیست که ماازحالاتغییر بدهیم بهتراین است که ما همه‌را یك‌مرتبه بگذاریم برای پس از تصویب آن قانون بعلاوه نباید فراموش کرد که اجرای آن قانون سه سال وقت لازم دارد وا گرچنا باشد دراین قانون ماالین ترتیب راقرار دهیم اسباب زحمت خواهد شدیس بهتر این‌است که در این قانون هم‌همان اوزان سابق‌باشد•

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(معدودی‌قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌نشد پیشنهادآقای رضوی•

(باین مضمون خوانده‌شد)

بنده پیشنهاد می کنم آنچه ازقندو شکر ساخته می‌شود یك‌من‌دوتومان درفته شود •

رئیس- آقای حاج‌میرزا عبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزاعبدالوهاب -بنده عرض می کنم چیزهائیکه ازقندو شکر ساخته می‌شود وازخارج می‌آورند بایك من دو قرانی که این جا نوشته شده جلو گیری نمی‌شود واین باعث می‌شود که این چهار نفرقنادی هم که ما داریم از بین بروند •

این است که بنده عقیده دارم از چیز هائی که ازخارجه می‌آید ازقبیل‌مرباجات و شیرینی وغیره یك‌من دو تومان مالیات گرفته شودتا فردا عوض‌قند وشکرمربای ساخته و شیرینی ساخته به ایران نیاید •

رئیس- رأی‌می گیریم آقایانی که‌قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند•

(چندنفری قیام کردند)

رئیس- قابل توجه نشد• پیش‌نهاد آقای دامغانی

بنده پیشنهاد می کنم درماده۳ بعد ازجمله مواد قندی کلمه فقط علاوه شودو بعداز جمله ٦٤٠ مثقال جای هم علاوه شود لفظ فقط

مخبر- این‌را قبول کردم

رئیس- رأی‌می گیریم‌بماده سوم اسمعیل خان- بنده‌پیشنهاددارم

رئیس- بنویسید بدهیدبیاورند

(نوشته ارسال نمودند)

رئیس - این‌پیشنهاد را خود آقای مخبر کردند که مواد قندی تبدیل شود به آنچه را که از قندو شکر ساخته می‌شود •

پیشنهاد آقای کازرونی

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه وغیره از تبصره حذف شود

رئیس- آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - چون این کلمه (وغیره) ممکن است شامل‌چیزهای دیگری‌هم‌بشود ومقصود دولت‌هم این‌است که قیمت خرید ومخارج ورودیه منظور شده یااضافه یك من‌دو قران وشش قران فروخته شود • ولی کلمهٔ وغیره ممکن است یك چیزهای دیگری راهم شامل‌شود•

ازاین جهت خوبست این کلمه را بردارند واگر مخارج دیگری‌را در نظر دارند که آن مخارج غیراز مخارج گرایه و حمل است خوبست این را ذکر کنند •

مخبر- بعضی‌مخارجی هست که‌نمیشود درقانون پیش‌بینی کرد بنده هم‌نمی‌دانم• ازقبیل مخارج‌دلالی • گونی • کرایه از کشتی وغیره

این مخارج رابنده که نمی‌دانم و گمان می کنم کسی هم‌مرتباً نداند از این جهت کلمه وغیره را در قانون ذکر کردیم

رئیس -رأی می گیریم• آقایانی که پیشنهاد آقای کازرونی را تصویب‌می کنند قیام فرمایند

(کسی قیام‌نکرد)

رئیس - تصویب نشد• پیشنهادآقای شیروانی

(بعبارت- ذیل خوانده‌شد)

تبصره ذیل را بعنوان تبصره دوم پیشنهاد می کنم : تبصره دوم-چای محصول ایران از تأدیه این حق معاف خواهد بود •

شیروانی - چون همچو معمول شده است که مخالفین وموافقین می‌خواهند هم یکررا درقضایاهو کنند و بیك پیشنهاد خوبی‌هم شاید‌رأی ندهند

از آنطرف بنده‌هم مجبورم ادای وظیفه خودرا بکنم ازاین جهت بنده این پیشنهاد را کردم•

حالا آقایان می‌خواهند قبول کنند نمی‌خواهند نکنند

رئیس- آقایانی که‌پیشنهاد آقای شیروانی‌را قبول‌می کنند قیام‌فرمایند

(چندی‌نفری برخاستند)

رئیس- تصویب‌نشد• آقای بهبهانی پیشنهاد کرده‌اند تبصره بعداز ماده یازدهم رأی گرفته شودباید تجزیه‌شود (خطاب‌به آقای بهبهانی- بفرمائید

آقامیرزا سیداحمد بهبهانی- چون درتبصره نوشته شده است بغیر از وجه مخارجی که درماده یازدهم تصریح شده است وماده یازدهم هنوز تصویب نشده است •

علاوه براین یك‌چیزهائی در ماده یازده پیش‌بینی شده‌است و احتمال میرود پیشنهاداتی که در آن ماده شده قابل توجه شود ازاین جهت بنده پیشنهاد کردم که خوبست این تبصره‌را بگذاریم برای بعد ازتصویب ماده یازدهم والامخالفت‌خواهد داشت •

رئیس - مخالفتی ندارد چون ماده یازدهم هرطور تصویب‌شود این‌ماده شامل آن‌خواهد بود

بهبهانی - اینجا نوشته که در ماده (ذکرشده) مکرر (ذکرمی‌شود) مینویسند

رئیس- بلی‌ذکر می‌شود هم بشود عیبی‌ندارد• رأی می گیریم بماده سوم با اضافه دوفقط درسطر دوم‌قبل ازدوقران‌و سطر سوم قبل‌از شش‌قران و تبدیل کلمه (شده) به (می‌شود) و همینطورتبدیل (مواد قندی)بعبارت(آنچه که ازقندوشکر ساخته می‌شود)آقایانی که ماده سوم را باین ترتیب تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثرنمایندگان‌قیام کردند)

رئیس-تصویب‌شد• ماده‌دوم‌یکمیسیون مراجعه شد می اند برای‌روزدیگر

یکنفر ازنمایندگان - این پیشنهاد تازه‌نیست

رئیس - مراجعه بنظامنامه کردند معلوم شدنمی‌توان امروز درآن خصوص رأی گرفت

(ماده ٦٣ نظامنامه بشرح ذیل خوانده‌شد)

ماده٦٣ -اصلاحاتی که درضمن‌شور ثانوی پیشنهاد می‌شود در صورتی که از طرف کمسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح‌و استدلال می کند وفقط امضاء کمسیون‌حق حق‌جواب دارند پس‌از آن‌مجلس درباب قبول توجه یاعدم‌آن‌رأی می‌دهددرصورت قبول توجه آن اصلاح‌بکمسیون فرستاده می‌شود درباره‌این قبیل‌اصلاحات نمیتوان همان روزی که پیش‌نهاد شده است رأی داد

رئیس-آقای‌داور

(اجازه)

داور- بنده تصور می کنم اینکه نوشته شده‌در همانروز نمی‌شود رأی داد مقصود همان‌جلسه است‌و اگرماعصرجلسه داشته باشیم

گمان میکنم مانعی نداشته باشد که رأی بدهیم

رئیس - گمان می کنم عبارت روز مصرح‌است آقای‌میرزائی

(اجازهٔ)

میرزائی - بنده‌میخواهم‌عرض کنم که ماده‌نودوششم میگوید اصلاحاتی که در باره مطلبی‌پیشنهاد می‌شود قبل از خود مطلب درباره آن اصلاح رأی گرفته می شود

این هم‌مطلب‌است وبعقیده بنده این جاهم اصلاح مواداست نخود مواد آقای مصدق‌السلطنه هم‌اصلاحی‌پیشنهاد کرده‌اند اول باید باصلاح رأی بگیریم بعد بخود ماده

رئیس - ماهم همیشه همین کاررا می کرده‌ایم اول باصلاح‌رأی‌می گرفته‌ایم بعد بماده حالا همین کاررا کردیم • ماده چهارم‌قرائت‌می‌شود

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده‌چهار - هرمقدار قندوچای که برخلاف مقررات ماده دوازده خریداری نگاهداری • انبار • یاصادر گرددازطرف دولت ضبط‌خواهدشد•

بعلاوه از مرتکب وکسانی که بااو شرکت درنقض قانون‌نمایند

مبلغی که مساوی باقیمت‌جنس قاچاق شده‌باشد گرفته‌خواهدشد•

هر گاه‌قیمت جنس‌قاچاق‌شده‌رانشود معین‌نمودجزای‌نقدی کمتر‌ازپانصد تومان نخواهدبود•

اگرمرتکب‌یکی‌ازمستخدمین‌دولتی باشدعلاوه‌برمجازاتهای فوق مادام‌العمراز خدمت دولت اخراج‌شده وهیچ‌حقی نسبت بحقوق‌انتظارخدمت ویاحقوق‌تقاعدنخواهد شد وهر گاه ثابت شود مأموری بواسطه نظرخصوصی‌تبعیضی درصدور اجازه نامه نموده‌است•

بموجب مقررات نظامنامه تعقیب وبه مجازات میرسد•

رئیس - آقای حاج‌حسن‌آقا•

(اجازه)

حاج‌حسن آقاملك - بنده‌سابقاً درماده‌چهارم یك‌پیشنهادی که ظرف‌توجه کمیسیون واقع‌نشدوقبل‌ازدستورهم‌اجازه

خواسته‌بودم

تا مذاکراتی عرض کنم موقع نشدم فعلادرهردوموضوع‌می‌خواهم‌عرایضی‌عرض کنم

اولا بنده‌که باین ماده مخالف‌بودم‌از این نقطهٔ نظر بود که چون اساساً دزدی درتمام عالم زشت وقبیح است وبرای هر دزدی هم یك مجازاتی شده در مذهب اسلام هم نوشته شده والسارق و السارقه فاقطعوایدیهما

جمعی ازنمایندگان - السارق

حاج حسن‌آقا - خیر• والسارق - بقرآن رجوع کنید ببینید•••

(خنده نمایندگان)

حاج حسن آقا بهرحال‌دزدی هم مراتبی‌دارد•

یکوقتی دزد محارب است یا قطاع الطریق است وبنده تصورمیکنم‌علت‌اینکه قاچاقچی را نتوانسته انددزد بگویندوباو فقط قاچاقچی گفته اندفلسفه دارد• تصور نشود که بنده میخواهم ازقاچاقچی حمایت کنم• نه•

میخواهم توضیح عرض کنم• دزدی یعنی تصرف کردن درمال‌غیر•

این معنی دزدیست ولی‌معنی قاچاق این نیست •

معنی‌قاچاق اینست که مال خودش‌را ازاین‌طرف رودخانه میخواهد ببرد آن طرف رودخانه که بعقیده خودش ازدست ارباب طمع مالش‌را گذرانیده باشد• چون بعقیدهٔ مذهب اسلام گمرك را شاید بد بدانند•

حالایك‌قوانینی‌وضع شده که‌هر کس مالی را بگذراند باید مجازات‌شود• بنده بقاعدهٔ من له‌الغنم فعلیه‌الغرم عقیده دارم همان اندازه که برای خودش غنیمت‌قائل شده بود بهمان اندازه هم غرامت بشود یعنی‌پیش ازاین اقتضا ندارد اورامجازات کنند•

حالا آمده‌اندبموجب قانون‌جریمه‌اش میکنند ولیکن‌این جریمه نبایستی‌باندازهٔ باشد که ما فوق تصورباشد•

مثلا یك وقتی‌هم این جا توضیحاتی داده شد که اگرفرضاً یك کسی پنج سیر قند قاچاق کرده‌باشد ونتوانند معلوم کنند چقدربوده است پانصد تومان بموجب این قانون ازاواخذ میشود واین‌مسئله ازعدل‌و انصاف دوراست

پس بعقیده بنده باید همان اندازه جنس که قاچاق کرده‌ازاوبه گیرندوبعدهم اگربخواهند باومجازات بیشتری بدهند یك مجازات تکدیری ازاوبکنند کافیست ولی اساساً درموضوع اینکه این وجوه اختصاص داده شده است براه‌آهن

چون چند روزقبل در اطراف این قانون تجاریك‌مذاکراتی‌میکردند لهذا بنده عقیده دارم که این قضیه‌را اینجا شرح بدهم•

اولا راه‌آهن باندازهٔ مهم ومستحسن است واهمیت راه‌آهن بدرجه‌ایست که بین خالق ومخلوق قائل‌شده‌اند

چنانچه میفرمایند-الطرق‌الی‌الله‌بعدد انفس‌الخلائق•

چنانچه میگویند فلان‌آدم یك‌کوره راهی‌باخدا دارد وچون‌اصولا‌این‌وجوهات اختصاص داده شده است براه‌آهن‌آقایان تجارعموماً باکمال‌رغبت‌ومیل‌حاضرشده‌اند وعریضه‌هم عرض کرده‌اند که ما این‌قانون را استقبال‌میکنیم‌ودراطراف قضیه‌هم‌اگر راجع بانحصار صحبت هائی شده است و ازمقامات عالیه تحقیق‌شد معلوم‌شد که‌این خسارت متوجه تجارهست یانه وبعقیده‌بنده درآتیه این‌نگرانی متوجه خواهدشد•

رئیس-آقای‌رهنما•

(اجازه)

رهنما - اینکه‌گفته شد از قاچاقچی عین جنس گرفته شود این تنهاکافی نیست زیرا قاچاق کردن تخلف از قانونست و این تخلف ازقانون تخلف ازادای‌وجوهی است که باید بیت المال مسلمین برسدواز آنجا برداشته شود وخرج مسلمین‌بشودبنا براین درهمه جا مجازاتهای شدید برای قاچاقچی معین کرده اند واگر غیر ازین بشود سکته باجرای قانون وارد میکند و بنده تصورمیکنم این ایرادآقا واردنباشد و این ماده بهمین ترتیب لازم است باشد •

(جمعی گفتند: مذاکرات‌کافیست)

کازرونی-کافی‌نیست•

رئیس- رأی می گیریم• آقایانی که مذاکرات راکافی‌میدانند قیام فرمایند•

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- اکثریت است• پیش‌نهادها قرائت می‌شود•

(بشرح ذیل‌قرائت شد

پیش‌نهادآقای ارباب کیخسرو - بنده پیش‌نهاد میکنم ازماده٤ این قسمت حذف شود•

هر گاه قیمت جنس قاچاق شده را نشود معین‌نمودجزای نقدی کمتر ازپانصد تومان نخواهد بود•

ارباب کیخسرو- همین‌قسمی که‌درنظر گرفته شد، البته کسی که تقصیر کند باید مجازات شود

ولی‌اینجا یك مشکلی از دوطرف هست یك حرف ممکن است‌تصوربشود که یك کسی یك مختصری قاچاق کرده یك چارك یا نیم من ونتوانند آن‌را تشخیص بدهند

آنوقت چون نمی‌توانند تشخیص بدهندبانصدتومان‌جریمه‌میگیرند وبالعکس یك تاجری‌آمد وبقدرهزار تومان قاچاق کردآن هم باید پانصد تومان بدهد • بنظر بنده این مطابق انصاف نیست‌اگر یك راهی داشته باشد که بتوانیم از روی تخمین معین کنیم که‌آن قاچاق درچه‌حدود باشد ازروی‌آن حدود دومقابل‌باسه‌مقابل جرم معین شود بنده موافقم

ولی‌بطوری که نوشته‌شده‌اگرنتوانند تشخیص بدهند پانصد تومان جریمه بدهند برای هردوطرف دورازانصاف است

بنا براین خوبست این اشکال را ملاحظه بفرمائید وهر طوری که صلاح می‌دانند این‌رااصلاح کنند و الا با این ترتیب که نوشته شده موجب اشکال می‌شود •

رئیس- کمیسیون اظهارعقیده میکند؟

مخبر- برای‌مجلس واگذارمیکنم

رئیس-آقایانی که‌این پیش‌نهادراقابل توجه میدانند قیام‌فرمایند•

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل‌توجه شد•

(ایضاً پیش‌نهاد دیگری از طرف آقای ارباب کیخسرو قرائت شد بمضمون ذیل)

بنده پیش‌نهاد می کنم درماده ٤ بعد از کلمات خریداری- نگاهداشتن وانبارو صدورمزید شود•

(باستناد در مورد چای مزروعه در داخله‌مملکت)

ارباب کیخسرو- با توضیحی که در مقدمه پیش‌نهاد دولت داده شده است و با توضیحی که‌آقای وزیرمالیه اینجا دادند اینطوراستنباط شد که اگرقند و چای در داخله مملکت بعمل بیاید ازاین تحمیلات معاف خواهد بود

ولی‌مخصوصاً باآن پیشنهادی که آقای شیروانی کردند وقابل‌توجه نشد در آتیه اسباب زحمت خواهد شد وبنده نمی دانم علت اینکه قابل‌توجه نشد چه بودو قابل‌توجه نشدن پیش‌نهاد ایشان اینطور می‌فهماند که اگر چای درداخله بعمل آید باید ازآنهم همین عوارض را گرفت در صورتیکه منظوردولت چای داخله نبوده

بعلاوه چائی که‌درداخله این مملکت بعمل‌می‌آید اگرحق نگاهداشتن نداشته باشند پس‌زارع چه باید بکند؟

البته بایدآن‌را در یك جائی نگاه بدارد ازاین‌جهت بنده پیش‌نهاد کردم آن چائی که در داخله مملکت زراعت می شود برای نگاهداری‌وانبار کردن و غیر اینها آزاد باشد•

مخبر- این ایرادآقای ارباب وارد است کمسیونهم قبول میکند•

رئیس-پیش‌نهادآقای‌حاج حسن‌آقا.

(بشرح ذیل خوانده شد)

درماده٤- بنده‌پیش نهاد می کنم که درمجازات بهمان مقدارجنس قاچاق شده قناعت شود•

رئیس- (خطاب‌بآقای‌حاج‌آقا)راجع به‌پیش نهاد خودتان توضیحی دارید ؟

حاج حسن آقا - خیرتوضیح همان بود که عرض کردم•

رئیس- رأی میگیریم بپیش نهاد آقای‌حاج‌حسن‌آقا•

آقایانی که پیش نهاد ایشان را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند•

(عدهٔ قلیلی‌قیام نمودند)

رئیس- قابل‌توجه‌نشد• پیش‌نهادآقای حائری‌زاده•

(بشرح‌آتی قرائت گردید)

بنده پیش‌نهاد میکنم از اول جمله (بعلاوه آزمرتکب)الی(پانصد تومان بود نخواهد بود حذف شود•

حائری‌زاده-آقای‌ملك‌التجارتوضیحی درخودماده دادند دیگر محتاج نیست که‌بنده تکرار کنم•

درمملکت ما یعنی‌درتمام‌دنیاحکومت باکثریت است اکثریت وقتی نظری را گرفت اگر اقلیت خواسته باشد نظر خودش را تحمیل براکثریت کند تولید هرج‌ومرج‌میکند•

اکثر برضا و رغبت اطاعت میکند قوانینی را که‌تصویب کرده واقلیت‌بکراهت قبول‌میکند•

پس کسیکه ازاین قانون‌راضی‌نیست اگر مال خودش‌را شکلی‌عبورداد که‌این قانون شامل‌حال اونشودو گمرك‌بارامداری را نداد نمی‌شود اسمش‌را دزد گذاشت

در مجلس هم این اصل در مالیات دخانیات قبول‌شد•

یعنی دولت یك مجازاتی را علاوه‌بر ضبط جنس قاچاق پیشنهاد کرده بود و مجلس را رد کرد و رأی‌داد باینکه‌راجع بقاچاق تنباکو وتوتون عین جنس قاچاق ضبط‌شودو جریمه دیگری‌ندارد باین‌معنی که‌اقلیتی که‌نخواسته اطاعت کندامرا کثریت را این مال راازش می گیرند دیگر نباید توی سرش‌هم بزنند خصوص باوضع فعلی که باید راه سهلترش را درنظر گرفت و در قانون نباید اینقدرفشارآورد بالاخره بنده معتقدم که این عجاله باید حذف شود•

بلی‌اگر مستخدمین دولتی شرکت کردند آن قسم مجازاتها برقرار باشد

ولی تاجری که جنسش را بخواهد عبور دهد چنانچه قاچاق کرد بایدبضبط آن جنس‌دولت کفایت کندوچنانچه‌درشور اوهم گفته‌شد ممکن است دریك کشتی۲ من‌قند۱ نفرداشته‌باشد•

مأمور مالیه‌میرودآنجا برای تفتیش آن‌وقت این شخص ۲ من قند باشکرش را می‌اندازدتوی‌دریا•

این معین است که هزارمن‌نبوده وبا دست خودش‌کیسه را می‌اندازد توی دریا مطابق این قانون بایدپانصد تومان جریمه بدهد و در آن قسمتی که آقای

www.iran-archive.com

ارباب کیخسرو پیشنهاد کردندوقابل توجه شد.

بنده‌مذاکره نمی کنم ولی معتقدم که آن‌قسمت رابایدحذف کرد.

مخبر- آقا مثلهائی می زنند که گمان نمیکنم هیچ وقت این مثل هااتفاق بیفتد.

مثلا می فرمایند ممکن است مفتش برود توی کشتی که ۲ من قند را تفتیش کند.

این مسئله هیچوقت اتفاق نمی افتد که مفتش برای ۲من‌قند برودتوی کشتی.

بعلاوه این پیشنهاد آقای حائری‌زاده هم ردشده زیرا آقای ملك‌التجار هم این قسمت را تقریباً پیشنهاد کردند و رد شد و پیشنهاد ایشان‌باپیشنهاد آقای‌ملك‌التجار یکی بود و آن‌قسمت‌آخرش را هم که آقای ارباب پیشنهاد کردند و قبول شد.

اگرچنانچه‌بخواهیم‌این‌اندازه‌مجازات را هم برای اشخاص متخلف از قانون و قاچاقچی معین نکنیم گمان میکنم قاچاق هم یکی از چیزهای مشروع خواهد شد که فوق‌العاده در این مملکت رایج میشود.

حائری‌زاده-رأی‌بگیرید.

رئیس -رد شده است چرا رای بگیریم؟

حائری‌زاده-پیشنهاد آقای حاج ملك‌التجار باپیشنهاد بنده دوتااست و تفاوت دارد.

رئیس - تفاوتش رابفرمائیدچیست

حائری‌زاده-پیشنهاد آقای‌حاج ملك این بود که منحصراً بضبط مال قناعت شود.

یك‌قسمت از مجازات مجازات نقدی است ویك قسمت دیگرهم راجع باین‌است که‌مأمورین دولت که در این قضایا شرکت کرده‌اندمجازات‌شوند.

بنده‌این قسمت آخر را معتقدم که باشد که اگر مأمورین دولتی تخلف در قانون کردند باید البته مجازات‌شوند.

ولی معتقدم که تاجر رابیش از ضبط مال قاچاق‌نباید مجازات دیگری برایش قائل‌شدو این‌تفاوتی است که پیشنهاد بنده باپیشنهاد آقای حاج ملك‌دارد این‌استکه استدعا میکنم‌رأی گرفته‌شود.

رئیس-رأی می گیریم آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس-قابل‌توجه‌نشد

(پیشنهاد آقای بهبهانی بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

درماده چهارم بنده پیشنهاد میکنم‌از لفظ(بعلاوه)تا(کمتر ازپانصدتومان‌نخواهد بود)حذف و بجای آن‌نوشته‌شود:

وکسانیکه بااوشرکت درنقض‌قانون نمایند بموجب نظامنامه‌مدونه(در کمیسیون قوانین مالیه) قانوناً تعقیب خواهد شد.

بهبهانی

رئیس-بفرمائید

آقامیرزا سیداحمد بهبهانی - یك قسمت از پیشنهاد بنده‌هم همان پیش نهاد آقایان‌ارباب‌بود که‌رأی گرفته‌شدوتصویب شد.

یك قسمت دیگرراجع بهمان قسمتی است که آقای حائری‌زاده و آقای حاج ملك پیشنهاد کردند که رأی گرفته شد و تصویب نشد. قسمتی که پیشنهاد بنده علاوه دارد این‌است که‌بجای این حذف نوشته شود:

کسانی که بااو شرکت در نقض قانون نمایند بموجب نظامنامه مدونه در کمسیون قوانین مالیه مجازات خواهدشد وجهت پیشنهاد بنده‌هم این است که البته آقایانهم تصدیق می‌فرمایند که برای هر قسم گناه وهرمخالفت باقانونی بایدیك‌نوع مجازاتی درنظر گرفته شودواگر بناشود این‌مجازاتها راانسان ببرد روی‌سخت‌ترین مجازاتها لازمه‌اش این می‌شود که برای گناهها هیچ درجه در مجازات قائل‌نباشیم ملاحظه بفرمائید درهر قانونی که متداول است برای مجازات‌اشخاصی که‌نقض قانون می‌کنند.

مثلا مقداری که معادل باشد باعشر قیمت یاثلث قیمت یا نصف قیمت آن متاعیکه قاچاق کرده جزای نقدی معین می کنند واغلب درسایرقوانین‌هم‌همینطور است.

اینجا حساب کنیدبه‌بینیداولامال‌مردکه را بکلی می‌برند مثلا آن‌قسمتی راکه انبار کرده صدخروار قنداست که‌آن صد خروار قندرا می گیرندو معادل‌آنهم‌جزای نقدی‌ازاو می‌خواهند بگیرند.

اصلا ممکن است‌این شخص اینقدر استعداد نداشته باشدو این مجازات بنظر بنده زیاداست ومجازات سارق شرعی‌این است که مال را ازش می گیرند و یك مجازات شرعی‌هم دارد ولی‌این شخص که درمال خودش میخواسته است‌یك اقدامی کند که مخالف باقانونست این مجازاتش این‌است که مالش‌را ازش بگیرند دیگر درمقابل این خلاف قانون یك‌مقام هم بخواهند ازاو بگیرند بنظر بنده زیاد است.

علاوه براین ازکسی که شرکت کرده بااو درنقض قانون یاقاچاق را او هم‌این مبلغ گرفته شود.

اینهم بنظر بنده درست نیست زیرا شرکت درجات دارد ممکن است در صد هزار تومان صدتومان شرکت کرده باشد این مجازاتش مساوی با آن کسی باشد که‌مثلا صدهزار تومان قاچاق کرده‌درست در نمی‌آید و برای اینکار هم بنظر بنده باید درنظامنامه که نوشته شود پك‌ترتیبی معین‌نمود.

زیرا در آن نظامنامه باید درجات این‌شرکت نوشته شودو برای هردرجه‌یك مجازاتی قائل شوند. غیر از مستخدمین دولتی که بعدذکر شده که اگر مرتکب یکی‌از مستخدمین دولتی باشد علاوه یك مجازات دیگری هم‌دارد بالاخره بنده عقیده‌ام این‌است که این‌قسمت بکلی از ماده حذف شود وبجای‌آن نوشته شود کسانی که بااو شرکت در نقض قانون نمائید بموجب نظامنامه که تدوین‌خواهد شدمجازات بشوند

مخبر- اینجا سوء تفاهمی برای‌آقا شده. در مسئله شرکت نه‌مقصود شرکت درمال‌التجاره است یعنی‌یك تاجری‌فرضاً صدخروار قندخریده فردا اگر من یك منش‌را خریدم شریك او هستم که فردا اگریك تحمیلی باوشدنصفش‌رانباید از او بگیرندونصفش رااز من‌بگیرند.

خیرمقصود اشخاصی است که‌شریك در نقض قانون می‌شوند یا شریك در قاچاقچی گری می‌شوند والبته تصدیق می‌فرمائید کسیکه شریك‌درقاچاقچی گری شدباید سهیم‌در جریمه شودوالبته یك تاجری که‌صدخرواز جنس که‌خریدوفروش وحمل‌و نقل آن‌متعلق بدولت است وبیك اجازه‌نامه هم می‌توانند ازتمام‌اینهااستفاده کند آن‌وقت قاچاق رادرکنیدالبته باید علاوه برضبط عین‌جنس یك‌چیزی از او گرفت برای اینکه ممکن است عوض اینکار برود در وزارت فوائد عامه و یك اجازه‌نامه بگیرد وجنسش راوارد کند واگر اینطور کرد و اجازه گرفت بنده بجنابعالی قول می‌دهم که هیچوقت نه‌یك برابر ونه‌دو برابر از او نخواهندگرفت

رئیس -آقایانی که اصلاح آقای بهبهانی رافابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قیام‌نمودند)

رئیس- قابل‌توجه‌نشد

(پیشنهاد آقای کازرونی بشرح ذیل قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهار اینطور اصلاح‌شود

ماده٤- هرمقدار قندو چای که بر خلاف مقررات این قانون وارد شود از طرف دولت ضبط خواهد شد و اگر مأمورین‌دولت دراین خلاف قانون‌شرکت کنند در مجازات نیزشریك بوده بعلاوه از خدمت برای همیشه منفصل خواهند بود.

کازرونی- متأسفانه مذاکرات کافی‌شد وبنده ناچار هستم نظریات خودم را باین‌وسیله عرض کنم

اینجا می گویند هرمقدار قندو چای وشکری که برخلاف مقررات ماده‌دو وارد شده درصورتیکه درماده پنج‌ازجمله چیز هائی که‌استثناء ومجاز کرده است‌ترانزیت است آنجا میگویند ترانزیت آزاداستو حق‌تعرض نیست.

اما اینجا می گوید منحصراً برطبق مقررات ماده دواگر نشد چنین و چنان می‌شودخواهند فرمود که‌درآنجامخصوصاً ذکر کرده‌اند.

بلی صحیح‌است ولی‌بنده‌عرض‌میکنم بین‌این دوماده تعارض پیدا می‌شود وهیچ ربطش بهم‌نداده‌اند واز ماده پنج هم که که‌قصد ترانزیت است‌در اینجااسمو نبرده است بعلاوه مینویسد:

اگر خرید وفروش برخلاف‌مقررات ماده دوبشود مستلزم این مجازات است ممکن است‌قندیا شکری بعنوان ترانزیت وارد گمرك بشود وبعد یك کس دیگری بیاید وازآن صاحب قندآن قندو شکررا بخرد آیااین تاجر مجاز است یا مجاز نیست؟ سؤال‌میکنم.

ترانزیت راکه خودتان‌تجویز کرده‌اید بعداین جاآمده‌اید و خرید و فروش رامنوع کرده‌اید این است که عرض میکنم تعارض پیدا می‌شود زیرا خرید و فروش راکه در این‌جا ممنوع کرده‌اید بالتبع ترانزیت‌هم ممنوع‌می‌شود بنابراین خوب‌است

رئیس -توضیح‌باید مختصرباشد

کازرونی- قبول میکنم‌ولی‌بشرط اینکه درمورد همه‌اینطور باشدنه‌درمورد شخص بنده‌تنها

رئیس- اگر کسی‌تخلف کردخودتانهم ممکن‌است اخطار بفرمائید

قدین - بنده پیش‌نهاد تنفس میکنم.

رئیس-میخواهید تنفس‌بشود

جمعی ازنمایندگان - صحیح است.

(دراین موقع‌جلسه برای‌تنفس‌تعطیل وپس از یکربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهادآقای‌شریعت‌زاده قرائت میشود

(بمضمون‌ذیل خوانده‌شد)

بنده قسمت‌اخیر ماده٤ رابترتیب ذیل اصلاح میکنم

درصورتیکه مأمورین مسؤل‌دردادن اجازه‌تبعیض کرده ورعایت تقدم تاریخ را درتقاضای اشخاص‌ننمایند بانفصال دائم‌از خدمات دولتی‌محکوم خواهند شد

رئیس- بفرمائید

شریعت‌زاده - چون بنده‌میدانم که نمایندگان‌محترم بدلائلی علاقه‌مندبسرعت جریان این لایحه‌هستند

اینست که‌مفصلا توضیح‌نمی‌دهم همین قدرخاطرشان‌را متذکرمی کنم که اساس این‌لایحه‌درمورد مجازات‌نیست به‌اشخاص بایستی طوری باشد که‌مأمورین این اصل رادرنظر داشته‌باشند که‌رعایت‌اصول‌عدالت رانسبت‌باشخاص بکنند و دراجازه تبعیض نکنند

ازاین‌نقطه‌نظربرای مأمورینی که در دادن اجازه تبعیض‌میکنندورعایت تقدیم وتأخیررادردادن‌اجازه‌ها نمی کنند

بنده این قسمت را اینطور اصلاح کردم که‌اگرتخلف‌نمودند بمجازات‌برسندو البته‌با این پیش‌نهادجلوگیری از تبعیض خواهدشد.

مخبر -این‌پیش نهادی را که‌آقا کردند نظر کمیسیون هم همین بودمنتهی ما میخواستیم درنظامنامه اینهارا بنویسیم‌و و حالا بااین‌پیش نهادی که کرده‌اند کمیسیون‌هم‌مخالفتی‌ندارد.

رئیس-پس‌قبول‌میکنید؟

مخبر-بلی

(پیش‌نهاد دیگرآقای شریعت‌زاده بشرح آتی‌قرائت‌شد)

بنده پیش‌نهاد می کنم بجای جمله نقض قانون)درماده چهارجمله (تخلف‌از قانون)نوشته‌شود.

شریعت زاده دراین جاباید رعایت اصطلاح‌بشود درموردی که اشخاص بر خلاف قانون رفتارمی کنند باید گفته‌بشود تخلف ازقانون‌نه‌نقض قانون واین‌هم یك مطلب واضحی است که‌گمان‌می کنم‌باید نوشته‌شود

مخبر- این‌راهم کمیسیون‌قبول‌میکند

(پیش‌نهاد آقای طهرانی‌بشرح ذیل قرائت‌شد)

این‌بنده پیش نهاد می‌نمایم که بعداز (مساوی‌بان)الفظ(نصف)اضافه‌شود.

آقاشیخ محمدعلی طهرانی -این‌جا یك‌من قند یك تومان قیمتش است دوقران حق ورودی دارد یعنی حق‌اجازه ورودی داردا گرعین جنس‌رابگیرند‌تقریباً پنج مقابل اندازه که‌بایدبدهد دادۀنصف قیمت آنهم پنج‌هزار اضافه شود

ازبرای اینکه یك‌چیزی راکه‌قانون معین کرده نخواسته است بدهد

پیشنهادیکه از طرف کمیسیون شده دوتومان است.

بنده‌باینترتیب پیشنهاد کردم که نوشته‌شودمبلغی که‌مساوی‌بانصف‌قیمت‌قاچاق باشد واین چندان‌ضرری‌واردنمی آوردو جلوگیری ازقاچاق‌هم خواهد کرد.

رئیس-رای‌می گیریم‌بپیش‌نهاد آقای طهرانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام‌فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه‌نشد.

(پیشنهاد آقای آقا سیدیعقوب‌بشرح ذیل قرائت‌شد)

پیشنهاد میکنم درماده چهاردرصفحه دو سطر اول کلمه (هرگاه)تا (نخواهد بود)حذف شود وبعد از کلمه (مرتکب) اضافه‌شود

(یاشریك‌ارتکاب

آقاسید یعقوب-اجازه‌میفرمائید؟

رئیس-بفرمائید

آقاسیدیعقوب-دراین جزء اول بنده تأمین‌شد ودرآن‌حرفی‌ندارم.

اما این عبارت‌اگر مرتکب یکی از مستخدمین دولتی‌باشد

بنده پیشنهاد کرده‌ام که‌اگر مرتکب یاشریك ارتکاب یکی‌ازمستخدمین دولتی باشد همان مجازات برای اوباشد

خلاصه مقصودم این است که‌کسی هم‌کمشریك در ارتکاب است مجازات بشود.

مخبر-این راهم قبول می کنم که مرتکب یا شریك در ارتکاب نوشته شود.

رئیس-ماده‌پنج

وزیرفوائدعامه-یماده‌چهاررای نمی گیرید؟

رئیس مراجعه‌شده است‌بکمیسیون

(ماده پنج بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده ٥ قندوشکر وچای که بطور ترانزیت از خاك‌ایران بمملکت‌دیگرعبور می‌نماید مشمول مقررات این‌قانون‌نخواهد بود.

رئیس-آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو-بنده‌این‌جاتوضیحاتی میدهم‌که آن‌قواعدی که‌در این جاراجع بترانزیت معمول است چیست؟

آیا طوری هست که ازآن قواعد یك استفاده های خصوصی نشود استدعادارم دراین‌باب یا یکی از اعضاء محترم‌دولت یاآقای مخبر توضیح بدهند که آن قواعدچیست.

البته جای شبهه‌نیست که‌بایدترانزیت آزاد باشد.

ولی‌آن‌قواعدی که‌مجری‌است‌دراین‌مملکت چیست ؟

چونکه مااطلاعاتی‌نداریم‌وبایدازروی اطلاعات رأی بدهیم

وزیرمالیه- بنده‌درست‌ملتفت‌نشدم مقصود آقای ارباب را

ولی این‌یك مسئله‌ای است‌بعضی‌دول قبول می کنند که ازخاك‌آنها عبورمی کند ودرداخله مملکت‌آنها مصرف نمی‌شود و به مملکت دیگرمیرود ازآن‌جنس‌عوارض ورودی نمیگیرند

ممالکی که این عقیده را دارند و من‌جمله ماهم جزءآن ممالك هستیم نظر بمصالحی‌است که‌این ملاحظه را کرده‌اند که جنسی که وارد مملکت می شود اگر عوارضی گرفته می‌شود برای این است که جلوگیری از مصرف شدن آن داخله بشود

پس اگر درداخله مصرف نمیشودو بجای دیگر میرود برما نیست که ملاحظه این را بکنیم که جای دیگرمصرف نشود وجلوگیری بکنیم

بعلاوه رعایت کردن ترانزیت یك صرفه‌ای‌هم بحال‌مملکت‌دارد

مثلا اگر یك مقدار جنس از خاك ایران عبور می کند وبخاك دیگر میرود درجنسی که از خاك ما عبور می کند و به خاك دیگر می رود به مکاری های ما و اگر راه‌آهن باشد براه آهن ما کرایه می‌دهد وکسانی که جنس را عبورمیدهند دراینجا مخارجی میکنند زندگانی میکنند معاش می کنند

اینها یك فوائدی است که بمملکت ما فائده میرساند وضرری هم به مملکت نمیرساند

پس اساس ترانزیت را که ما قبول کردیم دراین موردفند وچای‌هم‌همینطور است واگر بخواهیم بیائیم ما قند و چای را مشمول این مقررات قرار بدهیم و یك حقی درموقع عبورقند وچای که‌ازمملکت ما بجای دیگرمیرود بگیریم‌آن صرفه هم حاصل‌نمیشود چرا؟

بجهت اینکه فقط اسباب این خواهد شد که مثلا کسانی که ازبین‌النهرین می‌خواهند بافغانستان قند وچای ببرند آنها خاك ایرانرا رهاکرده و از خاك دیگر عبور می دهند و آن منافعی که از عبور ترانزیت برای ما حاصل می‌شودآن‌منافع از مملکت ما می رود حالا چه ترتیبی دارد؟

مسئله ترانزیت موافق‌یك نظامنامه‌هائی است و ترانزیت منحصر بقند وچای نیست

تمام‌اجناس ممکن است‌بطورترانزیت عبوز کند و اداره گمرك هم نظام نامه و مقرراتی دارد که درموقع معامله با مال‌التجاره‌ای که بطور ترانزیت عبور میکند برطبق آن‌مقررات‌رفتارمی‌شود

مثلا یك جنسی که وارد مملکت ما می‌شود ما باید تشخیص بدهیم که‌آیا این شخص را می گوید ومی‌خواهد ازمملکت ما عبور بدهد یادرداخله مملکت‌ماصرف می‌شود

اداره گمرك برای تشخیص این‌مسئله ترتیباتی‌دارد

یکی از وسائلش این است که آن جنسی که وارد در سرحد می‌شود رعایت نمی کنند که ترانزیت می‌شود وحقوقی که باید گرفت از او می گیرند ولی یك‌سندی باو می‌دهند و تعهد می کنند که اگر این جنس‌را خارج کردی حقوقی‌را که‌داده‌ای پس میدهیم

باین‌نظراداره گمرك اطمینان‌حاصل می کند وهر اقدامی که برای سایراجناس ترانزیتی که دولت‌باید‌بکند دراین‌موردهم خواهد کرد

حالا اگر مقصودآقای ارباب همین بود که بنده این توضیحات را دادم واگر مقصود دیگری دارند بفرمایند تا توضیح بدهم

جمعی‌ازنمایندگان- مذاکرات کافی‌است

رئیس - پیش‌نهاد ها قرائت می‌شود

(پیشنهادآقای دکتر آقایان بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ٥ اضافه شود : ولی حق انحصاری در موقع ورود جنس بایران درصندوق‌دولتی امانت سپرده می‌شود و بعد ازاراه جواز صدور گمرك‌مسترد خواهدشد.

دکتر آقایان-آقای وزیرمالیه‌یك توضیحاتی نسبت بترانزیت‌دادند.

در سایر ممالك عمل‌کردنش آسان است.

چرا؟

برای اینکه هزار خروار ،ده هزار خروار باررا آنها میگذارند توی‌واگنها و آنها را بایك مهر سربی اداره گمرك مهر میکنند وازآن‌نقطه که‌خارج می شود رسیدگی‌میکنند.

ولی از آنجائیکه درمملکت‌ماوسایل حمل‌ونقل یك‌طورپست که‌بچوقت‌نمی‌شود صد یاهزار خروار جنس رامهر کرد اینست که‌ترانزیت تولید اشکال میکند مخصوصاًقندوچای‌وشکر.

بنابراین اینطور ما نمی‌توانیم موفق بشویم مخصوصاً یك جنسی مثل‌قندوشکر که‌ویشت‌و یاشش زیاد است یعنی‌آورنده این جنس که بعنوان ترانزیت وارد کرده است وقتی خارج میکند هریك خرواریك من کسرآورده.

می گوید این‌ریخته است پاشیده‌است و قبول نمیکند واز طرف‌دیگر نظر باینکه ممکن است فروشندگان قند به مملکت‌ما یاآن مؤسساتی که بماقندوشکرمی‌فروشند دارای یك اهمیتی باشند و برای اینکه هیچوقت تولیدهیچگونه مشاجره‌شود واز طرف دیگر هم در خودقانون ذکر شده باشد که ترانزیت نسبت بقند چگونه باید باشد ومخصوصاً نظر باینکه مابك قانون ترانزیتی که از مجلس گذشته باشدنداریم ویك‌نظامنامه درگمرکات وجود دارد که طرف ممکنست‌زیربار آن‌نرود.

بنده‌اینطور پیشنهاد کردم و عقیده‌ام اینست که هرمقدار قندوشکری که بعنوان ترانزیت وارد این مملکت می‌شود مطابق این قانون حق‌انحصار را آنجا بگذارد وقتی که‌خارج شد آن سندی‌را که ابتدا

www.iran-archive.com

گرفته آرائه می دهد و پولش را پس میگیرد.

وزیر فوائد عامه - بنده تصور نمی‌کنم باقبول اصل مطلب یعنی قبول اساس شرایط ترانزیت جای این پیشنهاد دراین قانون باشد فقط مسئله معافیت اساس مطلب است یعنی اجناسی که ازطرف ایران حمل می‌شود معافیتش را پیش بینی کرده است.

ولی وسائل این مطلب مربوط بنظام‌نامه‌ها و موکول باجرای نظامنامه های گمرکی است در بعضی موارد ممکنست مثل فرانسه بلب کنند.

یعنی مهر سربی کنند که درموقع خروج باهمان مهر دست نخورده باید تحویل بدهد یامکنست پول ورودیه رابدهد و بعد پس بگیرد و در هرحال مورد پیشنهاد دراین جانیست.

رئیس - رای می گیریم بپیشنهاد آقای دکتر آفایان.

آقایانی که قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درماده ۶ بعد از عبارت قند وشکر وچای نوشته شود:

«بارعایت مقررات ثابت بدون تبعیض اجازه عبور»

ارباب کیخسرو - اینجانظر باینکه موضوع ترانزیت یا اجازه اوچیزی است که هنوز ماکاملا مستحضر نیستیم و البته به نظامات اداره گمرک هم مطمئن هستیم که یك ترتیبی خواهند داد که موجب اشکال نشود.

ولی ازیك چیزی بنده یکقدری نگرانی دارم که مبادا موافقی بشود که ممکن باشد نسبت بآن مقررات بشود تبعیض گرد ازین جهت پیشنهاد کردم که مطابق همان مقرراتیکه هست بدون تبعیض وبااین مقررات ثابت یعنی آنچه مقررات تغییر پذیر نباشد اگر چنانچه این قسمت مزید شود بیشتر موجب اطمینانست.

مخبر - بموجب یك نظامنامه که هست بین تمام دول و گمرك هم از روی آن عمل میکنند دیگر گمان نمیکنم باوبودن آن نظام نامه محتاج باین قبیل توضیحات باشیم.

رئیس - رأی گرفته می‌شود به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو. آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته می‌شود بماده ۵.

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده شش

(بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۶ - دولت مجاز است که قند وشکر و چای را که بیش از احتیاجات مملکتی برای ورود بایران حمل می‌شود خریداری شود واجازه ورود دهد.

رئیس - آقای دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا یحیی دولت آبادی - بنده با این ماده مخالفم بواسطه اینکه اولا هر کس این ماده را ملاحظه کند به خاطرش میرسد که دولت می‌خواهد ازاین عایدات صندوق راه آهن را غنی تر بسازد.

درین صورت چرا جلوگیری ازین کار می کند ومی گوید اگر قند و شکر زیادتر از احتیاجات مملکت بخواهند وارد کنند دولت مجاز است که جواز بدهد ونفرد.

چرا؟ برای چه؟ خوب، هرچه بیشتر وارد کنند که برای دولت بهتر است. پس چرا جلوگیری میکند ازین کار؟ این مطلب در بادی نظر به خاطر هر کس اینطور میرسد.

چنانچه آقایان درشور اول مکرر این مطلب را اظهار فرمودند وآقای وزیر فوائد عامه جوابی که به آقایان دادند درواقع همه را یك مطلب فرمودند و آن این بود که فرمودند ممکنست بخواهند یك قند وشکر زیادی که بیشتر ازاحتیاجات مملکت باشد وارد کنند ودولت نتواند خریداری نماید به این واسطه می‌خواهیم محدود کنیم که اگر هیچ صورتی پیدا شد که خواستند قند وشکر بیش ازاحتیاجات مملکت وارد کنند دولت مجبور نباشد بخرد و در مضیقه نیفتد.

بنده این جواب را کافی نمی‌دانم در مقابل محظوراتی که دراین ماده هست اگر منظور دولت اینست این را می‌تواند بطریق دیگری تأمین نماید یعنی بگوئیم مؤسسه انحصاری مجبور نیست که بیش از آن قدری که قند لازم دارد حکماً خریداری کند...

(همهمه بین نمایندگان)

وزیر فوائد عامه - مقصود هم همین است.

دولت آبادی — توجه کنید بعرض من: امامحظوراتی که برین ماده میباشد و بنده از آن نقطه نظر مخالفم اینست که ممکنست این ماده سلب بشود که اشخاص متنفذ اشخاص متمول واشخاصی که می‌توانند بروند یك دفعه یك مبلغ زیادی بدولت بدهند بروند یك جواز فوق العاده بگیرند و آن وقت فردا یك بیچاره که میرود جواز بگیرد باوجواب می‌دهند که مطابق این دفتر و نمره فلان اندازه به فلاك کس جواز داده‌ایم و دیگر احتیاج نداریم شما بروید از آقای فلان اجازه بگیرید.

گمان میکنم برای ملت مخالفت بنده با این ماده همین یك مثلی که زدم کفایت بکند.

اینست که بنده کاملا با این ماده مخالفم واین ماده را مضر میدانم وباید بکلی ازاینجا برداشته شود.

مخبر - دلائل آخری که آقا اقامه فرمودند.

همان دلائلی است که بنده هم برای تأیید لزوم این ماده دارم. اولا فرمودند. مثل اینست که ما میخواهیم از این راه منافعی پیدا کنیم

برای راه آهن! البته مقصود هم همین است وآن جوابی را که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند.

بنده هم همان را عرض و تکرار میکنم:

دراین ماده ششم نوشته است: (دولت مجاز است قند وشکر وچای را که بیش از احتیاجات برای ورود به ایران حمل می‌شود خریداری ننموده و اجازهٔ ورود ندهد) هم در مجلس دهم.

درخارج بعضی ازآقایان این اشکال را داشتند و می فرمودند که همین قدر کافیست.

که دولت خریداری ننماید دیگر چرا اجازه ورودش را ندهد؟

البته باید آقایان درنظر بگیرند که یك مؤسسه تأسیس شده که خرید تمام قند و چای وشکر ومواد قندی را به خودش انحصار میدهند یعنی خرید. فروش وتجارتش تمام با این مؤسسه است.

دراین صورت آیا ممکن نیست همان طور که آقای دولت آبادی در ضمن بیاناتشان فرمودند یك نفر آدم مقتدری. یك نفر سرمایه دار مهمی دریك روز دو میلیون قند وارد ایران بکند؟

ممکن هست یا نیست؟ آن وقت مؤسسه هم که لازم ندارد و بعلاوه ممکنست قند را وارد کند وبرای رقابت و لجاجت با مؤسسه دولت اعلان کند که من قند را یك من چهار قران میدهم.

در این صورت این مؤسسه رو به فلاکت وورشکستگی میرود یا نه؟

بنده هم گمان می کنم با همین مختصر جواب آقای دولت آبادی را داده باشم و آقایانی هم که باید ملتفت بشوند البته مطلب را درك خواهند فرمود.

رئیس - آقای مصدق السلطنه

(اجازه)

مصدق السلطنه - بنده میخواستم عرض کنم که انحصار دو قسمت: یك انحصاریست که روی محصولات مملکتی است.

یك انحصاری هم هست که روی محصولات خارجیست.

انحصاری که در روی محصولات مملکتی است اگر دولت تجارت خوبی نکند ضررش متوجه مملکت نمی‌شود وضررش هر چه باشد متوجه افراد میشود.

فرض کنید توتون را دولت انحصار میکند.

اگر در خرید و فروش توتون و ساختن آن و همین طور سایر چیزهائی که مربوط بزراعت است دولت خوب تجارت نکند و صرفه نکند ضررش متوجه کجا می‌شود

متوجه مملکت نمی‌شود بلکه متوجه افراد می‌شود.

برای اینکه ممکنست یك اشخاصی توتون گران بخرند وپولش توی جیب دولت برود

درین صورت بازپولش درمملکتست ولی اگر انحصار روی محصولات خارجه باشد. یعنی محصولاتی که درخارجه بعمل می‌آید.

این جا اگر دولت خوب تجارت نکرد ضررش متوجه مملکت یعنی سالی سی میلیون قند که وارد این مملکت می کنیم اگر دولت خوب تجارت کرد که هیچ ضرری به مملکت وارد نمی‌شود. ولی اگر بد تجارت کرد وسی میلیون را شصت میلیون خرید.

آن وقت سالی سی میلیون ضرر مملکت می‌شود.

یعنی سی میلیون زیادی وارد مملکت می‌شود وسالی سی میلیون پول مملکت به خارجه میرود

پس بنابراین باید این اصل را درنظر گرفت که درصورتی که دولت خودش اداره کننده انحصار باشد

اگر خوب اداره کرد ضرری متوجه مملکت نمی‌شود.

ولی اگر بد اداره کرد مثل محصولات داخلی نیست وضرر آن متوجه مملکتست این یك اصلی است که باید درنظر گرفت وبعد ازین اصل تصور میکنم مقصود ازین انحصار اینست که یك من دوقران بدولت بدهند ویك تجاری هم درمملکت از کسب وتجارت خودشان باز بمانند بجهت اینکه اگر تجار از کسب باز بمانند آن وقت مثل اشخاصی می‌مانند که درادارات دولتی کار پیدا نمی کنند

باید برای امرار معاش یومیه‌شان معطل بمانند.

الان درمملکت تجار قند فروش هست که ازین راه ارتزاق وامرار معاش می‌نمایند وواقعاً اگر دولت بخواهد این انحصار را بطوری که درماده اول نوشته شده است بموقع اجرا بگذارد

آن وقت این تجار ورشکست می‌شوند ودیگر بهیچ وجه راه معاشی ندارد درین صورت چیزی که ما باید در نظر بگیریم

اینست که دولت مطابق ماده اول انحصار را داشته باشد.

این یکی بعد اجازه راهم بدهد این دوتا بعد هم یك من دوقران پس بگیرد این سه تا وبعدهم تجار کارخودشان رامیکنند واهالی مملکت هم قندرا به قیمت خودش میخورند واگر بناشود قند درخارجه یك من چهار تومان خریده شود.

این جا مردم یك من شش تومان می خرند.

ولی وقتی که درخارجه یك من سه سه تومان خریده شود.

این جا مردم یك من پنج تومان می خرند وبهمان نسبتی که در خارجه گران یا ارزان باشد درداخله هم فرق می کند وسالی مبلغی ازمالیه مملکت بخارجه میرود وبنده تصور می‌کنم این ماده هیچ معنی ندارد

اولا دولت از کجا می فهمد که در داخله مملکت قند زیاد است یا کم است

ثانیاً ناجری می‌آید اجازه از وزیر مالیه یعنی ازمؤسسه انحصاری میخواهد می گوید من اجازه ورود قند میخواهم

باو اجازه می‌دهند که برویك میلیون قند وارد کن

آنوقت فردا اگر بنده که تاجر قند هستم خواستم قند وارد کنم اداره گفت آقا بقدر کافی قند آمده وفلان آدم اجازه گرفته که قند وارد مملکت کند وواردهم کرده یادرحال وارد کردن است تکلیف من چه خواهد بود؟

بنا بر این این ترتیب اجازه دادن نتیجه‌اش این می‌شود که انحصاری را که دولت برای خودش می‌خواسته است دردست آن یك نفر تاجری می‌افتد که اول می رود اجازه قند را می گیرد والبته اداره هم با آن تاجری که طرف خصوصیت وملاحظه است اجازه می‌دهد

بعد تجار دیگر که می روند اجازه بگیرند می گویند ما یك میلیون اجازه داده‌ایم وآن تاجر هم وارد کرده یا میکند ودیگر لازم نداریم

وچون درمملکت بقدر احتیاجات قند هست دیگر بشما اجازه داده نمیشود (این جواب را بآن شخص می گویند) آنوقت نتیجه‌اش چه میشود؟

این می‌شود که انحصار دردست یك عده تاجر می‌افتد وسایرین محروم میمانند آنوقت آنها چه خواهند کرد؟

قند را یکمن دوتومان وارد میکنند ویکمن چهار تومان می‌فروشند وبیك عده تاجری که ازاین راه امرار معاش می‌نمایند ضرر میخورد و آن مقصودی را هم که دولت درنظر دارد تأمین نمیشود

ولی هرقدر زیادتر قند وارد مملکت شود دولت یك من دو قرانش بیشتر می‌شود

پس باید دولت اجازه بدهد که هر کس هرقدر قند میخواهد وارد کند آزاد است والبته در نتیجه این اجازه که دولت می‌دهد هرقدر قند بیشتر وارد شود ورقابت تجارتی دربین باشد در نتیجه هم آن چیزی که منظور نظر دولت است بعمل میآید و هم مصرف کنندگان قند ارزان می‌خورند

بنابراین عقیده بنده اینست که ماده شش می‌بایست اساساً حذف شود وبااگر نظر اینست که دولت یك وقتی خودش انحصار را اداره نماید بباید این ماده اینطور اصلاح شود که اگر دولت خواست انحصار را اداره نماید اگر کسی گفت بیا این قند را بخر بگوید من بقدر کافی قند دارم ونمی‌خرم

و الا اگر بیك عده از مردم اجازه بدهد وبیك عده دیگر بگوید نمی دهم این نمیشود

زیرا نتیجه‌اش افتادن انحصار دردست یك عده ازتجار می‌شود که آنها هم قند را گران می‌فروشند وآنوقت بالاخره هم یك عده ازتجار قند فروش بی پا می‌شوند و هم آنهائی که قند مصرف می نمایند قند گران میخورند

این بود عقیده بنده که عرض کردم ومعتقدم که باید اینماده اصلاح شود

وزیر فوائد عامه - یك اصلی در دنیا اتخاذ شده است که متأسفانه دولت ما برخلاف آن اصل رفتار می کند و آن این است که قوانین را نباید پایه‌اش را روی سوء ظن گذارد بلکه باید روی حسن ظن باشد

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست برعکس است

وزیر فوائد عامه - دراینجا این طور نیست ولی متأسفانه دردنیا این طور است

درهرحال آقایان دومطلب رامیخواهند همیشه ملحوظ بفرمایند وباین جهت است که نتایج مختلفه حاصل میشود که بایکدیگر متضاد هستند

قصد دولت ازتقدیم این لایحه چیست؟

اینست که برای رسیدن بمقصودش که ایجاد راه آهن باشد عایداتی پیدا کند

البته مقتضی است تصور بکنیم که خود دولت ذی علاقه است که هرچه عایدات بیشتر باشد بهتر است والبته این قسمت محل کلام و تردید نیست

خود آقای مصدق السلطنه بهتر ازاغلب آقایان مطلع هستند زیرا عضو کمسیون اقتصادیاتی که ازطرف مجلس انتخاب شده بود هستند

دراینجا تمام مساعی صرف این شد که اکتفا شود فقط بدادن جواز ورسیدن یك حقی بدولت

خود ایشان کاملا درجریان امر بوده ومسبوق هستند وهنوزهم امیدواری میرود که دوضمن عمل بهمین ترتیب رفتار شود یعنی بدون تأسیس یك مؤسسات انحصاری و بدون بر قراری مؤسسات انحصاری از کلیه قند وشکر وچای که وارد ایران می شود دوقران وشش قران گرفته شود وبعد بصاحبش داده شود

واگر باین ترتیب عمل شود آنوقت قهراً ماده شش که دراینجا ذکر شده است بی معنی ولغو است

زیرا وقتی که درضمن ورود ازمقدار قند وشکر و چای که وارد می‌شود فقط مکلف باشند حقی بگیرند وآزاد کنند که وارد مملکت شود

در اینصورت البته دیگر شما مقید نخواهید بود که بیش ازاحتیاجات مملکتی قند وارد نمایند و البته مشخص احتیاجات مملکتی که خرنده وفروشنده است ومشخص رواج بازار این متاع خواهد بود هرقدر لازم بدانند وارد می کنند وآزاد خواهد بود

اما اگر مطابق این ترتیبی که دراین لایحه پیش بینی شده است دولت مجبور شود انحصار را بموقع اجرا بگذارد آنوقت چه باید کرد

باین معنی که بهر علتی از عللی که تصور بفرمائید دولت مجبور بشود کلیه معامله قند وچای وشکر را منحصر بخود نماید

البته فرض محال که محال نیست

وقتی که اینکار منحصر باین مؤسسه شد آنوقت این مؤسسه مکلف است هرمقدار قند وارد سرحد می کنند بخرد. والبته این الزام واین تکلیف هم برای دولت وآن کسی که این مؤسسه را اداره میکند هست

مگر اینکه مقنن بموجب یك ماده قانونی اجازه داده باشد که بیش ازاحتیاجات مملکت حق دارد نخرد

اگر آقایان ماده اول را به دقت ملاحظه بفرمایند خواهند دید که این الزام یعنی خرید وفروش وصدور کلیه قند وچای وشکر ومواد قندی که وارد خاك ایران می شود منحصر بدولت است. بنابراین اگر انحصار جاری شد آن وقت این اجازه که بدولت داده می‌شود نخرد بایدبر طبق یك ماده قانون باشد وآن هم این قسمت از ماده است که دولت می‌تواند بگوید نظر به اینکه به موجب این ماده به من اجازه داده شده که بیش ازاحتیاجات مملکت ومقدار لازم نخرم به این جهت خریداری نمی کنم.

حالا شاید بعضی از آقایان بگویند دولت نخرد دیگر اجازه ورود چرا ندهد؟

عرض می کنم وقتی که انحصار شد وقتی که تجارت قند وشکر وچای دردست دولت شد دولت نمی‌تواند برای خودش رقیب ایجاد کند.

زیرا درهمان حالی که تجارت قند و چای را دولت در دست خودش می گیرد ممکن است همان تاجر بدی را که آقای مصدق السلطنه فرمودند بیاید یك مقدار زیادی قند واردنماید وبه یك قیمت نازلی بفروشد وتمام قند وشکری که در دست دولت است بدون خریدار بماند.

لهذا به این دو علت اگر انحصار برقرار شد یعنی اکتفا بدادن اجازه تنها نشد و انحصار عملی اجرا شد دولت مکلف است برطبق قانون مجاز باشد هم نخرد و هم اجازه ورود مازاد احتیاجات مملکت را ندهد که در نتیجه برای خودش رقیب ایجاد کند.

(بعضی از نمایندگان اظهار نمودند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رای می گیریم به کفایت مذاکرات. آقایان موافقین قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای حائری زاده.

(اجازه)

حائری زاده - بنده تصور می‌کنم با توضیحات کافی که آقای مصدق السلطنه در این موضوع دادند دیگر اظهاراتی که من بنمایم خارج از لزوم است برای اینکه ایشان وزیر مالیه بوده‌اند ودرموقع عمل به معایب بهتر برخورده‌اند واگر این ماده نباشد آن وقت این نظری را که آقای وزیر فوائد عامه خیلی باحرارت می‌خواهند به مجلس بقبولانند تأمین می کند از شر این احتمالاتی هم که آقای مصدق السلطنه مذاکره فرمودند وآقای دولت آبادی مفصل بیان داشتند مردم راحت می‌شوند واسباب نگرانی هم نخواهد شد. این است که بنده معتقدم این ماده باید حذف شود.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده مخالفم

رئیس - آقای داور

داور - بنده مخالفم

رئیس - آقا شیروانی

شیروانی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای بیات

(اجازه)

بیات - مخالفم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - مخالفم

رئیس - آقای افشار

آقای میرزا رضاخان افشار - بنده موافقم

www.iran-archive.com

رئیس- بفرمائید

افشار - عرض میکنم همانطور که آقای وزیر فواید عامه فرمودنداین انحصار باید لوازم وموجباتش فراهم بشود زیرا اگر فراهم نباشد انحصار معنی نخواهد داشت وآقایان تصدیق می‌فرمایند که در این مملکت سرمایه باندازه کم است که یك نفرقندفروش میتواندبایك سرمایه‌مختصری تجارت نماید ومنافعی هم‌ببرد

اگر بناشد دولت اجازه بدهد بیك مؤسسات داخلی یاخارجی که هر مقدار که می‌خواهند وارد مملکت بکنند یك‌قسمت عمده سرمایه تجاراین مملکت در حالت توقیف خواهدماند.

ثانیاً مؤسسات داخلی یاخارجی‌ممکن است بواسطه آوردن مقدار زیاد قند در مملکت باتجار داخله رقابت کنندوفروش قندرا اختصاص بخودشان بدهند در این صورت سایر تجارمجبور هستندجنسشان‌را بیك‌قیمت کمتری‌بفروشندوالبته‌ضرر‌مملکت وتجار خواهد بود.

این است که اگر موجبات انحصار فراهم شودبهتر استو خوب‌است آقایان موافقت بفرمایند که بماده رأی گرفته شود.

رئیس-آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو- بنده دلیلی غیراز دلائل خودآقا برای بدی این ماده نمی‌بینم با همان دلیل رقابت که فرمودند ممکن است یك احتمالاتی پیش‌بیاید و باآن توضیحاتی که آقای مصدق‌السلطنه دادند بنده زیاد نمیخواهم داخل‌توضیحات بشوم ومطالب راواضح‌تر بگویم:

همین‌قدر بنده‌این‌ماده راکاملامخالف می‌دانم بامقاصد تجاراین مملکت‌وعقیده‌ام این است که حذف‌شود

وزیرمالیه - استدعا می کنم آقایان خوب توجه بفرمایند بعرض بنده البته دولت تجارتی را که منحصر بخودش‌میکند برای این‌است که یك‌عایداتی برای‌خودش فراهم نماید والا بنده‌تصدیق دارم و از هیچ کس هم کمتر تصدیق‌ندارم که دولت حتی‌الامکان تجارت‌نباید‌بکندو بایدتجارت راآزاد بگذارد.

ازبرای مردم و کسانی که‌کارشان تجارت کردن است وبااین اصل مسلم(در نزد بعضی‌ها شایدمسلم نباشد ولی‌در پیش بنده مسلم است) که کار دولت تجارت نیست.

ولی گاهی اوقات دولتها مجبور می‌شوند بااین اصل که خودشان هم مسلم دارند مخالفت نمایند چنانکه نظائرش‌همه جادیده شدو حالا هم میخواهیم یا غلط یا صحیح.

(ولی بعقیده خودمان‌تشخیص‌داده‌ایم که‌صحیحست) مخالفت کنیم واین جاجائی است که مصلحت اقتضا دارد که باآن‌اصل مخالفت کرده ویك تجارتی را مخصوص دولت کنیم که آن‌تجارت قند و چای است حالاچرا این‌کاررا میکنیم؟

برای اینکه همان طوری که عرض کردم میخواهیم عایدات برای دولت خودمان درست کنیم. ودر عین اینکه این اصل‌را مسلم داریم و حتی‌الامکان ترجیح می‌دهیم که دولت تجارت نکندوبایدتجارت بدست تجار باشد میخواهیم یك‌طریقی را هم ایجاد کنیم که اگر مقصود ماحاصل شود یعنی آن‌عایداتی راکه ما میخواهیم تحصیل بکنیم بدون اینکه انحصاررا‌عملی کنیم.

یعنی منظوری راکه آقایان دارند رعایت شود پس‌اولا می‌آئیم قاعده‌انحصار رافبول می کنیم ومجلس شورای ملی‌رای میدهد واز آرائی که‌تابحال‌داده‌است‌معلوم شده که موافقت میکند بادولت و تصدیق می‌کند پیشنهادی را که دولت داده است.

بنابراین دراین موقع اجازه میدهد بدولت که تجارت قندو چای را منحصر بخودش بکند.

ولی این‌اجازه رادولت نمی‌خواهد عمل کندودرصورتیکه‌آن‌مقصوداصلی‌حاصل شود وحتی‌الامکان میخواهد باین‌انحصار قندوچای عمل کند.

اما این قانونی راکه‌مجلس شورای ملی وضع می کندو اجازهٔ که‌بدولت‌میدهد باید‌در نظر داشت که ممکن است دولت برخلاف میل‌خودش مجبور شود که باین انحصار عمل کند.

بنده مکرر درمکرر عرض کرده‌ام و بازهم بعد از اظهاراتی که آقای وزیر فوائدعامه کردند عرض میکنم که دولت مایل وشایق نیست باینکه تجارت کندولی پیش‌بینی می کند که شاید مجبور بشود. و اگر مجبورشد که بانحصار عمل کندآن‌وقت آیاباید موفق بانجام‌این امر بشود یانه؟

آیاباید بلوازم اینکار عمل کند یانه؟ فرض بفرمایندآقایان، آن‌روزی راکه بنده احتمال کلی‌هم میدهم که پیش‌نیاید دولت مجبور شد باین انحصار عمل کند.

آن وقت دولت اعلان میدهد که‌هیچ کسی همین‌طوری که این‌قانون‌اجازه‌داده است حق ندارد قنداز خارجه‌بخرد وارد این‌مملکت کند وبه‌لوازم تجارت‌عمل‌بکند مگردولت آن‌قسمتی که هم نوشته شده است.

مگر باجازه مؤسسه آن‌را هم‌درنظر داشته باشند که بآن‌عمل نخواهیم کرد بلکه همان‌کاری‌را که‌تجارقند فروش‌امروز عمل میکنند می‌نمائیم.

یعنی دولت بکارخانهای قندریزی و چای سازی که درخارج هستندبآنها کمانه میدهد، سفارشی میدهد که فلان‌مقدار قند میخواهیم وبرای‌ما‌حمل کنید

وفتی‌که‌دولت مجبورشد‌باینکارعمل کند‌آن وقت دوچیزلازم‌دارد

یکی اینکه‌بایدمسلم‌باشد که‌خریدقند ازبرای‌دولت نامعدودنیست وکسی‌حق ندارد بدولت بگوید که‌من‌هرقد قنددارم ومیخواهم‌بفروشم‌توباید‌بخری

این‌را تصدیق‌دارید یانداریدد؟

اگراین‌اصل‌راتصدیق‌دارید که‌دولت این اختیار را بایدداشته باشد که‌اگر یك روزی فلان سرمایه دار صدهزارخروار قند آورددولت مجبور نباشد بخرد پس‌چه عیبی‌دارد

که‌این رادر قانون تصریح بفرمائید که‌دولت‌مجبورنیست که هرمقدارقند‌آوردند بخرد؟

اما اگر این‌ماد رافبول‌نکردیدممنایش این است که آن‌وقت دولت این‌حربه‌رادر دستش ندارد که‌اگر قند زیادی آوردند بگوید نمی‌خواهم‌ونمی‌خرم.

مقصود ما اینست

اما چیزدومی که لازم است‌این است که‌درجائی که دولت مجبورشدخودش‌تجارت قند وچای‌رابکند اگرشما قبول نفرمائید مثل‌این است‌که مسئله انحصار راقبول نفرموده اید واینهم‌معنی‌ندارد که خوددولت آن حق و داشته باشد که‌قند رابخرد و بفروشد

ولی درعین‌احال‌دیگری هم این‌حق راداشته باشد.

خوب اگر دولت مجبورشد اینکاررا بکند.

کلی می کند ده من‌بیست‌من که‌نمی خرد صدهزار خروار کماند می‌دهدووقتی هم که بولش‌رادادمی‌آورد درداخله

اما اگر اشخاص‌دیگری هم اجازه داشته‌باشند که‌قندوارد کنند

البته ممکن است آنها یك‌وسائلی تهیه که‌قند را ارزان‌تر واردکنند و بفروشند.

در اینصورت یك‌همچودولتی که‌پول داده وقندآورده اینجا انبار کرده ولی بفروش نمی‌رسدچه حالی‌پیدامیکند؟

مقصودما ازاینماده‌تأمین این‌دومنظور است یعنی این احتمالاتی که ممکن‌است پیش بیاید.

اگرپیش بیاید اگر پیش نیامد و ودولت‌مجبورند انحصاربکند

یعنی درروز اولی که‌این‌قانون گذشت تجار قندهایشان‌را آوردند واین حقوق رادادند یعنی‌یك‌من دوقران و شش‌قران رابرداختند واشکال پیدا نکرد البته‌دولت هم باین‌فکرنمی‌افتد که‌به‌انحصارعمل نماید بجهت اینکه زحمت دارد.

دردسرداردوالبته دولت هم دردسر بی‌حاصل برای‌خودش نمی‌خرد و این‌چیز هائی‌راکه‌آقایان میفرمایند و این‌نگرانی هائی‌راهم که‌اظهار می نمایند هیچ‌مورد پیدا نخواهد کردو دولت هم بموجب‌این ماده که در این قانون گذاشته‌شده بمحض اینکه بیك نفر جواز داد باید بهمه‌بدهد واگر هم نداد باید بهیچ کس ندهداین معنای قانون است.

واگراجزاءادارات هم تخلف کردند برای آنهاهم‌که‌دراین قانون مجازاتی معین کرده اند

وبالاخره باید یك‌طوری باشد که که‌دولت درمشکل‌واقع نشود وبه‌مقصود خودش هم بتواندبرسد.

حالا اگر این عبارت رامیفرمایند خوب نیست وکاملا مقصود ما را تأمین‌نمی کند بفرمائید اصلاح کنیم.

امااینکه میفرمائید اصل این‌ماده‌باید حذف‌شود اینطور نیست

بنده‌اگرچه ندیدم آقای وزیرفوائد عامه درپیاناتشان‌حرارتی بخرج‌داده باشند ولی تصورمیکنم تصدیق بفرمایند که‌بنده حرارتی بخرج‌ندادم وبا کمال خون‌سردی عرض کردم که‌مقصود ظاهرا وباطنااین است.

اگر این‌چربه‌بدست دولت‌داده‌نشود آن‌وقت اصلا این لایحه‌هم تصویب شود بیفایده است واجرانخواهد شد ومقصودما هم حاصل‌نمی شود.

ولی اگر این عبارت اصلاح لازم داردبفرمایندالبته‌مت‌هم‌حاضریم

جمعی ازنمایندگان-مذاکرات کافی است.

رئیس-مذاکرات کافی‌است؟

جمعی ازنمایندگان‌بلی

وزیرفوائدعامه اجازه [illegible] آقا؟

عرض کنم نظر به اینکه‌این ماده یکی از مواد خیلی مهم است و ازطرف دیگر مطابق اسامیکه خوانده شد وبعضی ازآقایان فرمودندمخالف‌هستیم.

بعضی‌ازنمایندگان(بطورهمهمه)موافق ندارد)

وزیرفوائدعامه -بسیارخوب لهذابهتر این است که اگرآقایان تصویب‌بفرمایند این ماده ارجاع شود بکمیسیون قوانین- مالیه

ولی مشروط به اینکه امروز عصر کمیسیون تشکیل‌شود وآقایان‌مخالفین‌هم قبول زحمت بفرمایند تشریف بیاورند در آنجا وتوضیحات مفصلتری‌بشنوند

بلکه‌در اصلاح‌این ماده دربشودتمام‌لایحه موضوعش ازبین میرود.

حالا اگر آقایان موافقت‌میفرمایند

که‌ارجاع شود به آنجا و آقایان اعضاء کمیسیون هم عصری کمیسیون‌راتشکیل بدهند ماهاهم می‌آئیم آقایان‌مخالفین‌هم اگر نظری‌دارندمیفرمایند وقضیه را در آنجاحل میکنیم

مخبر-کمیسیون امروزعصرهم‌هست از طرف کمیسیون‌هم تقاضامی کنم مراجعه شودبکمیسیون.

رئیس-۱۹ فقره پیشنهاد رسیده است مراجعه‌می‌شودبکمیسیون‌جلسه را ختم می کنیم‌پیشنهاد آقای‌رهنما

(بشرح‌ذیل‌خوانده شد)

پیشنهاد می کنم نظر باهمیت لایحه انحصاری‌قند و چای‌عصر امروز هم جلسه تشکیل‌شود.

رضوی-بنده‌مخالفم

رئیس -(خطاب بآقای رهنما) بفرمائید.

رهنما-طبق اصول مروقت که پیشنهاد برای تشکیل‌جلسه عصر می شود بایدمخالفت کنم‌ولی یك استثناهائی هم گاهی داشته که آقایان‌رأی می دادندو گمان می کنم یکی از آن‌موارد استثناء هم‌همین‌جا است زیرا‌مسئله این لایحه یك چیز سهل و آسانی نیست که باسامعه و تعلل بگذرانیم‌وازطرف‌دیگرهم‌می‌شنویم که‌واردمیشود.

ماده۷ممکن است ردبشود و این‌یك مسئله مهمی است که ازهر لحاظ در نظر جامعه مورد اهمیت است در این صورت چه‌ضرر دارد که امروز عصر هم جلسه را تشکیل بدهیم و در اطراف این لایحه مذاکره کنیم و تکلیفش معلوم‌شود و اقلا بروزهای عادی وطوایع عادی و غیر عادی اهمیت بدهیم..

ماعادت کرده‌ایم‌صبح بیائیم این جا ظهر برویم.

ولی این دو یك مواقعی است که‌کار های‌مهمی نباشد.

ولی وقتی یك کارهای مهمی هست نباید اینطوربشود.

یك‌ملیون‌قندوارده‌میشود وممکن‌است این تحریکات وانتریکات‌توسعه‌پیدانماید. ماانظر سوئی که نداریم ولی ممکن است یك‌تحریکات‌سوئی‌بشود.

بنابراین امروزعصر راحاضرمی‌شویم آن وقت جلسه صبح‌را ممکن است طفره برویم‌ونیائیم.

رئیس-حده‌برای‌رأی گرفتن کافی نیست.

جلسه آتیه‌روزشنبه‌چهارقبل‌ازظهر

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم‌شد)

رئیس‌مجلس شورای ملی.

حسین‌پیرنیا

منشی‌م‌شهاب

منشی‌دکتر احتشام طباطبائی

جلسه یکصد و هفتاد و چهارم

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه نهم‌خردادماه ۱۳۴۳ مطابق هفتم‌ذی‌قعده ۱۳۴۳

(مجلس سه‌ساعت و نیم قبل‌از ظهر بریاست آقای‌میرزاحسین‌خان پیرنیاتشکیل گردید)

(صورت مجلس پنجشنبه هفتم‌خرداد را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس- آقای‌شیروانی راجع‌بصورت مجلس‌است؟

شیروانی -خیر قبل‌از دستور عرضی‌دارم.

رئیس- آقای‌هرمزی

(اجازه)

هرمزی-جنسرا دیرآمده‌بی‌اجازه نوشته‌اند.

در صورتی که بنده مخصوصا روز پنجشنبه‌بواسطه اینکه کار داشتم‌زودتر از ساعت چهار آمدم غالب آقایان هم مسبوقند.

رئیس- صورت‌مجلس‌دیگرمعارضی ندارد؟

(گفته شدخیر)

رئیس- آقای‌شیروانی.

(اجازه)

شیروانی- البته اینورقه که دست بنده است بدست اغلب از آقایان‌رسیده است.

دولت حالیه و مجلس‌پنجم بیشتر نظرش متوجه اصلاح اقتصادیات مملکت است و یکی از مسائلی که بیشتر در اقتصادیات مملکت مؤثر است تشویق و ایجادمؤسسات وکارخانجات‌است بعلاوه مطابع همیشه‌یك‌رکن‌بزرك‌معارف راتشکیل‌میداده‌اند.

مطابع از تمام مؤسسات معارفی‌این مملکت بمعارف بیشتر خدمت کرده‌اند و مجلس بناید البته متوجه منافع آنها باشد.

در این ورقه ارباب مطابع یك اظهاراتی کرده‌اند که‌بنده عجالتاًنمیدانم مطلب‌چیست؟

ولی بالاخره در انتهای عرضحالشان از مجلس استدعا کرده‌اندیك کمیسیونی انتخاب‌شود وبمطالب آن‌هارسیدگی کنند بنده‌هم تأئید می کنم استدعای مدیران مطابع‌را که لازم است ازطرف‌مجلس‌یك کمیسیونی برای‌این امر انتخاب‌وبعرایض حقه‌آن‌هارسیدگی‌شود.

رئیس-باین آقایان عرضحالی داده بودند مراجعه‌شد به کمیسیون‌عرایض کمیسیونی کمی‌خواهند کمیسیون عرایض است رسیدگی‌میکنند آقایان‌مباشرین هم آنجا حاضر خواهند بود بحرف طرفین رسیدگی میکنندوبعدنتیجه که گرفته‌میشود بعرض‌مجلس‌خواهندرسانید.

لایحه قند و شکرمطرح است.

مواد دو و چهار و شش مراجعه شده بودبه کمیسیون‌رایرتش دیروزصبح‌توزیع شده.

ماده‌دوم‌قرائت‌میشود.

مخبر- درماده‌دوم‌باز کلمه (-وای) (برای) چاپ‌شده است تصحیح‌بفرمائید.

(ماده دوم رایرت کمیسیون‌بشرح‌ذیل قرائت‌شد)

ماده۲- پس‌ازتصویب این‌قانون‌وارد نمودن‌ا خریدن- نگاهداشتن انبار کردن و صادر نمودن‌قندوچای‌وشکروآنچه‌ازقند و شکر ساخته میشود در تمام‌مملکت‌ایران بغیراز مؤسسه، (انحصاردولتی قندوچای) ممنوع‌میباشد

مگرپس‌از تحصیل اجازه ازوزارت مالیه وصدور این اجازه بدون هیچ نوع تبعیض بعمل‌خواهد آمد و تحصیل جواز سوای تأدیه اضافه قیمت‌مذکوره در ماده ۳ مستلزم‌هیچگونه‌مخارجی نیست.

رئیس-آقای‌شیروانی

اجازه

شیروانی- بنده باین ماده عرضی ندارم.

رئیس- مخالفی‌نیست؟

گفته‌شدخیر

رئیس- رای‌میگیریم. آقایانیکه به ماده دوم رأی‌می‌دهندقیام‌بفرمایند

اغلب نمایندگان قیام‌نمودند

رئیس- تصویب‌شد. ماده‌چهارم.

ماده چهارم بترتیب ذیل خوانده شد

ماده چهارم - هرمقدار قند وچای و شکر وآنچه از قند و چای‌وشکر ساخته می‌شود که برخلاف مقررات ماده ۲وارد خریداری - نگاهداری- انبار و یا صادر گردد باستثنای محصول چای که درداخله مملکت‌بعمل‌میآید از طرف دولت ضبط خواهدشد

بعلاوه از مرتکب و کسانیکه بااو تخلف ازقانون نمایند میلغی که مساوی با قیمت جنس قاچاق شده باشد گرفته‌خواهد شد اگرمرتکب وشریك ارتکاب یکی‌از مستخدمین دولتی باشد علاوه برمجازات های فوق‌مادام‌العمراز خدمت دولت‌اخراج شده وهیچ‌حقی نسبت‌بحقوق‌انتظارخدمت و یاحقوق تقاعد نخواهد داشت وهرگاه ثابت‌شود مأمورین مسئول در دادن اجازه تبعیض کرده ورعایت تاریخ را درتقاضای اشخاص نمایندبانفصال‌دائم ازخدمات‌دولتی محکوم خواهندشد

رئیس-آقای‌شیروانی

اجازه

شیروانی-عرضی‌ندارم.

رئیس-آقای آقاسیدیعقوب.

اجازه

آقاسیدیعقوب - اگرچه آقای مخبر می‌فرمایند ضرر ندارد ولی این عبارت اگرمرتکب وشریك در ارتکاب مقصود این نیست که مرتکب‌و ریك‌در درارتکاب هردو باهم مصداق پیدا کنند بلکه مقصود مرتکب یاشریك درارتکاب است و بایدلفظ یا اضافه شود

مخبر - قاول می کنم کلمه‌یااضافه شود

رئیس - رای گرفته شود بماده چهارم باضافه‌یابدازمرتکب

آقایان‌موافقین قیام‌فرمایند

(اکثرقیام‌نمودند)

رئیس - تصویب‌شد

ماده‌ششم

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده۶ - دولت مجاز است که قند وشکررچای راکه بیش از احتیاجات‌مملکت برای ورود بایران حمل می‌شودخریداری ننموده‌واجازه ورودنده‌هد

تبصره - مادام که‌مطابق‌ماده ۱۳ این‌قانون وسائل اجراء عملی‌انحصارفراهم نشده‌ودولت بدادن جواز اکتفاء می‌نماید این ماده بموقع اجراء گذارده نخواهد شد

ودراینصورت هرگاه وزارت‌مالیه‌در ظرف پنج‌روز از تاریخ تقاضا ازصدور جواز خودداری‌نمود تقاضا کننده‌میتواند مبلغی که مطابق ماده۱۲ باید بدولت‌باید میشود بمامورین‌سرحدی‌موسسه تأدیه‌نموده و مامورین مزبورمکلف‌می‌باشند که وجه مزبوررا قبول کرده و ارورود مال‌التجاره که موضوع مؤسسه انحصار است‌ممانعت ننمایند

رئیس - مخالفی ندارید

(گفتندخیر)

رئیس- رای‌می گیریم

آقایانی که باماده ششم موافقند قیام فرمایند

(غالب‌نمایندگان‌قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده‌هفتم

(بشرح‌آتی قرائت‌شد)

ماده۷ کلیه مقادیرقندوشکر که در تاریخ تصویب این قانون در داخله ایران موجود است مشمول این قانون وحقوق خواهند بود

ولیکن کسانیکه مقدارقندآنها کمتر ازدویست وپنجاه‌من‌ومقدارچای آنها کمتر از بیست وپنج من باشد از تادیه حقوق انحصاری‌که بر آنها تعلق‌می گیردمعاف هستند

رئیس - آقای‌شیروانی

(اجازه)

شیروانی - بنده خیلی متاسف

www.iran-archive.com

هستم که درمذاکره این‌لایحه موافقین ومخالفین‌مجبورند راجع‌بموفقت باراه‌آهن اظهاراتی کنند

واین‌فرمالیته این چند روزه معمول شده

بنده تصور نمیکنم درسرتاسراین مملکت یك‌نفر باراه آهن مخالف‌باشد و دراین مجلس‌هم گمان میکنم مخالف‌این قانون‌وجودندارد

فقط گفتگو در سر یك‌مسائل‌نظری است.

یك کسی عقیده‌اش‌این است که این ماده اینطورنوشته شود

یك کسی دیگرعقیده‌اش‌طوری‌دیگر است پس‌تصورنمیکنم مخالفی در این موضوع وجودداشته باشد.

بریروز آقای‌وزیرقوائدعامه‌فرمودند که‌قانون‌راباید همیشه باحسن ظن نوشت درصورتیکه این یك فلسفه معکوسی است

وبعقیده بنده قانون‌همیشه باید برای سوءظن‌نوشته‌شود

باید همیشه درمقابل قانون سوءظن را تصورنموده و برای جلوگیری ازیك مسائل بدی قانون‌نوشت

یکی ازمسائل دیگرهم که باید در قانون‌همیشه درنظر گرفته‌شود مسئله عملی بودن قانون است

دولت بایدفبلا فکر کند قانون‌را که گذراند و یك الفاظی را که باهم تلفیق کرد وازتصویب‌مجلس‌رساند و خواست به موقع عمل بگذارد دچار مشکلات نشود.

این‌یکی از مسائلی است که همیشه بایددرقانون درنظر گرفت

دراین‌ماده‌بنده تصورمیکنم یکقدری هم کمیسیون شایددولت وهم مجلس‌دچار مشکلات شده‌اند.

این ماده آنطور که اول نوشته شده‌بود خیلی بهتربود ولی بااین ترتیبی که حالانوشته‌شده

بنده هرچه فکرمیکنم میبینم‌درموقع عمل دچاریك مشکلات خیلی بزرگی‌خواهند شد

برای اینکه درظرف این‌دوسه‌روزه آنقدرهائی که‌دردسترس بوده تقسیم شده وازدویست‌وپنجاه من‌هم کمترشده‌و شاید صدوبیست‌وپنج من شده

وآنهائیکه عمده‌بوده هنوز بیك‌بازار هائیکه بتوانندتقسیم کنند نرسیده آنها بعقیده‌بنده آماده است که تحمیل این‌مالیات برآنها بشود

بنده فکر کردم اگر تاریخ را در اینجا تاریخی که‌ما قانون‌را درمجلس‌شروع بگذراندن کرده‌ایم قراردهیم بهتراست یعنی آنروزی که کلیات این‌لایحه تمام شده

زیرا این قانون در آنروزیکه به اکثریت درکلیات‌رأی‌داده شد وواردد‌ر موادشدیم

درحقیقت تصویب‌شده‌است ازآنروز ممکن است برای این قانون ضرب‌الاجل قرارداد که در آن روز به موقع اجراء گذاشته شود

بنده تقسیم کردن قند را بقسمتهای دویست‌وپنجاه‌منی هم‌دولت وهم مردم وهم تجار را درزحمت‌می‌دانم

وبالاخره‌آن‌نتیجه اساسی که‌میخواهیم گرفته نمی‌شود

زیرا مفتش‌بایدبرود توی خانه‌ها و دکانها وبازارها ودولت‌هم‌نتیجه نمی گیرد وجززحمت چیزی بالاخره دردست‌دولت نخواهدآمد

این است که‌بنده یك‌پیشنهادی تهیه کرده ام وعقیده‌ام اینست که مابایدازآن روزی که بااین‌قانون‌رأی دادیم آنرابموقع اجرابگذاریم

رئیس - آقای‌ضیاء

(اجازه)

ضیاء - این قسمت که روبه‌مرفته جلب توجه بعضی ازآقایان نماینده‌گان را کرده‌است دراثر اظهاراتی است که‌غالب از تجار راجع باین‌موضوع‌میکنند

اساساً بایددرنظر گرفت دولت این راه‌را برای ایجاد راه‌آهن‌دد نظر گرفته مجلس شورای ملی‌هم کاملا مراقبت دارد که از این‌راه که بهترین طرق وبهترین وسیله برای تاسیس‌راه آهن است شروع با قدام بکند و راه آهن تاسیس وایجاد بشود

درلایحه دولت که تقدیم‌مجلس‌شورای ملی‌شده بود کاملا رعایت حال تجاروسقط فروش‌ها ومردمانی که ازاینراه‌امرارمعاش میکنندشده‌بود.

بعدمعلوم شد اشخاص از خارج و داخل برای‌جلب منافع‌بااز‌نقطه‌نظرنطبیق قندزیادی وارد ایران کرده‌اند.

اگر بنابود کمیسیون اینقسمت‌رادر نظر نگیرد واین‌قسمت‌را مورد توجه خود قرارندهدوتمام قندهای موجوده از مالیات معاف‌شود.

پس‌باید گفت دوسه سال یاپیشتر یاکمتر مجلس‌تصویب کرده است‌دولت‌ازاین‌هایدی چشم بپوشد.

این بود که‌مسلماً کمیسیون‌نمیتوانسته است دولت رااز این عایدی در مدت یك سال یادو سال‌یا بیشتریا کمتر باز ندارد بنظربنده بهترین راه حلی که کمیسیون پیش گرفته تنظیم همین ماده بوده است.

البته باید درنظر گرفت که از نقطه نظراینکه کسبهٔ بی‌بضاعت و مردمانیکه دارائیشان دویست و پنجاه من‌قند بیشتر نیست آنها از تأدیه این مالیات معاف باشند.

ولی‌آن قندهای هنگفتی که از نظر های مختلفه وارد این‌مملکت شده روی همرفته معادل میدارد که تایك سال یادوسال یابیشتر یاکمتر این‌مؤسسه ازاین عایدات محروم خواهدبود.

مجلس شورای ملی‌بیاید از این عایدات صرفنظر بکند. اگراین عایدات بکیسه ملت ودرجیب مردم ایران میرفت بسیار خوب‌بود.

ماحاضر بودیم تمام قندهای موجوده رابگوئیم معاف باشد تاروز تصویب این قانون ولی‌در صورتیکه ما مطمئن نیستیم که‌تمام این عایدات بنفع مردم ایران‌تمام می‌شود.

بنظر بنده بهترین راه حل تنظیم همین‌ماده است که کمیسیون درنظر گرفته حالااگر مجلس شورای ملی‌در نظر دارد که بیشتر یا کمتراز دویست و پنجاه من سیصدمن یاپانصد من‌معاف باشد در هر صورت یك‌مقداری بایدمنظورشودازنقطه نظر کمك بحال کسبهٔ‌بی‌بضاعت

مخبر - این‌ماده راتقاضا می‌کنم ارجاع بکمیسیون‌بفرمائید تا در کمیسیون در موقع تنفس تجدید نظر بشود بعد بمجلس بیاید

رئیس - باید پیشنهادهاقرائت بشود بعدارجاع بشود بکمیسیون

مخبر- پیشنهادهارنهم‌ارجاع‌بکمیسیون بفرمائید

رئیس - کمیسیون که‌حق‌ندارد مواد راخودش پس‌بگیرد

مخبر- موادرا خیرماده‌راعرض کردم ارجاع بکمیسیون بشود

رئیس - تاپیشنهادی نباشد که نمی‌شود ارجاع بکمیسیون را تقاضا کرد.

(بعضی گفتند مذاکرات کافی‌است)

رئیس- کافی‌است

(گفتند بلی)

رئیس- پیشنهاد هافرائت‌میشود

(بترتیب ذیل خواندەشد)

پیشنهاد آقای‌بیات- بنده‌ماده‌هفت را بشرح ذیل اصلاح وپیشنهاد مینمایم.

ماده هفت - کلیه قندوشکر و چای که‌از تاریخ تقدیم این لایحه بمجلس شورای ملی‌وارد سرحد ایران شده است مشمول‌این قانون و حقوق انحصاری آن خواهد بود

پیشنهاد جمعی‌ازنمایندگان- اینجانبان پیش‌نهاد میکنم ماده هفت بطریق ذیل اصلاح شود.

ماده هفت- کلیه مقادیر قند و شکرو چای که ازتاریخ تصویب کلیات این لایحه درمجلس شورای‌ملی(سی‌ویکم‌اردی‌بهشت) وارد مملکت شده مشمول این قانون و اضافه‌قیمت آن‌خواهدبود.

هرمزی- غلامحسین‌میرزا- سلطان- ابراهیم- افخمی- محمدمعظم- مفتی.

پیشنهاد آقای بهبهانی- بنده‌پیشنهاد می‌کنم ماده هفت بطریق ذیل اصلاح شود.

کلیه مقادیر قندو شکری وچای که ازتاریخ تصویب این قانون درداخله‌ایران موجود است مشمول این‌قانون نخواهدبود مشروط براینکه دارندگان قند و شکر و چای ازتاریخ تصویب‌این قانون درظرف پانزده روز درمرکز وپس‌از اعلان‌پانزده روز درولایات صورت موجودی جنس‌خود را بدوایر مالیه باشرط تفتیش موجودی تقدیم‌نمایند

علاوه ملتزم‌شود زائد برقیمت‌معمولی امروز نفروشد ولی کلیه قند وچای دیگر که‌از تاریخ اول‌خرداد ازسرحدواردشود مشمول‌این قانون خواهدبود

پیشنهاد آقای تهرانی - این بنده پیشنهاد مینماید که ماده هفت بطریق ذیل‌اصلاح شود.

ماده هفت - کلیهٔ مقادیرقندو شکرو چای که درتاریخ تصویب این قانون در داخلهٔ ایران موجوداست مشمول‌این‌قانون وحقوق انحصاری آن خواهندبود

ولی‌تا دویست وپنجاه من قندوشکر وبیست و پنج من‌چای از تادیهٔ حقوق انحصاری معفواست وزیاده از این مقدار تا هزارمن درقند وشکرازقرارهرمنی‌یك قران وتا صدمن چای ازقرار هر منی‌سه قران گرفته خواهد شد.

رئیس- مراجعه می شود بکمیسیون مادهٔ هشت.

(بشرح ذیل‌قرائت شد.

مادهٔ ۸- اخذ حقوق انحصاری‌معینه دراین قانون مانع اخذ حقوق و عوارض گمرکی ازقند وشکرو مواد قند و چای نخواهد بود.

رئیس- آقای غلامحسین‌میرزا-

(اجازه)

غلامحسین میرزا - بنده‌واقفم.

رئیس- آقای بیات

(اجازه)

مرتضی‌قلیخان بیات - بنده عقیده ام اینست که این مواد قندی‌چون‌درسایرمواد اصلاح شد دراینجا هم خوبست اصلاح شود یعنی‌نوشته شود:

هرچه از قند وشکر ساخته‌می‌شود.

رئیس- بفرمائید.

حاج میرزا محمد رضا - برای اینکه حقوق گمرکی‌بمواد قندی هم‌تعلق‌میگیرد وآنهم یك نظامنامه درگمرك دارد این اصلاح لزومی‌ندارد.

مخبر- خیر این مربوط‌بتعرفه گمرکی نیست تعرفه گمرکی‌خودش‌یك ترتیبی‌دارد وبآن ترتیب‌عمل‌میکنند مربوط باین‌مسئله نیست.

رئیس- آقای‌بیات

(اجازه)

مرتضی‌قلیخان بیات - آقای مخبر جواب‌آقارا اظهار کردند

رئیس- رأی گرفته میشود‌بماده‌هشتم آقایان موافقین قیام بفرمایند.

(اغلب نماینده‌گان قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد.

مادهٔ نهم.

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

مادهٔ ۹ - کلیهٔ عوائدی که ازانحصار قند وچای وشکر برای‌دولت حاصل‌میشود پس ازوضع مالیاتی که درتبصرهٔ مادهٔ ۳ و ماده ۱۱مذکور است درحساب‌مخصوصی گذارده شد وسرمایهٔ ذخیرهٔ مخصوصی‌را تشکیل خواهد دادوسرمایه مزبورمنحصراً بمصارف ذیل‌خواهد رسید:

۱- بدواً تمام وجوهی که از طرف خزانه داری کل بعنوان سرمایه (انحصار دولتی‌قند وچای)مطابق مقررات مادهٔ ۱۰ داده شد است بخزانه داری کل مسترد خواهد شد

ب - بقیه عوائد حاصله‌منحصراً برای ساختمان راه‌آهن واحتیاجات مربوطه بآن تخصیص داده خواهد شد وصرف آن در غیرمصرف‌ساختمان راه‌آهن ومتعلقات‌آن ونیز استقراض ازداخله یا خارجه باعتبار وجوه مزبور ازبرای غیرمصرف راه‌آهن ممنوع است ومرتکب ازحقوق اجتماعی محروم و در حکم مختلس اموال دولت محسوب خواهد بود.

تبصره - لایحه ساختمان راه آهن باید هرچه زود ترازطرف دولت تهیه‌شده وبرای تصویب بمجلس شورای‌ملی تقدیم گردد.

رئیس - آقای‌شیروانی

(اجازه)

شیروانی - دراین‌ماده‌بنده‌درشور اول هم دوسه نظرداشتم که در ضمن یك پیشنهادی‌عرض کردم

اولا درتمرکزدادن عایدات‌اینقانون بنده معتقدبودم که بالاخره درضمن یك هم چواقداء بزرگی که دولت می کندسبب‌می شود یك سرمایه مهمی که درسال درحدود چهار میلیون یاچهار میلیون ونیم است در یك محلی که اسم‌اوبانك‌ایران‌است گذارده شود

که سرمایه بآنجا وارد و خارج شود ودرهرسال هم چهار میلیون ونیم‌باو اضافه میشود وبالاخره ما ارای یك‌بانکی خواهیم بود وهمه‌آقایان‌اهمیت وجودیك بانك ملی را برای مملکت ازنقطه نظر سیاسی واقتصادی‌میدانند

بنابراین‌بنده‌پیشنهاد کرده بودم که اولا سرمایه دربانك ملی ایران تمرکز پیدا کند که در تحت نظر مستشارهای خارجی هم که جلب کرده‌ایم هم‌بانك‌داشته باشیم وهم‌پول درزیردست خودمان بکار بیفتد ومنافعش راهم‌خوددولت ببرد برای این که مسکن‌است این پول در یك بانك باصد اقغانه داخلی یا خارجی گذاشته شود بایك منافع‌خیلی کمی تا وسائل‌ساختن‌راه آهن فراهم بیاید وآن استفاده اساسی را ازاین‌سرمایه مهمی که درسال‌چهارمیلیون‌و ونیم‌اواضافه‌میشود نکنیم

این‌بود که‌بنده‌پیشنهاد کرده‌بودم‌سرمایه دربانك ایران امر گزیپیدا کند واما قسمت دوم اعتراض بنده همان‌چیزی بود که کمیسیون‌درماده پیش بینی کرده که‌کسی نتواند درغیرازراه‌آهن این پول‌را خرج کند

ولی قسمت الف را بنده انجا زائد میدانم برای‌اینکه تا وقتی‌وسائل‌انحصاررا فراهم نکرده‌ایم

بموجب‌ماده‌سزده این‌قانون‌ماخرجی ندارد.

اگر وسائل‌را دولت فراهم کرد و خواستیم این انحصاررا اجراء کنیم‌در آن روزممکن است دولت لایحه‌برای یك یا دومیلیون اعتبار ساله‌ود مجلس مجلس هم تصویب‌میکندواعتبارداده‌میشودولی‌امروز که‌وسائل‌هنوزفراهم‌نشده‌است تصویب‌این‌یك اعتبار که‌هنوزماه‌جلش‌رانمیدانیم‌وتوجه‌هم هنوز بمجلس نیامده ازومی‌ندارد و بنده‌با این قسمت مخالفم.

مخبر- بنده درشوراول‌همین جاعرض کردم‌آن نظری‌راکه اظهار کردید همه موافقند ومخصوصاً اظهاراتی راکه آقای رئیس‌الوزاءدر کمسیون‌فرمودندەدرمجلس هم عرض‌کردم

ولی‌بهرحال جایش اینجا نیست.

اینجا ما قانون برای‌بانك‌نمی‌نویسیم‌قانون انحصاریست بانك هم البته بجای خودش صحیح است ودولت هم البته در نظر دارد.

اما راجع بقسمت الف‌الان ما همین موقع که این قانون را می‌نویسیم بایستی اعتبار برای تأسیس مؤسسه بدولت‌بدهیم ممکن است این‌مبلغ کم‌باشد چندی‌دیگر یك‌لایحه دیگر بیاورند

البته هرچه را ازصندوق دولت باین مؤسسه داده اند وقتی‌عایدات پیدا کرد باید پس بدهند

اینجا هردو اجازه داده شده است یعنی اجازه داده‌شده هراندازهٔ که‌لازم‌باشد تا یك ملیون بدهند بعد هم که‌عایدات‌پیدا کرد بگیرند درهرصورت گمان میکنم ایرادی نباشد.

رئیس- آقای مصدق‌السلطنه

(اجازه)

مصدق‌السلطنه - درمادهٔ‌نهم بنده‌اصولا موافق هستم ولی یك اصلاحاتی را محتاج می‌دانم

اولا راجع باین مسئله که نوشته‌شده است:

استقراض از داخله و خارجه باعتبار وجوه مزبوره ازبرای غیرمصرف‌راه‌آهن ممنوع است مفهوم مخالفش این است که اگربرای راه‌آهن بخواهند استقراض بکنند مجازند

درصورتیکه باید توضیح شود که برای راه‌آهن وغیرراه‌آهن ممنوع است مگرباجازهٔ مجلس

زیراکلیه استقراضات را باید مجلس تصویب کند واصل مسئله استقراض روی مسئله ملیت است وباید اصلامجلس بیاید بعد مینویسید:

بقیه‌عوائدحاصله‌منحصراًبرای‌ساختمان راه‌آهن واحتیاجات‌مربوطه بآن‌تخصیص داده خواهد شد وصرف‌آن‌درغیرمصرف ساختن راه‌آهن ومتعلقات‌آن ممنوع‌است.

البته اینجا قانون قدغن‌میکند این‌وجوهی راکه برای ساختمان راه‌آهن جمع‌آوری شده بمصارف دیگرمرسانند ولی اینمسئله هم یك چیزی است که ماتیکسیون ندارد یعنی معلوم نیست اگربمصارف دیگری رساندند چه خواهد شد.

مثلا فرض کنید دولت بایك بانکی طرف داد وستد است ازبانك‌یك‌وجوهاتی میگیرد یعنی‌آن‌وجوهات‌را دولت از بابت حساب جاری میگیرد ولی‌آن‌عوائد که‌باین بانك داده می شود خود بانك در اینجا میتواند بطورتهاتر (دروادو کیانساسیون) حساب بکند این‌حق را نمی شود از یك بانکی که با دولت طرف حساب است ساقط کرد

مگراینکه قبلابانك‌متعهدشودوجوهی که ازبابت عایدات انحصاربآن بانك داده میشود حق تهاتر ازاوساقط‌شود. یعنی اگردرحساب جاری دولت بیانك یك وجهی بدهد بعد نتواند عایدات قند رااز بابت حساب جاری‌خود حساب کند. شرعاً وعرفاً وبرحسب قانون تمام دنیا در وادو کیانساسیون یك حق مسلمی است هر دارالتجارهٔ وقتی که ازیك نفرطلبکاریابد کارشد میتواند بده خودش را از بابت طلب خودش حساب کند پس‌بنابراین‌باید این وجهی که دریك بانك معتبری‌برای‌راه‌آهن گذاشته‌میشودطوری معین‌شود که بمصرف دیگری‌نرسد

یعنی قبلابانك متعهدشود که ازبابت وجوهی که از بابت انحصار دولت میدهد ابداً حق تهاتر نداشته‌باشد.

زیرا ما هر چه بخواهیم در اینجا قید کنیم بمصرف دیگرنرسدجلوی بانك رانمی‌توانیم بگیریم که این عایدات رادر حساب‌جاری حساب‌نکنندورواقع مأمورین دولتی هم خلافی‌نکرده اند.

مأمورین دولتی‌ازبانك پول گرفته‌اند بانك‌هم این عایدات‌را ازبابت‌حساب‌جاری پای دولت حساب کرده و باین ترتیب مقصودیکه درنظراست یعنی‌ایجادراه‌آهن بحال‌وقفه مانده است.

اینهم یك قسمت. قسمت دیگراینکه مأمورین دولتی‌نمی‌توانند این وجوهات‌را غیرازمصرف راه آهن بمصرف دیگری برسانند این یك مسئلهٔ‌دیگری‌پیدا میکند و وآن اینست که درحقوق‌اداری‌ازمأمورین دولتی درصورتی که‌احکام‌مافوق‌بآنهابرسد رفع‌مسئولیت می‌شود این اصل مسلمی است که در احکام اداری حکم مافوق مادون‌را از هر گونه مسئولیتی معاف میکند واصول امروزه اروپا اینست فقط مادون میتواند مافوق تذکر بدهد که این حکمی که بمن میکنی‌بر خلاف قانون است واگر باز بااین تذکر مافوق گفت من‌بتوحکم‌میکنم

رفع مسئولیت ازمادون میشود وما فوق مسئولیت پیدا میکند ولی مادر مالیه خودمان که امروزه مافوقش مستشاران آمریکائی هستند هرمجازاتی که بخواهید برای‌آنها قراربدهید.

نظر بآنکه آنها در مملکت ما کاپیتولاسیون دارند مجازات درباره‌آنها عملی‌نیست

اینجا نوشته‌است هرکس این پول‌را بردارد در حکم سارقین اموال دولت است

بسیارخوب رئیس مالیه‌آمریکائی بما دون‌خودش‌حواله میدهد

که این‌پول‌را بمصرف فلان اعتبار مصوب‌برساند

مادون هم یك مرتبه میتواند تذکر بدهد که بموجب قانون خلاف است بعد میگوید بمسئولیت خودم بدهید وباین‌ترتیب رفع مسئولیت از مادون میشود و اینکه دراینجانوشته هر کس این‌پول‌رابردارددر حکم سارقین اموال دولت است در باره اتباع خارجه ابداً عملی نیست برای این که آنها درمملکت‌ماکاپیتولاسیون دارند وقوانین مانسبت‌بآنهاازقبیل احکام‌سارقین عجالتاً عملی‌نیست.

این هم‌یك اشکالی‌است که در اینجا پیدا میشود.

دیگراین که بنده تصور می کنم بار قانون جزائی‌را نباید خیلی‌سنگین کرد ما میخواهیم یك‌قانون جزائی وضع کنیم اگردرروی هر قانون یك مجازاتی معین کنیم.

تصورمیکنم بارهائی راروی قانون جزائی گذاشته‌ایم

بااین معنی که‌اگرورهرقانون‌بنویسیم هرکسی اینکاررا بکندر حکم سارقین اموال دولتی‌است

بنده میترسم اصلا نگذارند قانون جزا وضع‌شود.

خوب‌تا قانون جزائی نیست که هیچ حکمی‌برای‌سارقین‌نیست‌ووقتی‌هم که‌قانون جزا وضع می‌شود آنوقت این گونه مواد اسباب زحمت‌خواهدشد

بنده عقیده‌دارم که درخود این‌قانون یك ماده وضع شودومجازاتی برای‌اشخاصی

www.iran-archive.com

که بر خلاف این قانون وجوه مؤسسه انحصاررا صرف یك اعتبارات دیگری می کنند.

تعین نمایند و همچنین شرط شود که احکام مافوق هم رفع مسؤلیت از مادون نخواهد کرد وهیچ مادونی نمیتواند باستناد حکم مافون خودش را از مسؤلیت مبرا کند.

مسئله دیگراین که بهتراین است که وزارت مالیه هرسه ماه یك مرتبه صورت خلاصه عایدات ومخارج مؤسسه انحصاررا باصورت محاسبه تفصیلی بانك برای اطلاع انتشاربدهد

که چقدردریك بانك معینی ازبابت عایدات انحصارجمع شده وچقدر بمصرف رسیده است

که مردم بدانند وجوهی را که می دهند منحصراً صرف راه آهن میشود بر طبق این عرایض که کردم یك پیشنهادی هم تقدیم کردم حالا دیگر رد وقبول آن موکول بنظر مخبر محترم کمیسیون و آقایان نمایندگان محترم است

رئیس - آقای ضیاء

(اجازه)

ضیاء - همینطور که فرمودند پیش نهادی دراین خصوص تهیه فرموده اند که یا آقای مخبر قبول خواهند کرد یا مجلس بقابل توجه بودنش رأی میدهد در این صورت در کمیسیون نظریات خودشان را خواهند فرمود

(جمعی گفتند: مذاکرات کافی است)

رئیس - کافی است؟

(گفتند بلی)

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای میرزائی - بنده پیشنهاد میکنم ماده نهم درقسمت (ب) طرق شوسه اضافه شود

رئیس - آقای میرزائی

(اجازه)

میرزائی - ممالکی که روبترقی می رود درمرحله اولی احتیاجات اوبخطوط شوسه است اول راه شوسه میکنند پس از اینکه راه شوسه تکمیل شد براه آهن میپردازند.

• مملکت ما هنوز راه شوسه ندارد و البته آقایان تصدیق میکنند خط آهن یك چیز آسانی نیست که درظرف چهارپنجسال با این سرمایه چهار میلیون ونیم تکمیل شود واسباب تسهیل حمل ونقل مال التجاره ومسافرین بشود

لهذا بنده عقیده دارم اول شروع براه شوسه بکنند وپس ازتکمیل راه شوسه براه آهن بپردازند والاراه آهن بیست سال ممکن است باسرمایه چهار میلیون ونیم طول بکشد وباین زودی ما موفق نخواهیم شد.

مخبر - لایحه ساختمان راه شوسه را دوسه جلسه قبل آقای وزیر فوائد عامه تقدیم کردند وبنده خیال میکنم همه ماها چون علاقمند هستیم زودتر راه آهن پیدا کنیم

شاید لازم باشد از عنوان این قسمت هم درقانون صرف نظر کنیم

میرزائی - بنده مسترد میکنم

رئیس - مسترد کردید؟

میرزائی - بلی

پیشنهاد آقای عراقی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده نهم بعد ازذکر (و ماده یازدهم مذکور است نوشته شود درتحت نظر ریاست کل مالیهٔ الی آخر

رئیس - آقای عراقی

(اجازه)

عراقی - تصور میکنم یك توضیح زیادی لازم نداشته باشد برای اینکه مادخل وخرج مملکتمان مطابق این ترتیبی که قرارداده ایم

بایستی درتحت نظر آنها باشد وبنده خیال کردم این قسمت حذف شده پیشنهاد کردم نوشته شود • توضیح زیادی ندارم

مخبر - خودآقا جواب خودتان را فرمودید

کلیه دخل و خرج ما درتحت نظر رئیس کل مالیه هست بموجب یك قانون مخصوص علیحده ودیگر لازم نیست اینجا ذکر کنیم همان قانون کافیست

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که پیشنهاد آقای عراقی راقابل توجه میدانند قیام بفرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد • پیشنهاد آقای طهرانی

(بترتیب ذیل خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینماید که تبصرهٔ به طریق ذیل اصلاح شود

تبصره - لایحه ساختن راه آهن در ظرف شش ماه ازتاریخ تصویب این لایحه برای تصویب مجلس ازطرف دولت داده خواهد شد.

رئیس - آقای طهرانی.

(اجازه)

آقاشیخ محمدعلی طهرانی - اگر یك دولت دیگری غیرازدولت حاضرهٔ بود یك مدتی ممکن بود بطریق اجمال در این تبصر ذکر شود.

هرچه زودتر چهاردهٔ سال دیگر هر چه زودتر بیست سال دیگر.

ولی یك دولت فعالی که درراس آن یك شخص باعزمی نشسته من گمان میکنم تا دوماه این لایحه را خواهد آورد بنابر این بنده عقیده ام این است شش ماه معین بکنیم

که اسباب تشویق عامه مردم شودو مساعدت کنند؟

مخبر - دوساختمان دراینجاتکرار شدهٔ غلطاست وباید (ساختن) نوشته شود واما درجواب آقای طهرانی عرض می کنم:

بهمین دلائلی که فرمودند لازم نیست مدت معین کنیم برای اینکه ممکن است تا یکماه دیگر بیاورند.

ممکن هم هست نتوانند چهارماه دیگر بیاورند.

آقاشیخ محمدعلی طهرانی - بندهٔ پس گرفتم

پیشنهاد آقای تدین - بنده پیشنهادمی کنم که سه سطراول قسمت (ب) بطریق ذیل مقرر شود

ب - بقیه عواید حاصله منحصراً برای ساختمان راه آهن تخصیص داده خواهد شد وصرف آن درغیرمصرف راه آهن ونیز استقراض ازداخله تاآخر

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - البته همهٔ آقایان تصدیق می فرمائید علاقمندی که ابراز میشود فقط برای اینست که عواید حاصله ازقندوشکر و چای صرف ساختمان راه آهن بشود ولاغیر.

بنابراین از هرجمله و هرعبارتی که قدری مبهم است وممکن است در آتیه از آن یك استفادهٔ بشود باید احتراز کرد لایحه که اول تقدیم مجلس شده بود در آنجا این عبارت را داشت که عواید حاصله صرف ساختن راهها خواهد شد اعم ازراه آهن وراههای دیگر

بعد در کمیسیون اصلاح شده وآن قسمت هم حذف شده وحالا این جا یك عبارتی ذکر شده است و آن اینست که میگوید بقیه عواید حاصله منحصراً برای ساختمان راه آهن واحتیاجات مربوطهٔ بآن تخصیص داده خواهد شد و در سطر بعد میگوید صرف آن درغیر ساختمان راه آهن ومتعلقات آن

بنده برحسب اطلاعات ونظریاتی که دارم (که شاید آنهم فقط درمالیه باشد) میدانم ممکن است ازاین (احتیاجات مربوطه بآن) و (متعلقات آن) استفاده شود ویك قسمت از عواید حاصله قند وشکر و چای صرف ساختن راههائی بغیر از راه آهن بشود.

در این قسمت بنده کاملا مخالفم و تصور می کنم نظر هیئت دولت هم همین باشد مخصوصاً حضرت آقای رئیس الوزراء هم عقیده شان همین بوذ که فقط وفقط صرف ساختن راه آهن بشود.

راه آهن البته یك لوازمی دارد و فقط عبارت ازآن دورشته خط آهن وریل نیست • استاسیون است • واگون است • لکوموتیواست • پل باید بسازند تونل باید بزنند وهکذاسایر چیزها

بنابراین چون بنده احساس میکنم اگر این (احتیاجات مربوط ومتعلقاتش) دراینجا باشد یك قسمت از این عوایدصرف ساختن راههائی خواهدشد غیراز راه آهن وبنده بسهم خودم موافق نیستم و تصور میکنم باید این مطلب را توضیح کرد و تصریح نمود که فقط برای ساختن راه آهن باشد ولاغیر بنابر این پیشنهاد کردم آن دوجمله نباشد.

وزیر فوائد عامه - اگر ممکن بود مقصود آقای تدین را بیك طریق دیگری تأمین کنیم شاید خود ما هم موافقت می کردیم.

زیرا قصد دولت هم این نیست که عوایدی که ازاین راه حاصل میشود صرف راه شوسه بشود ولی متأسفانه اینجا باین پیشنهاد نمیشود موافقت کرد.

زیرا این پیشنهاد فوق العاده محدود می کند و دست دولت را در آتیه خواهد بست.

وقتی یك کسی نمیخواهد راه آهن بسازد ویك محلی را برای ساختن راه آهن تخصیص بدهد قهراً تمام احتیاجات مربوطه براه آهن باید درنظر گرفته شود.

یکی ازاحتیاجات مبرم راه آهن قرض بفرمائید آهن آب کردنست • این یکی از احتیاجات راه آهن است هیچ راه آهنی غیرازبا آهن و کوره آهن آب کنی درست نمیشود.

ازچه محل باید اینکار بشود قهراً عایدات انحصار قند وچای باید باشد اگر در قانون پیش بینی نشود که برای راه آهن و احتیاجات مربوطه براه آهن این وجوه تخصیص داده می شود ممکن است همان وزارت مالیه که نسبت بآن اظهار نگرانی می شود (با آنکه خرج این پول مربوط بوزارت مالیه نیست) بگوید که چون این پول برای احتیاجات راه آهن تصویب نشده نمی دهیم و باید حتماً مجبور شویم که آهن از خارج حمل کنیم.

در صورتی که ممکن است مبلغ زیادی از آهن های خودمان استفاده کنیم.

یکی از احتیاجات راه آهن ساختن بندر هائی است که لازم می شود برای ورود ماشینها واین غیراز راه آهن است و اگر کسی نخواهد اشکال صوری بکند میگوید آقا متفقن تجویز نکرده احتیاجات راه آهن را بندر مناسبت ندارد.

یك قسمت از احتیاجات راه آهن شوسه کردن راههائی است که روی آن ها خط آهن گذارده خواهد شد.

خود این هم راه است که ابتدا باید شوسه شود بعد فقط در روی آن خط آهن گذارده شود.

تمام اینها مستقیماً راه آهن نیستند ولی

تمام مربوط براه آهن است حالا اگر خیلی میل دارید مقصود خودتان را تأمین کنید پیشنهاد حذف بکنید بلکه یك تبصره پیشنهاد کنید که صرف راههای شوسه نشود و البته راههای شوسه غیرازراههائی است که زیر راه آهن خواهد رفت و اینها البته لازم است و این را ممکن است قبول کنیم و الاحذف کلمه احتیاجات خوب نیست.

رئیس - رأی گرفته می شود بپیشنهاد آقای تدین آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چندنفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای مصدق السلطنه.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بجای حرف ب پیشنهاد میکنم نوشته شود «بقیه عواید حاصله منحصراً برای ساختمان راه آهن واحتیاجات مربوطهٔ بآن تخصیص داده خواهد شد وصرف آن در غیرمصرف ساختمان راه آهن ومتعلقات آن و همچنین استقراض داخله یا خارجه باعتبار وجوه مزبور ممنوع است.

احکام رؤسای مافوق رفع مسؤلیت ازمادون نمی کند.

عواید حاصله بتصویب هیئت وزراء دریکی ازبانك های معتبر بحساب جاری ودیعه گذاشته میشود مشروط باینکه قبل از ودیعه بانك مزبور متعهد شود ازحق تهاتر صرف نظر نماید

وزارت مالیه مکلف است هرسه ماه یکمرتبه صورت خلاصهٔ عایدات و مخارج مؤسسه انحصاررا باصورت محاسبه تفصیلی بانك درجراید اعلان نماید

مصدق السلطنه - بنده عرایضم را عرض کردم ولی راجع بمستشاران امریکائی که عرض کردم مقصودم این نبود که آنها با ما یك قرار دادی دارند که با آنها یك وضعیاتی غیراز مردم مملکت رفتار شود مقصودم این توضیح بود که سوء تفاهم نشود.

مخبر - این ماده را هم استدعا می کنم به کمیسیون ارجاع بفرمائید تابعداز تنفس مطرح شود

پیشنهاد آقای شوشتری - بنده پیشنهاد میکنم اضافه شود بماده ۹ عبارت (ووضع مبلغ یك کرورتومان برای تشکیل کارخانه قند ریزی در سال اول که دولت لایحهٔ آنرا تقدیم مجلس خواهد نمود

شوشتری - باقطعی که دارم که هیئت محترم دولت وقت هرگونه اصلاحی را در آتیه انجام خواهد داد بعقیدهٔ بنده بی نیاز شدن از قند خارجی وتشکیل یك کارخانه قندریزی که مارا ازهرجهت بی نیاز بکند منافع آن کمتر ازخط آهن تابیست سال دیگر نیست یعنی تاخط آهن ازیك بندری به بندر دیگر کشیده شود که کمتر از بیست سال یا پانزده سال طول نمیکشد میخواهم عرض کنم که اگر بی نیاز بشویم درسال اول ودوم از صدور مسکوك وپول ایران بخارجه برای قند البته این منافع کمتر ازاین نیست وبعقیدهٔ بنده بطوریکه تحقیق کردند تشکیل یك کارخانه قندریزی دریك ایالت مناسب بیش ازیك کرورتومان خرج ندارد

بابرای اینکه دولت تعمیر کارخانه فعلی را بکند پیشنهاد کردم مجاز باشد درسال اول یك کرور ازاین عوایدرابرای تشکیل یك کارخانه قندریزی برای مملکت مصرف کند.

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد آقایانی که پیشنهاد آقای شوشتری راقابل توجه میدانند قیام فرمایند

(هیچکس قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد • پیشنهاد آقای داور

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم ماده بطریق ذیل اصلاح شود.

برای ساختمان راه آهن ومقدمات لازمه آن.ع.

داور - بنده باهمان نظری که آقای تدین پیشنهاد کردند ودیدم غالب آقایان هم این نظر را دارند این پیشنهاد را کردم.

ولی مقصود بنده این است که اگر می گویند کلمه مقدمات اشکال دارد ولی (مقدمات لازمه راه آهن) کش دار نیست و باینطورهم رفع اشکال آقای تدین خواهد شدوهم آنچه که برای ساختن راه آهن لازم است اعم از کارخانه آهن ریزی • نقشه برداری وغیره راشامل می شود والبته اینها یك مخارجی دارد وباید او را از مجلس اجازه گرفت وهیچ جای نگرانی نیست.

وزیر فوائد عامه - اگر یك کسی بخواهد سوءاستفاده کند بهمان ترتیبی که از کلمه (احتیاجات) میتواند سوءاستفاده کند از مقدمات هم میتواند بکند بنابراین صدیق می فرمائید که احتیاجات بهتر است ازمقدمات است

زیرا اگر صورت ظاهر را نگاه کنیم بیاره لوازمات ممکن است احتیاج پیدا کنیم که در ضمن عمل باشد نه در مقدمه.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای داور را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد • پیشنهاد آقای بیات.

بنده تبصره ماده ۹ را بشرح ذیل اصلاح وپیشنهاد مینماید.

تبصره - لایحه استخدام متخصصین فوری ولایحه ساختمان راه آهن هرچه زودتر ازطرف دولت برای تصویب بمجلس شورایملی باید تقدیم گردد.

وزیر فوائد عامه - دو مرتبه بخوانند.

(پیشنهاد مجدداً خوانده شد)

رئیس - آقای بیات.

(اجازه)

بیات - اینجا در قسمت مقدماتی که لازم است البته بدواً لازم می شود یك متخصصینی بیایند واین راههائی که ماداریم معاینه بکنند ورایرت خودشان را بدولت پیشنهاد بکنند تااینکه دولت بتواند لایحه ساختمان راه آهن را بمجلس بیاورد ونیز چون ممکن است یکقدری آوردن لایحه تأخیر شود این بود که پیشنهاد کردم لایحه استخدام متخصصین (که گمان می کنم هیچ اشکالی هم نخواهد داشت) بفوریت بمجلس بیاید و متخصصینی که لازم است دولت کنترات بکند تا مقدمات لایحهٔ ساختمان راه آهن فراهم شود باین معنی که لایحه مستخدمین فوراً بمجلس تقدیم شود و بعداز اینکه آن ها آمدند و نظریاتی که لازم است اتخاذ کردند آن وقت لایحه ساختمان میآید.

مخبر - این پیشنهاد را هم ارجاع بفرمائید بکمیسیون.

(پیشنهاد آقای تدین بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکند که تبصره ذیل بآخر قسمت ب اضافه شود.

تبصره - عوائد مذکوره در قسمت ب بهیچوجه صرف ساختمان راه شوسه نخواهد شد.

تدین - هرقدر آقای وزیر فوائد عامه توضیح بدهند که مقصود ازاین احتیاجات مربوطه چیز دیگریست بنده را متقاعد نمی کند.

بنده بالصراحه عرض می کنم که اگر تجدید نشود یك قسمت ازعوائد قندوشکر و چای صرف ساختن راهها خواهد شد وخط آهن خواهد ماند اینرا بالصراحه عرض می کنم وچون از نظر به رئیس معظم دولت هم مسبوقم که می خواهند فقط صرف ساختن راه آهن بشود

لذا این تبصره را در اینجا پیشنهاد کردم که اضافه شود و آن اینست که این عواید حاصله صرف راه شوسه نباید بشود.

راه شوسه آن راهی نیست که ابتداء مسطح می کنند بعد راه آهن روی آن می گذارند.

راه شوسه یعنی یك راه ساخته شده که اتومبیل ازآنجا عبور کند. گاری ازآن عبور کند مثل راه بین طهران و شمیران یاراه بین طهران وقزوین و کرمانشاه و چاهای دیگر واین راهی که برای راه آهن درست میکنند که دو زرع بیشتر عرض ندارد این راه شوسه نیست این راه را می سازند • سنك وچوب میگذارند بعد رویش خط آهن میکشند.

بنده مقصودم این نیست که یك وجه مقدمات نشود خیر آنچه که لازم باشد برای ایجاد خط آهن بعقیده من از این پول باید صرف شود.

بنده مقصودم این است که یك وجه راه شوسه از این پول نباید ساخته شود و عقیده دارد که اگر این اجازه را بدهیم یك دینار خرج راه آهن نخواهد شد و تمام این پول خواهد رفت بیك جائیکه بدرد امروزه مملکت نخواهد خورد و این برخلاف مقصود ماهمه مردم است.

یك مردمی که حاضر هی شوند ازقندو شکر وچای که تقریباً رزق عمومی است این عوائد را بپردازند فقط برای اینست که خط آهن که بهترین وسیله برای ترقی اقتصادیات وتجارتست ایجاد شود نه راه شوسه.

وزیر فوائد عامه - خود بنده این تبصره را بآقای تدین تذکر دادم که پیشنهاد بکنند وخودم هم عرض کردم که دولت قصد ندارد این عوائد را بمصرف راههای شوسه برساند و چون این تذکر را خود بنده دادم البته پیشنهاد ایشان را می پذیریم.

مخبر - کمیسیون هم قبول میکند.

رئیس - پیشنهاد آقای رهنما.

رهنما - چون آن پیشنهاد قبول شد دیگر بنده عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر حسینخان بهرامی.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که کلمه (دولت مکلف است) به تبصرهٔ ماده ۹ اضافه گردد.

بهرامی - این یك اصلاح عبارتی است و تصور می کنم این کلمه اگر باشد ضرری ندارد.

مخبر - قبول می کنم.

پیشنهاد آقای ضیاء واسمعیل خانلو اصانلو - بنده پیشنهاد می کنم در قسمت ب ابتدای سطردوم عبارت (احتیاجات مربوطه بآن) حذف شود.

زیرا که در سطر سوم همین قسمت (متعلقات راه آهن) قیدشده است.

ضیاء - نظر ما از تقدیم این پیشنهاد همین قسمت هائی بوده است که آقای تدین مذاکره فرمودند و درضمن تبصره تأیید شد • این است که مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ماده ۹ را این نوع پیشنهاد می کنم بعداز کلمه بمصارف ذیل خواهد رسید عواید حاصله از این محل

www.iran-archive.com

مصارف راه آهن تو پرداخت سرمایه مصروفه خواهد رسید بقیه ماده حذف شود.

آقا سیدیعقوب - در ماده ۹ راجع بمصارف اولا نوشته است: بدواً تمام وجوهی که از طرف خزانه‌داری کل بعنوان سرمایه انحصار دولتی قندو چای مطابق ماده داده شده است بخزانه‌داری کل مسترد خواهد شد بعد اگر قضیه حاصل شد مخارج ساختمان راه آهن میشود.

دراین ماده خیلی تبعیض کرده بنده پیشنهاد کردم چون عواید حاصله مصرفش این دوتا است لذا مساویاً صرف شود.

مثلا یك میلیون از این وجه را که بدواً وزارت مالیه بعنوان سرمایه برای خرید قندو شکر داده برمیدارد. درست است ما سوء ظن نداریم ومتشکریم.

ولی بهمان اندازه هم باید برای راه بردارند نه اینکه یك مدتی تعطیل بشویم برای راه و آن را مؤخر بیندازیم و آن اعتبار را ملاحظه نکنیم وبالاخره چون این عواید حاصله فقط این دو مصرف را دارد باید متساویاً خرج شود.

مخبر - آقا آن قسمت اول جزء مصارف نیست. یك پولی است که بطور موقت از طرف خزانه برای تأسیس مؤسسه داده می‌شود بعد که مؤسسه تأسیس شد باید پولی که از خزانه گرفته است پس بدهد بعدهم در سنوات دیگر خرج راه آهن بکند.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(چندنفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده ده.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۰ - برای سرمایه مؤسسه (انحصار دولتی قندوچای) مجلس شورای ملی مبلغ یکمیلیون تومان اعتبار بوزارت مالیه اعطا مینماید.

رئیس - آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم.

رئیس - مخالفی ندارد؟

یاسائی - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید

یاسائی - بنظر بنده قید باینکه برای سرمایه مؤسسه انحصار دولتی قندو وچای یکمیلیون تومان اعتبار داده شود کافی نیست

باید ما دراینجا بنویسیم برای سرمایه موسسه مبلغ لازم اعتبار داده میشود

یعنی هرمبلغی که موسسه محتاج باشد وبخواهد از خزانه بتواند بگیرد.

محدود کردن بمبلغ معین با اینکه ما میخواهیم یکقانون انحصار قندوچای را درمملکت مجزا کنیم خوب نیست

زیرا شاید مثلا یکملیون خرج کردند وقندوشکر خریدند و بازهم محتاج پول برای خرید قندوشکر بودند چه کنند؟ حالا ممکن هم هست که برعکس این باشد و کمتر از آن اعتبار لازم بشود

مثلا صدهزار تومان بیشتر خرج نشود درهرصورت منظر بنده معین کردن یك مبلغ معینی را لازم نیست وباید نوشته شود مبلغ لازم اعتبار داده میشود.

همانطوری که دولت الان با اداره ارزاق معامله می کند وهرچه میخواهد از خزانه می گیرد ودومرتبه ازعواید حاصله‌اش برمیگرداند

دربودجه هم برای اداره ارزاق یك حساب مخصوصی دارد و هیچ اشکالی هم ندارد

همان معامله که راجع باداره ارزاق می‌شود بااین موسسه هم بشود

وهمانطور که آنجا معین نکرده‌اند دولت درسال فلان مبلغ باداره ارزاق بدهد دراینجا هم معدود نباشد

وزیرفوائد عامه - اولا گمان نمیکنم اداره ارزاق یك اعتبار معدودی داشته باشد وهراداره یك اعتبار معدودی دارد

وثانیاً گمان می کنم وجه اعتبار باید مبلغش معین باشد

حالا اینمبلغی که بعنوان اعتبار گرفته می‌شود یا کافی است یا زیاد تر از احتیاجات است که مازادهم اعتباری باقی خواهند ماند یا کمتر از احتیاجات است

وقتی مبلغی که برای یکمصرفی اعتبار گرفته می شود کافی نبود ثانیا اعتبار می گیرند

مقنن همیشه هست. دولت هم همیشه می‌تواند وقتی اعتبار لازم شد برای موسسه تقاضا نماید

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیش نهاد آقای تقی‌زاده (بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل بآخر ماده دهم اضافه شود

درصورتیکه دولت فقط بدادن جواز اکتفا کند فقط ازیك عشر این اعتبار میتواند استفاده نماید

تقی‌زاده - دراین لایحه قانونی بعضی جاها همینطور نوشته شده است

مثل اینکه نظر دولت فعلا بجواز است

دراین ماده که یکملیون اعتبار خواسته می‌شود و درماده بعد صدی هشت اعتبار خواسته شده برای مصارف اداری شاید هر دو اینها برای موقعی بوده است که خود دولت خرید وفروش کند

البته آنوقت یك ملیون اعتبار میخواهد برای سرمایه که خرید وفروش کند

وصدی هشت ازعایداتش هم طرف آنموسسه میشود

ولی درصورتیکه بدادن جواز اکتفا کند صدی هشت عایدات لازم نمی‌شود و صدی دو کافی است

وبقیناً ازصدی دو تجاوز نخواهد کرد واین حداعلی بود که بنده پیشنهاد کردم یعنی در صورتی که دولت فقط بدادن جواز اکتفا کند واداره جدیدی احداث کنند

وزیرفوائدعامه - بنده تصور می کنم که خود آقای تقی‌زاده هم تصدیق کنند که این پیشنهاد خوب نیست وخوب است

این پیشنهادرا مسترد کنند زیرا بر فرض اینکه دولت موقت محتاج بصرف مخارج زیادی نشود

ولی ما نباید فراموش کنیم که برطبق این ماده برای قند انحصار ایجاد میشود و باینجهت برای اینموسسه انحصار که باید عمل به انحصار بکند خوب نیست اعتباراتی که فعلا تصویب می شود محدود باشد

زیرا اولا اعتبار مستلزم خرج نیست وهرموسسه هم مکمبلغ اعتبار لازم داود و حسب تصویب یك مقامی خرج می‌شود

پس بهتر این است بهمین ترتیب که یك میلیون اعتبار برای مخارج موسسه معین شده اکتفا کنیم

رئیس آقای تقی‌زاده

(اجازه)

تقی‌زاده - گویا آقای وزیر فوائد عامه پیشنهاد بنده را که خوانده شد درست توجه نفرمودند

بنده نگفتم فقط صدهزار تومان اعتبار داده شود

ایشان فرمودند درصورتیکه انحصار اجرا شود باید یکمیلیون اعتبار پیش از وقت داده شود

بنده گفتم که یکملیون اعتبار داده شود.

ولی درصورتیکه دولت فقط بدادن جواز اکتفا کند بیش از صدهزار تومان خرج نکند

ایشان می فرمایند که این فقط اعتبار است وممکن است دولت خرج نکند

ولی تجربه شده که اصلا وقتی اعتبار هست استفاده هم زیاد می‌شود

وزیرمالیه - توجه بفرمائید که این یکملیون اعتبار برای مصارف اداری موسسه نیست این سرمایه است.

درصورتی که آنموسسه عمل بانحصار بکند ومحتاج بسرمایه بشود تا میزان یك میلیون باید اعتبار داشته باشد

واگر عمل بانحصار نکرد تصور می کنم که محتاج بخرج کردن صدهزار تومان هم نخواهد شد و فقط یك مخارج اداری خواهیم داشت و تصور میکنم این پیشنهاد لازم نباشد

رئیس - آقایانی که این پیشنهادرا قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای دولت آبادی

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم قیدی که در ماده شش شده است دراینماده هم قید شود

دولت آبادی - درماده شش همین مطلب را که حالا آقای وزیر فوائد عامه فرمودند قید شده است که درصورتیکه وسائل اجرای عمل انحصار فراهم نشد دولت به دادن جواز اکتفا می کند و اینماده اجرا نخواهد شد خوبست در اینماده هم اینقید بشود

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دولت آبادی را قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند

(چندنفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

آقای روحی پیشنهاد کرده‌اند که در عوض یك ملیون نوشته شود دو کرور

روحی - عبارات قانون باید فارسی باشد مافوق هم ندارد

آقای مخبر هم گمان میکنم قبول کنند

این اصلاح عبارتیست و ازلحاظ ادبی لازمست

رئیس - مخالفی ندارد؟

(اظهاری نشد)

رای می گیریم ماده دهم با تبدیل ملیون بدو کرور

وزیرفوائدعامه - چرا؟

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس - پس رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای روحی

آقایانی که قابل توجه می‌دانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

رای می گیریم ماده ده

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

ماده ۱۱

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - برای اداری موسسه انحصار دولتی قندوچای بوزارت مالیه در سال معادل صدی هشت عایدات خالص آن اعتبار داده می‌شود

تبصره - مقصود از عایدات خالص عایداتیست که پس از وضع مخارج و وجوه مذکوره در تبصره ماده سه حاصل می‌شود

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - بنده تصور می کنم در تمام این قانون بقدر این ماده مخالفت بنده شدید نباشد

برای این که اولا صدی هشت برای اجرای چنین قانونی برفرض اینکه موسسه انحصاری هم باز کنیم مخارج پیدا نمیکند

مطابق احصائیه که خود دولت داده است تقریبا چهارمیلیون ونیم عایدات انحصار قند وچای وحلوا است شاید بیشتر هم باشد

برای این که این احصائیه که داده اند تقریبی است وصدی هشت تقریبا در حدود سیصدوشصت هزار تومان است.

در اینجا مخصوصاً اسم برده شده برای مخارج اداری موسسه یعنی برای میز وصندلی وپشت میز نشین وشاید چندنفر هم پیشخدمت پشت اطاقهای اداره درصورتی که این موسسه یك موسسه تجارتیست ودرین ماده ازمخارج دلالی.

انبارداری وصدها مخارج دیگر که بیك امر تجارتی تعلق میگیرد،

این البته یك امر تجارتیست حالا هم نمی‌توانند پیش‌بینی بکنند

برای این که ممکنست منفعتش بقدری زیاد بشود که مخارج تویش کم بشود یا یك روزی هم ضرر کند وا مرا نمیشود پیش بینی کرد

آن وقت مخارج منشی ودفتردار تجارتخانه‌های انحصاری که در هرشهری یك تجارتخانه انحصاری هست برای آن‌ها سیصد وشصت هزار تومان پیش‌بینی کرده‌اند وبنده این رایك مخارج فوق‌العاده کمر شکنی میدانم

یعنی بالاخره ما یك قسمت عایدات خودمان را که میخواهیم صرف راه آهن بکنیم بازصرف یکعده میزنشین خواهیم کرد که همیشه درینجا گفتگویش هست

بعلاوه درماده شش بنده دیدم یك تبصره ضمیمه شده است که بالاخره رفع تمام مباحثات جلسه گذشته را کی وبنده هم که یکی ازمخالفین ماده شش بودم بآن تبصره قانع شدم واگر مثل آن تبصره دراینجا یك تبصره ملحوظ شود مخالفتی نخواهم داشت

والا اگر بنا باشد مخارج اداری سیصدو وشصت هزارتومان باشد گمان میکنم با مخارج تجارتی هم که روی هم بکشیم فرع زیاد براصل می‌شود

مخبر - اولا این اعتبار که درینجا نوشته شده است

جدا کثریست که میتوانند تا آن اندازه مخارج کنند

اعتبار صدی هشت لازمه اش این نیست که در آخر سال تمام این صدی هشت مخارج شده باشد شاید صدی دویا سه یا پنج خرج شده باشد هرچه خرج شد همانست

همانست اما این که اعتراض کردید که این بمصرف میزنشین میرسد

میزنشین هم اینقدر مقصر نیست از صبح تاشام کارمی کند البته حقوق میخواهد اینطور که می گویند میزنشین مثل اینست که یك جنایتی را میزنشین نمیرسد صحرانورد وبیابان گرد واشخاصی که مفتش اینکار هستند

تمام اینها حقوق میخواهند همه که میز نشین نیستید یك اشخاص دیگری هم هستند بعلاوه این آخرین مبلغیست که باید مصرف بکنند.

اگر اطمینان دارید بدولت ووزارت مالیه می‌دانید

آن اندازه که مخارج میشود صورت خواهند داد واگر بنا باشد اطمینان نداشته باشید که بهیچ چیز نباید طمینان داشت

رئیس - آقای بهبهانی

(اجازه)

آقامیرزا سیداحمد بهبهانی - بنده اولا لازم میدانم برای دفاع ازبعضی سوء توهماتی که هست یا خود شیرینی‌هائی که بعضی‌ها میخواهند بکنند وشروع بطبع بعضی لوایح وارسال برای و تلا کرده‌اند راجع بمخالفت با این لایحه عرض کنم که اولا همانطور که مکرر دراینجا گفته شده است درین مجلس گمان نمیکنم کسی مخالف راه آهن باشد وگمان نمی کنیم هیچ یك از وکلا نخواهند اسباب چینی بکنند

که تاسیس اینکار بتأخیر بیفتد یا درین عایدی تردیدی داشته باشند

کاملا موافقند که راه آهن تأسیس شود وشاید کاملا هم موافقند باینکه عایدی که بتواند اینکار را تاسیس کند

همین عایدیست ولی باید آنهائی که ازمخالفین تنقید میکنند ببینند مخالفین چه میگویند.

مخالف می گوید فلان خرج زیاد است فلان فشار بمردم واردنشود ودرضمن هم پیشنهاد هائی میکنند

این هیچ مربوط باین نیست که گفته شود این مخالفتها اساسش برای اینست که راه آهن نمی‌خواهند

اما مسأله این ماده وپیش بینی که اینجا برای اعتبار خرج اداری شده

بنده تصور می کنم این خرج اداری زیاد است.

دولت می گوید من می خواهم یك تجارتی بکنم وازین تجارت یك عوائدی پیدا کنم وآن عوائد راهم صرف این کار بکنم.

دیروز ایروز هم اینجا صحبت می‌شد که دولت می‌خواهد عایدی پیدا کند.

دولت نمی‌خواهد یك تاجر اعادی بشود که ضرر بکند.

دولت می‌خواهد همیشه نفع بکند. وقتی دولت میخواهد همیشه نفع بکند باید ترتیباتش را طوری بکند که مخارجش با منافعش تکافو کند.

علت اینکه بعضی تجار اخیرا ورمیشکنند برای اینست که هیچ وقت ملاحظه این کار را نمیکنند.

اینجا صدی هشت برای مخارج اداری اینکار پیش‌بینی میشود وقتی حساب میکنیم سیصد وشصت هزارتومان می‌شود.

من تصور میکنم این خیلی زیاد است زیرا اولا دولت فعلا درصدد تأسیس این اداره نیست.

درماده می‌نویسد مادام که این اساس مرتب نشده دولت اجازه داشته باشد وحالا برای پیش‌بینی اینکه اگر اداره شد این مبلغ اعتبار داده شود زیاد است والبته یك اشخاصی هم اگر اینجا نشسته‌اند وتنقید می کنند اززیادی مخارجست نه از اشخاص میزنشین.

البته باید آنها که پشت میزمینشینند حقوق بگیرند.

ولی چون دولت میخواهد سیصد و شصت هزارتومان مخارج اداری این کار بکند تقریباً معادله میکند با مخارج بعضی ازوزارتخانه ها وبعضی ادارات درصورتی که محتاج آن اندازه اجزا هم نیست،

این مبلغ خیلی زیاد است.

بنده مخالفت خودم را درین خصوص درشور اول هم اظهار کرده‌ام.

دولت مخارج اینکار را درسال اول صدی پانزده وسال دوم صدی ده و سال سوم صدی هشت پیشنهاد کرده بود بعد که ثانیاً پیشنهادها بکمیسیون رفته صدی هشت تخصیص داده واعتبار خواسته است.

من تصور میکنم که اگر دولت یك قدری تأمل کند تصدیق خواهد کرد که این صدی هشت زیاد است.

لذا بنده پیشنهاد کردم (وتصور می‌کنم آقایان هم موافقت بکنند) صدی پنج کافیست زیرا صدی پنج تقریباً دویست و سی وپنج هزارتومان میشود واین کافیست برای خرج یك اداره که میخواهد تاسیس شود.

وزیرفوائد عامه - وقتی گفته میشود مخارج اداری بعضی آقایان میفرمایند مقصود ازمخارج اداری یکنفرمنشی است ودونفر ثبت درصورتی که تصدیق میفرمایند که قسمت عمده مخارجی که حاصل خواهد شد هیچ راجع بدونفر یا پنج نفر ثبات نیست وقتی که یك مال التجاره مورد تحمیل واقع شد یعنی مالیاتی برایش برقرار شد و انحصار پیدا کرد قهراً قاچاق میشود اول خرج اداری ما خرج برای قاچاق گیریست آن وقت دریك مملکتی که هشت هزار فرسخ سرحد دارد نمیشود گفت صدی هشت عایدات برای مخارج اداری آن زیاد است.

اگر مراجعه کنیم بمخارج انحصار توتون درفرانسه خواهیم دید که صدی یازده عایدات خالص مصرف میشود وحالا درینجا صدی هشت منظور شده وبعلاوه هر اعتباری لازم نیست تمامش خرج شود.

احتیاج حکم میکند که قبلا اعتبار را زیادتر درخواست کنیم که درعمل دچار تعویق در کار نشویم وخیلی بهتر از اینست که یك اعتبار کمی منظور کنیم که بعداز عمل دچار یك اشکالاتی بشویم و دوباره درخواست اعتبار کنیم وهر اعتباری مستلزم یك لایحه ممکنست بیك کسی صدمیلیون اعتبار داد و دویست تومان فقط خرج کند این مطلب مکرر گفته شده است که اعتبار مستلزم خرج نیست وهر بودجه هم مستلزم خرج نیست تفریغ بودجه است که بعد از آن میآید بعلاوه این مخارج از نقطه نظر تزیید عایدات است.

زیرا اگر شما اعتبار کافی تصویب نکنید از نقطهٔ نظر قاچاق گیری و داشتن مفتش وتأسیس اداره و داشتن قاچاق گیر وفلان وبهمان یعنی شما پول نداشته باشید که قاچاق را بگیرید چه خواهد شد؟

سبب خواهد شد که جنس قاچاق وارد میکنند.

پس ازنقطه نظر تأمین عوائد وازنقطه احتیاج صدی هشت حد اقل مخارجیست که باید دراینجا پیش‌بینی بشود وامیدوارم آقایان تصویب کنند ودرنظر هم داشته باشند که اعتبار مستلزم خرج نیست.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافیست.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب ....

آقاسیدیعقوب - بنده استرداد کردم.

رئیس - عده هم کافی نیست بعداز تنفس رای میگیریم.

(دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس ازنیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - رئیس پیشنهاد آقای فرمند قرائت میشود:

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ بعداز وزارت مالیه اینطور اصلاح شود، درسال معادل صدی شش الی آخر

رئیس - آقای فرمند

سلطانی - بنده صدی چهار پیشنهاد کردم مقدمست.

رئیس - آن مطلب دیگریست.

(پیشنهاد آقای سلطانی بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۱ بطریق ذیل اصلاح شود

www.iran-archive.com

ماده ۱۱- برای مخارج اداری مؤسسه «انحصاری دولتی قند وچای» به وزارت مالیه در سال معادل صدی چهار عایدات خالص آن اعتبار داده میشود

رئیس-آقای سلطانی

(اجازه)

سلطانی- بنده پیشنهاد کردم که مخارج اداری این کار ازصدی چهار بیشتر نشود

وقتی بنده صدی چهار راهم زائد می دانم وبا پیشنهاد آقای بیات که صدی دو است موافقت میکنم.

برای اینست که اگر ببانك شاهنشاهی مراجعه شود معلوم میشود که برای جمع عائدات بانك شاهنشاهی چند نفر اجزاء بیشتر نیستند وتمام کارهارا انجام میدهند و آقایان مسبوقند که هرقدر اجزاء برای کار بیشتر شود سبب بطئی جریان کار می شود

بنده درموقعی که بودجهٔ وزارت مالیه مطرح میشود ازاین حیث با بودجه آن مخالفت خواهم کرد وعلت مخالفت من هم همینست که تقریباً صدی چهل وپنج مخارج برمی دارد

واما اینکه آقای وزیر فوائد عامه فرمودند که درخارجه صدی ۱۱ معمول است بنده نمیدانم

لکن مطابق تحقیقی که بنده کردم دربعضی از ممالك ازصدی چهار شروع میشود تاصدی هفت وصدی هشت

مثلا خود وزارت فوائد عامه یك وزارتخانه ای است که تقریباً درتمام ولایات یك موسساتی دارد و وقتی مخارج آن را مقایسه کنیم می بینیم بیش از صدی هشت مخارج ندارد وپس از وضع مخارج راه ها گمان نمیکنم وزارت فوائدعامه بیش ازصدهزار تومان مخارج داشته باشد وهمچنین وزارت معارف وسایر وزارتخانها

اما اینکه می فرمایند اعتبار است و همه اش خرج نمیشود این را ما امتحان کرده ایم که هرچه اعتبار داده شود در مقابل آن خرج پیدا می شود ولو اینکه مؤسسه هم تشکیل نشود وفقط یکعده معین شوند برای دادن اجازه وصدور جواز مخارج همین قدر خواهد شد

این است که بنده صدی چهار را کافی میدانم

مخبر- اگرچه بنده درست ملتفت توضیحات آقا نشدم ولی همینقدر فهمیدم که پیشنهادشان راجع به صدی چهار است بنده قبل از تنفس هم در این باب صحبت کردم وعرض کردم که تصور نفرمایند که در کمیسیون دقت هائی در این باب بعمل نیامده است بلکه کاملا دقت بعمل آمده و باید مجلس شورای ملی کاملا مطمئن باشد که این اندازه اقل مایقنمی است که برای اینکار لازم است خرج شود وبعلاوه اعتبار مستلزم این نیست که همه اش خرج شود و تصور میفرمایند حالا مجلس شورای ملی صدی هشت اعتبار داد حتماً درآخر سال صدی هشت ازاین عائدی کسر وبعنوان مخارج نوشته میشود

اینطور نیست وشاید اصلا صدی سه وصدی چهار بیشتر خرج نشود واز این مقداری هم که پیشنهاد فرمودید کمتر خرج بشود

پس این اعتبار وهم مثل سایر اعتبارات است و نباید این اندازه سوء ظن داشت

رئیس- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای سلطانی

آقایانی که موافقند قیام فرمایند

(عده ای برخاستند)

رئیس- قابل توجه نشد

آقای بهبهانی صدی پنج پیشنهاد کرده اند

آقای بهبهانی

(اجازه)

بهبهانی- بنده توضیحاتی که باید عرض کنم عرض کرده ام دیگر بسته بنظر آقایان است

رئیس- آقایانی که پیش نهاد آقای بهبهانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای تهرانی

(اجازه)

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده یازده این قسم نوشته شود

ماده یازده - برای مخارج اداری مؤسسه انحصار دولتی قند وچای» بارعایت ماده سیزده بوزارت مالیه اجازه داده میشود که درسال اول معادل صدی هشت و سال دوم صدی هفت وسال سوم صدی شش و بعدها صدی پنج خالص آن اعتبار داده میشود

رئیس- آقای تهرانی

(اجازه)

آقاشیخ محمدعلی طهرانی - بنده این پیشنهاد را کردم وبرای مخارج سال اول هم صدی هشت ازعایدات را پیشنهاد کردم

دراینجا آقای مخبر فرمودند که نباید بدولت سوء ظن داشت البته هیچکس بدولت سوءظن نخواهد داشت

لکن اینقانون پنج ساله و ده ساله نیست واینقانون تاپنجاه سال صدسال دیگر ادامه خواهد داشت ومن نمیدانم پنجاه سال دیگر چه کیفیتی پیدا میکند

برامر تقدیر این پیشنهاد که من تقدیم کردم ازروی یك ملاحظه ای است وآن این است که چون سال اول عوائد کم است بنابراین صدی هشت ازعایدات کافی است وسال دوم بتناسب عوائد زیادتر می شود و صدی هفت عوائد سال دوم بقدر هشت سال اول است وهمچنین صدی شش سال سوم بقدر صدی هشت سال اول می باشد وبعد از سال سوم حقیقة یك اداره ای میشود و عوائد دولتی هم منظم ومرتب میشود واز سال دوم ببعد صدی پنج ازعوائد مطابق با صدی هشت عوائد سال اول است

اینست که بنده پیشنهاد کردم سال اول صدی هشت وسال دوم صدی هفت و سال سوم صدی شش واز سال چهارم ببعد صدی پنج باشد وبهیچ وجه ضرری هم ندارد

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای تهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده ای برخاستند)

رئیس- قابل توجه نشد

(پیشنهاد آقای ضیاء و اسماعیل خان اصانلو بطریق ذیل خوانده شد)

(پیشنهاد میکنم که ماده یازده بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۱۱- مخارج اداری مؤسسه «انحصار دولتی قند وچای» درسال اول بیش از صدی پنج عائدی خالص ودرسال دوم بیش از صدی چهار ودر سنوات بعد بیش ازصدی سه نخواهد بود واین اعتبار ازطرف مجلس شورای ملی بوزارت مالیه داده میشود

رئیس- آقای ضیاء

(اجازه)

ضیاء- اینمطلب معلوم است وهمانطور هم درماده شش تصریح شده است مادام که وسائل تأسیس این مؤسسه انحصاری فراهم نیامده است

اجازه نامه هائی ازطرف وزارت مالیه بتجار داده میشود که قند و شکر و چای وارد کنند در اینصورت مستلزم مخارج زیادی برای وزارت مالیه نیست و بعد از آنکه وزارت مالیه موجبات اجرای این لایحه را بطوری که در ماده شش ذکر شده است فراهم کرد و خواست شروع بعمل کند آن وقت درست موفق شده است بیك اصلاحاتی

بااین ترتیب برای مخارج اینمؤسسه درسال اول صدی پنج ودرسال دوم صدی چهار وبعدها صدی سه تقریباً کافی خواهد بود وهمانطوری که آقای مخبر فرمودند همه ما اطمینان داریم که در وزارت مالیه نهایت صرفه جوئی دراینگونه امور خواهد شد این مسلم است

ولی ماده قانونی که ازتصویب مجلس میگذرد وباید کاملا مصرح و معلوم باشد و برای اینکه فقط اجازه نامه از وزارت مالیه صادر شود درسال اول صدی پنج کافی است که تقریباً معادل دویست و چهل هزار تومان میشود ودرسال دوم تقریبا معادل سیصد هزار تومان ودرسال سوم وسالهای بعد معادل میشود با صد و پنجاه هزار تومان واین مبالغ برای یك مؤسسه که اجازه نامه صادر می کند بعقیده من کافی نیست

مخبر- اینکه فرمودند این مؤسسه فقط اجازه نامه صادر میکند اینطور نیست بلکه این یك مؤسسه ای است که خرید قند وشکر را منحصر بدولت میکند

رئیس- آقایانی که این پیشنهاد آقای ضیاء را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده ای قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای بیات

(اینطور خوانده شد)

بنده تبصره ۲ را بشرح ذیل درماده ۱۱ پیشنهاد مینماید

تبصره ۲- تا زمانی که دولت بجواز اکتفا نماید بیش ازصدی دوازاعتبار فوق نباید بمصرف برسد

رئیس- آقای بیات

(اجازه)

بیات - بنده دراین قسمت یازده که نوشته است مخارج مؤسسه صدی هشت از عائدات خواهد بود مجالتة عرض ندارم و وشاید هم لازم باشد

ولی این درصورتی است که مؤسسه انحصاری تشکیل بشود

درماده سوم نوشته شده است تا مؤسسه انحصاری تشکیل نشده است دولت اجازه میدهد که قندها را خود صاحبان قند در مملکت بیاورند

این است که بنده پیشنهاد کردم تا زمانی که آن مؤسسه انحصاری تشکیل نشده آن اعتباری که داده میشود بیشتر ازصدی دو نباید باشد و پس ازآنکه آن مؤسسه تشکیل شد البته آن صدی هشتی را که اعتبار خواسته اند خرج میکنند

وزیر فوائد عامه - این همان پیشنهادی است که آقای تقی زاده هم کرده اند منتهی درضمن یك میلیون اعتبار بود وآن را مجلس قابل توجه ندانست وهمان دلائلی که برای آن عرض شد باید تکرار شود و بعقیده بنده عین این پیشنهاد در دشد

رئیس- آقایانی که پیشنهاد آقای بیات را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس- تصویب نشد

پیشنهاد آقای شیروانی

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را به ماده ۱۱ پیشنهاد میکنم

تبصره ۲- مادام که مطابق ماده ۱۴ اینقانون وسائل اجرای عملی انحصار فراهم نشده وزارت مالیه نمی تواند از اعتبار صدی هشت عائدات خالص استفاده نماید

رئیس- آقای شیروانی

(اجازه)

شیروانی- بنده نمیدانم تفاوت این تبصره ای که بنده پیشنهاد کردم با آن تبصره که الان مجلس رأی داد راجع بماده شش چیزی است وبنده آن اندازه که آقای مخبر فرمودند سوء ظن بمیزنشین ندارم وبنده هم نگفتم میزنشین آدم خوبی نیست بنده گفتم عده میزنشین نباید زیاد باشد بلکه باید بقدر کفایت باشد وسیصد و پنجاه هزار تومان برای میزنشین کافی است والان بنده تبصره ای که درمجلس تصویب شد که بآخر مادهٔ شش اضافه شود میخوانم

مادام که مطابق ماده سیزده اینقانون وسائل اجرای عملی انحصار فراهم نشده ودولت بدادن جواز اکتفاء مینماید این ماده بموقع اجراء گذارده نخواهد شد . دلیلش هم اینست که این ماده مربوط میشود بمؤسسه انحصاری ومصرف این ۳۶۰ هزار تومان هم درموقعیست که مؤسسه انحصاری تأسیس شود ومن میخواستم توجه آقای وزیر فوائد عامه را باین نکته جلب کنم تا موقعیکه موسسه انحصاری تأسیس نشده آیا برای جوازدادن ما ۳۶۰ هزار تومان بودجه لازم داریم؟

بعلاوه ایشان کلمه اعتبار را ترجمه فرمودند وبنده تصور نمیکنم درمجلس کسی باشد که کمتر ازایشان اطلاع داشته باشد که اعتبار یعنی چه.

بنده هم میدانم که اعتبار یك پولیست که مسکنست همه اش خرج نشود ولی اینرا هم میدانم که این یکی از آن اعتباراتیست که وزارت مالیه تا دینار آخرش قبل از تأسیس موسسه انحصار هم خرج میشود و بنده تامو قعیکه اینقانون اجرا نشده صدی دو راهم زائد میدانم برای اینکه برای صدور اجازه شاید دهزار تومان مخارج هم پیدا نشود ووقتی که خود موسسه انحصاری تأسیس شد آقای وزیر فوائدعامه بیشتر از این مبلغ هم برایش لازم بدانند و مسکنست اعتبار آن را از مجلس بگذرانند

وزیر فوائدعامه - اگر آقای شیروانی یك نظر اجمالی بمخارج واقعی مملکت و اعتبارات مصوبه میفرمودند آنوقت نمی فرمودند که دولت تمام اعتبارات را بمصرف میرساند زیرا اگر یك نظری باضافاتی که ازبودجه ها حاصل شده واز محل صرفه جوئیها پیدا شده بفرمایند می بینند که تمام اعتبارات بمصرف خرج نمیرسد ومقایسه این ماده هم باماده شش مورد ندارد زیرا که درتبصره ماده ششم مینویسید مادام که مطابق ماده سیزده این قانون وسائل اجرای عملی انحصار فراهم نشده و دولت بدادن جواز اکتفا مینماید این ماده بموقع اجرا گذارده نخواهد شد.

این مطلب دیگر بیست ولی درینجا بمجرد اینکه این قانون تصویب شد بموقع اجرا گذاشته میشود در منتهی درقدمهای اول بطور صدور جواز بعد بعد درقدم های ثانی بطرز انحصار میشود و نمیشود گفت که صدور جواز عدم اجرای قانون است ومخارجی ندارد .

بلکه صدور جواز هم مخارجی دارد که تقریباً شاید همین اندازه ها میشود زیرا همانطور ناچاق میشود و ناچاق بگیر لازم است اداره لازم است مؤسسه لازم است لهذا بااستحضار باینکه اعتبار مقاطعه نیست واعتبارهم لازم نیست تا دینار آخرش بمصرف برسد بنده عرض میکنم برای حسن جریان اداره کمتر از صدی هشت نمیشود .

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای شیروانی را قابل توجه می دانند قیام قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

فراموش شد که در پیشنهاد آقای فرمند رأی بگیریم قرائت میشود .

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس- آقای فرمند

(اجازه)

فرمند - اینکه بنده صدی شش را پیش نهاد کردم ازدو نقطه نظر بود

یکی اینکه درجامعه که وزیر و کیل همه جزء آن هستند یك اشتباهی پیش آمده وآن این است که دوائر دولتی رادارالمساکین قرض کرده اند ووقتی یك اعتباری داده میشود آنوقت وصرفه جوئی کامل که باید باید بشود نمیشود وبیشتر ملاحظه اینرا می کنند که اشخاص بیکار را کاردار بکنند دیگر اینکه وزارت مالیه مجالتاً دارای یك عده منتظر خدمت هست که نصف حقوقشان را میگیرند وهیچ کاری برای مملکت نمی کنند واگر این صدی شش را ما تصویب کنیم ووزارت مالیه آن منتظرین خدمتی که فعلا بیکار هستند داخل کار نمایند بنده تصور میکنم کفایت میکند و این موسسه بطور خوبی اداره میشود

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای فرمند را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه نشد

رأی گرفته میشود بماده یازدهم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد .

ماده هفتم که مراجعه شده به کمیسیون راپورتش حاضر است قرائت می شود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷- کلیه مقادیر قند وشکر و آنچه که از قند وشکر ساخته میشود وچای وارده که تاتاریخ بیست ودوم اردیبهشت (تاریخ تصویب این قانون در کمیسیون قوانین مالیه) از گمرك خارج شده است از حقوق معینه درماده ۳ این قانون معاف می باشد وآنچه که ازتاریخ بیست ودوم اردی بهشت واردشده است محکوم بتأدیه حقوق مذکوره درفوق خواهد بود

تبصره- اشخاصی که قند وشکر وچای فروخته وهنوز تحویل مشتری ننموده و اجناس آنها مشمول این قانون میشود حق دارند معادل حقوق مذکوره درماده سه را که بدولت میپردازند .

علاوه برقیمتی که سابقاً قرار داده بودند ازمشتری دریافت دارند ولی مشتری حق خواهد داشت درصورت عدم میل معامله رافسخ نماید

رئیس- آقای داور

(اجازه)

داور- بنده باقسمت آخر این ماده مخالفم ودر این قسمت دوشرط یاقید است یکی نسبت بیایع ویکی هم نسبت بمشتری دربایع بنده موافقم برای اینکه کسی جنسی را فروخته است قبل از اینکه یك عوارضی برآن تعلق بگیرد وامروز وقتی میخواهد بنس را تسلیم کند می بیند که از او یك مبلغی باسم عوارض مطالبه میکنند

این مبلغ را هم از کسی نمیتوانند بگیرند باین مناسبت بشخص خریدار میگوید درآن تاریخی که من قند را بشما فروخته ام بنابود که یك من دو قران بدهم .

ولی حالا مجبور هستم که یك من دو قران بدهم بنابراین شما بایستی این دو قران رابمن بدهید و اگر نمیخواهید یك من دو قران رابمن بدهید من هم جنس نمیدهم این راجع بقسمت بایع ولی طرف دیگر که تاجر است وجنس راخریده است امروز اگر این یك من دو قران را بدهد روی قیمت قندش می کشد و میفروشد بنابراین بایستی حق فسخ بیایع داد و بمشتری نباید حق داد چون دلیل ندارد .

مخبر - نظر کمیسیون درست بعکس نظر آقای داور است و آنطوری که ما راپورت داده ایم این است که هرگاه یك معامله واقع شده باشد .

ولی هنوز آن جنس راتحویل نداده باشند امروز مطابق این قانون یك من دو قران برقندو شکر ویك من شش قران بر چای اضافه میشود .

البته دولت آن حقوق انحصار خودش رامطابق این قانون خواهد گرفت وآنکسی که قند را چندروز قبل فروخته و امروز میخواهد تحویل بدهد حالا که یك من دو قران باید بدولت بدهد بدیهی است که او نباید بدهد ویك کسی باید بدهد که قند بدست او میرسد .

این تبصره بآن فروشنده حق میدهد که درموقع تحویل دادن جنس مشتری آن یك من دو قران وشش قران را علاوه کند و علاوه برقیمت اصلی جنس که سابقاً گرفته بود ازاو دریافت کند ولی اینجا یك حقی هم بمشتری میدهد که چون آن وقتی که مشتری این معامله را کرده است

از ترتیب مالیات اطلاع نداشته و حالا این مالیات اضافه میشود مشتری هم حق خواهد داشت که بگوید من اصلا این معامله را فسخ کردم .

آقای داور میفرمایند که مشتری نباید این حق را داشته باشد

در صورتیکه این یك تسهیلاتی است برای مشتری و کمیسیون این ترتیب را درنظر گرفته و راپورت داده است

رئیس- آقای رهنما

(اجازه)

رهنما- در این قسمت قبلا مذاکره شد که این ترتیب ازاول اردیبهشت یعنی موقعی که این لایحه بمجلس آمده است درنظر گرفته میشود واز این تاریخی که در این راپورت نوشته اند ده دوازده روز نمیگذرد .

و این مدت یك فرصتی شده است برای دیگران که قند وارد کنند حالا می خواستم به بینم چه جهت داشت که این ترتیب تغییر پیدا کرد و زمان آنرا از بیست و دوم اردی بهشت کرده اند .

مخبر- فقط در این قسمت یك نظریه بود و آن این است که از اول اردی بهشت تا چهل روز است و یك قندی که در چهل روز قبل ازسرحد گذشته و بیست و پنج روز قبل وارد طهران یا ولایات دیگر شده مثلا ازبندا به کرمانشاه یا از بوشهر به شیراز واصفهان آمده است .

این قند خیلی مشتریهای جزء پیدا کرده و اساساً ممکن است که یك مقدار ش هم خورده شده باشد از آنهائی که خورده اند که نمیشود گرفت و این یك وجه حلی بود که کمیسیون پیدا کرد و تاریخ را از بیست ودوم اردی بهشت قرارداد

وزیر فوائد عامه - نظر باینکه در باب جزء اخیر تبصره یك اختلاف نظری حاصل شده است و نظر باینکه اصل مطلب هم چندان مربوط بقانون نیست .

راست است که باید تکلیفش معین شود .

ولی این تکلیف درعمل بهتر معین میشود ولی این تکلیف درعمل بهتر معین میشود .

لذا برای اینکه دراطراف ماده کمتر صحبت بشود ووقت ضایع نشود

تبصره راپس میگیریم و بعد اگر

www.iran-archive.com

طرق دیگری اتخاذ شد به مجلس پیشنهاد میکنم.

مخبر- کمیسیون هم همین عقیده را دارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس- پس همان قسمت اول ماده قرائت میشود ورأی میگیریم.

(ماده بدون تبصره بترتیب سابق خوانده شد)

رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

قسمت(ب)ماده۹ هم رابورتش رسیده است قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بجای حرف ب ماده۹ - بقیه عوائد حاصله متعصراً برای ساختن راه آهن و احتیاجات مربوطه به آن تخصیص داده خواهد شد و صرف آن درغیرساختن راه آهن و متعلقات آن و همچنین استقراض از داخله یاخارجه باعتبار وجوه مزبورممنوع است.

عوائد حاصله بتصویب هیئت وزراء در یکی ازبانکهای معتبر بحساب مخصوص ودیعه گذارده میشود مشروط باینکه قبل ازودیعه بانك مزبور متعهد شود

ازحق تهاتر صرفنظر نماید.

وزارت مالیه مکلف است که هرشش ماه یك مرتبه صورت خلاصه دایدات و مخارج مؤسسه انحصار را باصورت محاسبه تفضیلی بانك باطلاع عامه برساند.

متخلفین از مقررات این ماده بحبس از یك الی پنجسال محکوم و از کلیه حقوقی که از قانون استخدام دارند محروم میگردند.

رئیس- آقای مصدق السلطنه

(اجازه)

مصدق السلطنه- راجع بقسمتی که درپیشنهاد بنده بود درخصوص رفع مسئولیت مادون در صورت حکم ما فوق کمیسیون موافقت نکرد و بنده خودم هم کاملا موافقم که باید حذف شود.

جهت اینکه برای اتباع خارجه در این مملکت هیچگونه امتیازی را قائل نیستیم و تا کنون هم مملکت هیچگونه امتیازی را قائل نشده است و امتیازی هم ندارند

وحتی دربعضی از عهدنامه‌ها هم قید شده است که اتباع خارجه مطلقاً اینگونه امتیازات راندارند بهرحال بنده اتباع خارجه راتابع قوانین داخله می‌دانم.

بخصوص اتباع خارجه که دروزارتخانه‌ها ماهستند تابع شخص وزیر هستند و نمی‌توانند از اوامر اوتخلف کنند

بنابر این هرگونه قواعدی که برای مجازات قائل شوند شامل همه آنها هم هست و این قسمت از پیشنهاد بنده در اینجا حذف شده و بنده خودم هم کاملا موافقم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس رأی گرفته میشود بماده نهم

آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

ماده دوازدهم.

(اینطور خوانده شد)

ماده۱۲ - اختلافات وشکایات حاصله درضمن اجرای اینقانون بواسطه کمیسیون های اداری که طرز تشکیل آن مطابق نظامنامه معین می‌شود قطع وفصل خواهد شد

درکمیسیونهای مزبوره بیش ازیکنفر از طرف موسسه (انحصاردولتی قندوچای عضویت نخواهدداشت.

رئیس - آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسیدیعقوب - بنده خواستم این را از آقای مخبر سوال کنم

درصورتیکه طریقه حل وفصل دعاوی را درنظامنامه قرار دادید دیگر اینقید عملی که دراینجا ذکر کردید که درآن کمیسیون بیش از یکنفر ازطرف موسسه عضویت نخواهدداشت برای چیست ؟

هرضم اینست که اگر حل وفصل منازعه که واقع می‌شود بین فاچاق کنندگان واعضاء اداره مالیه در کمیسیون معین خواهد شد پس تمام را در کمیسیون معین کنند که ازطرف مالیه چندنفر باشد وازطرف موسسه چندنفر و ازطرف مدعی چندنفر

واینکه دراین ماده نوشته اند که از طرف موسسه بیش ازیکنفر عضویت پیدا نخواهد کرد

آیا بطرف مقابل چندنفر حق می‌دهید بعقیده بنده اینست که اینقید برداشته شود

برای اینکه طریقه حل و فصل در نظامنامه معین می‌شود.

وزیرمالیه - این عیبی ندارد برای اینکه ازحالا معلوم می‌شود که از طرف موسسه بیش ازیکنفر درآنکمیسیون عضویت نخواهدداشت

برای اینکه قوت باموسسه نباشد.

جمعی ازنمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس- پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهادمی کنم درماده دوازدهم هم بجای (بیش از یکنفر) نوشته شود (هیچ کس)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده نمی‌دانم در اینجا یکنفررا چراقید کرده‌اند

برای اینکه آن اداره که تاسیس میشود قضایائی پیش می‌آید و گفتگوئی از یکطرف نسبت به موسسه پیدامیشود. این مثل حکایت مدعی و مدعی علیه است. همینطور که از اینطرف در کمیسیون عضویت ندارند

ازطرف آنهاهم نباید عضویت داشته باشند ترتیب محاکمه درنظامنامه پیش بینی می‌کنند که کمیسیونی که رسیدگی میکند دارای چه اعضائی خواهدبود آن وقت طرفین هر کدام مدعی و مدعی علیه شدند

درآنجا حاضرمی‌شوندمذاکراتشان را می‌کنند و کمیسیونهم رسیدگی میکند و هرچه نتیجه رسیدگی شد بآنها اظهار خواهدشد.

از اینجهت بنده لازم می دانم در اینجا قیدشود که ازطرف آن اداره یکنفر باشد وازطرف دیگر کسی نباشد

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

آقایانی که موافقند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای طهرانی

(اینطور خوانده شد)

اینبنده پیشنهادمی نماید که ماده۱۲ بطریق ذیل اصلاح شود

ماده۱۲ - اختلافات وشکایات حاصله مطابق قانون حکمیت قطع وفصل خواهد شد

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

آقاشیخ محمدعلی طهرانی - ارجاع بموهومات را کسی نمی‌داند چه چیز است وهیچوقت نمی‌تواند رأی بدهد که طرز تشکیل محکمه مطابق نظامنامه معین می‌شود.

ما که نمی‌دانیم نظامنامه راچه شکل می‌نویسند مسئله مسئله محاکمه است مملکت هم قانون دارد ومعلوم است طرز محاکمه وکیفیت محاکمه باید بچه شکل باشد. امروز بهترین اشکال محاکمه محاکمات انتخابی است که مدعی و مدعی علیه هر کدام یکنفر را انتخاب میکنند و یك سر حکم هم معین میشود وهرطور که رأی دادند همانطورهم عمل میشود

واعتراضی هم بآن نه‌ای نیست وقانون حکمیت هم در سنوات سابقه از مجلس گذشته است

باین جهت بنده پیشنهاد کردم اختلافات بطرز حکمیت قطع و فصل شود.

وزیرفوائدعامه - اینمسئله محاکمه نیست که محتاج بحکمیت باشد بلکه رسیدگی است اداری است

ودرهیچ جای دنیا سابقه ندارد که رسیدگی اداری بحکمیت رجوع شود این کارهم یك کاری است که محتاج برسیدگی اداری است

حالا ازنقطه نظر اینکه تمام اعضاء آنکمیسیون از طرف موسسه نباشند که بمنفعت خودرای بدهند وبرای اینکه در واقع یك مراعاتی از طرف مقابل بشود گفته شده است که از طرف موسسه بیش ازیك نفر حق ندارد درآنکمیسیون عضویت داشته باشد

حالا اینجا ما بگوئیم که رسیدگی به دعاوی باید بحکمیت تمام شود کمیسیون اداری که محکمه نمی‌شود.

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای تهرانی

آقایانی که موافقند قیام فرمایند

معدودی برخاستند

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای داور

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهادمی کنم ماده اینطور اصلاح شود

اختلافات وشکایات اداری حاصله در ضمن اجرای این قانون الی آخر

رئیس - آقای داور

(اجازه)

داور - بنده موافقم که هر چه زودتر وسریعتر این قانون ازمجلس بگذرد ولی مخالف این هستم که سرسری یك مسئله بدون تامل تمام شود.

دراین ماده نوشته شده است.

اختلافات وشکایات حاصله در ضمن اجرای این قانون بواسطه کمیسیونهای اداری که طرز تشکیل آن مطابق نظامنامه معین می‌شود قطع و فصل خواهد شد

معنای این را یکنفری که فمطفارسی بداند می‌فهمد

مثلا اگرمابین بنده که تاجرقندفروش هستم بایکتاجر دیگری اختلاف پیداشد این اختلافی است که ازاجرای این قانون پیداشده است

بنا بر این بنده عرض می‌کنم که اگر این پیشنهادرا قبول می کنید که اشکالی نداره والا این ماده تولید اشکالات فوق‌العاده خواهد کرد

وزیرفوایدعامه - راست است که اختلافات اداری است ولی نه بمعنای مصطلح اداری فرض کنید بین خرنده و فروشنده اختلافی پیداشود می‌شود تعبیر کرد که این اختلاف بواسطه اجرای این قانون است

ولی درهمانحال مقصود اینست در تمام دعاوی که یکطرفش موسسه انحصار باشد ویکطرف دیگر کس دیگر باشد

ازاین نقطه نظر کمیسیون این تصمیم

را گرفت واینرا نمیشود گفت منحصراً اداری است.

حالا اگر میخواهند چیزی دراین ماده قید کنند خوب است اینطور بنویسند که یکطرفش موسسه انحصاری وطرف دیگرش کسی دیگر باشد

این البته خوب است واینطور اصلاح کنید بنده هم قبول می کنم

داور - خیلی خوب آن طور پیشنهاد می کنم

رئیس - پس رای باین پیشنهاد مینماید برای بعد.

وزیرفوائدعامه - خیر حالا اصلاح میکنند ورأی بگیرید

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده اصلاح ماده دوازده را این نوع پیشنهاد می کنم که بکلمه قطع وفصل خواهد شد تمام شود.

رییس آقای آقاسیدیعقوب

(اجازه)

آقاسیدیعقوب- بنده می‌دانم که الان فریاد میزنند که آقای ارباب کیخسرو این قسمت را پیشنهاد کردند وتمام هم نشد و گوش هم نخواهیم داد

ولی بنده برای احترام ازقانون عرض می کنم که درقانون استخدام معین شده است که اگر یك نفر از اعضای اداره بمحل شکایت واقع شد خود او دیگر حق عضویت در کمیسیون رسیدگی ندارد

و اداره باید بآن شکایت رسیدگی کند.

حالا اگر یك نفر ازموسسه انحصار شکایت کند بموجب این ماده باید یك عضو ازطرف موسسه در آن کمیسیون عضو داشته باشد.

درصورتیکه نباید یك کسی که عضو موسسه است

در کمیسیونی که تشکیل که میشود برای حل وفصل دعاوی عضویت داشته باشد

بنده مدعی هستم. مدعی که نباید قاضی شود.

این ماده برای حل و تصفیه شکایت کننده ازموسسه است بازمی گوید یك نفراز موسسه باید باشد

جائی که شکایت ازقاضی شد و قاضی در آنجا باشد پس شکایت را باید برو پیش خدا بنده عرض می کنم

وقتی که شما کمیسیون تشکیل میدهید ازبرای رسیدگی کردن شاکی از موسسه میگوئید یك نفر ازموسسه در آنجا عضویت داشته باشد؟!

بنده بکلی مخالفم که در قانون حق بدهند به اینکه یك نفر از موسسه در آنجا عضویت داشته باشد.

وزیرمالیه- آقای آقاسید یعقوب تصور میکند موسسه قند وچای یك نفر آدم است وهمان یك نفر همیشه طرف تظلم است واورا حاکم قرار می‌دهند

بهمان فلسفه که خودشان اظهار کردند راجع بقانون استخدام

پس نبایستی گفت که وقتی یك نفر ازاعضاء اداره می‌خواهند محاکمه کنند چند نفر از ازاعضاء همان وزارت خانه آن جا باشند

حالا فرض بفرمائید هر گاه یك شکایتی ازکرمان نوشتند که اعضاء قندوچای یك کاری کرده اند که محل تظلم وشکایت واقع شده‌اند

آیا باید به این کاررسیدگی شود البته خیلی مناسب است که یك نفر از خود آن موسسه هم درآنجا باشد که اطلاع وبصیرت داشته باشد نهایت یك نفر بیشتر نباید باشد که همه رأی‌ها وقوت رأی باخود موسسه باشد.

رئیس- پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب راجع بتجزیه است باید درموقع رای گرفتن تجزیه کنیم

فعلا پیشنهاد آقای داور قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اینطور اصلاح شود

اختلافات و شکایات حاصله درضمن اجرای این قانون که یك طرف آن موسسه انحصار دولتی قند و چای باشد بواسطه کمیسیونهای اداری

مخبر- کمیسیون این پیشنهادرا قبول می کند.

رئیس- پیشنهاد آقای زعیم

(بشرح آتی خوانده شد)

قسمت آخر ماده۱۲ بشرح ذیل اصلاح شود.

در کمیسیونهای مزبوره موسسه انحصاری دولتی قند وچای فقط یك نفر نماینده خواهد داشت

زعیم کمیسیونهای اداری تمام اعضایش اعضاء دولتی هستند

اینجا که نوشته شده است بیش ازیك نفر عضویت نخواهد داشت

بنده گمان می کنم مدعی نباید عضو باشد این است که بنده کلمه عضو را تبدیل کردم ومقصودم این است که مؤسسه بیش از یك نفر نماینده در آنجا نخواهد داشت

یعنی طرفین یکی آن کسی است که تهمت فاچاق بآوزده‌اند ویکی هم مؤسسه است که مدعی است وبعقیده بنده مؤسسه یك نفر نماینده بیشتر نباید داشته باشد مقصود کلمه نماینده است و گمان میکنم هم اشکالی هم نداشته باشد

وزیرفوائدعامه - خیر این پیش نهادرا نمیشود قبول کرد زیرا عضو کمیسیون حق رأی دارد

شما میفرمائید نماینده باشد ما متعهد بودیم که از حیث عضو کمیسیون بودن حق رأی داشته باشد

رئیس- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. رأی می گیریم بماده دوازده فعلا تجزیه میشود بعد رأی میگیریم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده۱۲- اختلافات وشکایات حاصله درضمن اجرای این قانون که یك طرف آن موسسه انحصار دولتی قند وچای باشد بواسطه کمیسیونهای اداری که طرز تشکیل آن مطابق نظامنامه معین میشود قطع و فصل خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم باین قسمت

آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قسمت دوم

(اینطور قرائت شد)

درکمیسیونهای مزبوره بیش از یك نفر ازطرف مؤسسه (انحصاردولتی قند و چای) عضویت نخواهد داشت

رئیس - رأی گرفته میشود بقسمت دوم آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بمجموع هر دوقسمت آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده سیزدهم

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده۱۳- وزارت مالیه پس ازتصویب این قانون بلا تأخیر موجبات اجرای آنرا فراهم کرده نظامنامه اجرای (انحصار دولتی قند وچای) را بامشارکت کمیسیون قوانین مالیه تهیه خواهد نمود وتا موقع تهیهٔ شدن موجبات اجرای عملی انحصار از تاریخ تصویب این قانون ازهریك من قندوشکر ومواد قندی که وارد ایران میشود یامشمول ماده۷ میباشد.

دوقران وهریك من چای شش قران دریافت نموده وجنس مصابحش تحویل داده خواهدشد

وزیرفوائدعامه - این ماده یك مختصر اصلاح عبارتی لازم دارد زیرا در ماده هفت قائل شدیم

که ازتاریخ بیست ودوم اردیبهشت و دراین ماده می‌نویسد

(موجبات اجرای عملی انحصار از تاریخ تصویب)

ازتاریخ تصویب نباید باشد واز تاریخ معینه درماده هفت این قانون باید باشد و عوض تاریخ تصویب این جمله باید نوشته شود

رئیس - آقای سلطانی

(اجازه)

سلطانی - این موادقندی هم باید تبدیل شود آنچه که ازقند وشکر ساخته میشود.

وزیرفوائدعامه - صحیح است

رئیس - آقای معتمدالسلطنه

(اجازه)

معتمدالسلطنه - عرضی ندارم

رئیس - مخالفی دارد ؟

(گفته شد خیر)

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود پیشنهاد آقای دولت آبادی

بندهٔ پیشنهادمی کنم در مادهٔ ۱۳ بجای بلا تأخیر نوشته شود هرچه زودتر

دولت آبادی - بنده میخواستم عرض کنم

اساساً لفظ بلاتأخیر حذف شود برای اینکه اگر دولت بخواهد بمرقانون رفتار کند قبل ازاینکه ناهار بخورند باید این کار را بکند

لهذا بنده معتقدم که لفظ بلا تأخیر راحذف کنند و نوشته شود هرچه زودتر

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای روحی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت وبا مشارکت کمیسیون قوانین مالیه از سطر دوم ماده ۱۳ حذف شود.

روحی - این اولین سابقه‌ایست که مجلس پنجم میتواند بگذارد مجلس بایستی قانون وضع کند حق تدوین نظامنامه و اجرائیات با دولت است ما اگر بوزراء اطمینان داریم باید بانها اختیار بدهیم که نظامنامه و اجرائیات را خودشان وضع کنند والبته آقایان هم تصدیق میکنند که اوقات مجلس ذیقیمت تراز اینست که صرف تدوین نظامنامه شود.

بعضی ازنمایندگان - کمیسیون است.

روحی - کمیسیونهم همینطوریس بنده عقیده دارم که این سابقه بد را در مجلس نگذاریم ودراجرائیات دست دولت را بازبگذاریم.

مخبر - این عقیده آقای روحی مخالف عقیده غالب آقایان نمایندگان است کمیسیون قوانین مالیه هیچ میل نداشت که یك زحمتی علاوه بر کارهای خودش بکند ولی نظریه پیشنهاد جمع کثیری ازآقایان که شده بود ومخصوصاً این مسئله راقید کرده بودند کمیسیون هم با موافقت نظر دولت این قید را در آنجا کرده است

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای روحی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

www.iran-archive.com

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد.

پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم درماده ۱۳ در سطر آخر بجای عبارت وجنس بصاحبش تحویل داده خواهدشد نوشته شود و آن جنس ازاوخواهد شد.

مخبر - بنده قبول میکنم برای اینکه شاید صاحبش در آن موقع حاضر نباشد البته باید جنس ازاوباشد.

رئیس - اینراهم که آقای مخبر قبول کردند.

پیشنهاد آقای بوجهانی

بدینطریق خوانده شد

درماده ۱۳ درآخرسطر ۴ بعد از کلمه تصویب این قانون علاوه‌شودباتوجه بمدلول ماده ۷ ازهریك‌من الی‌آخر.

بهبهانی - عرض‌بنده همان‌توضیحی بود که آقای وزیرفوائدعامه دادندخواستم هم موضوع مدت‌یعنی اصل آن‌مالی که‌این مالیات بآن تعلق میگیرد وهم موحدش را معین کرده‌باشم واین‌توضیحی که‌آقای وزیرفوائد عامه دادند کافی شد و آن پیشنهاد را هم چون قبلا داده‌بودم‌مسترد میکنم.

رئیس - ماده ۱۳ بادوفقره‌اصلاحی که شده است قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۱۳ - وزارت مالیه پس از تصویب این قانون بلاتأخیرموجبات‌اجرای آنرا فراهم کرده نظامنامه‌اجرای(انحصار دولتی‌قندوچای) را با مشارکت کمسیون قوانین مالیه تهیه خواهد نمود و تا موقع تهیه شدن موجبات عملی انحصار ازتاریخ معینه درماده هفت ازهریك من‌قند وشکر وآنچه ازقند وشکرساخته میشود که وارد ایران میشود یا مشمول ماده هفت میباشد دوقران وهریك‌من چای شش‌قران‌دریافت نموده وآن جنس ازاوخواهدشد.

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۳

آقایان موافقین قیام فرمایند.

اغلب‌قیام نمودند

رئیس - تصویب شد

مخبر - یك تبصره آقای‌تدین پیشنهاد کردند درماده ۹ که هم کمیسیون و هم دولت قبول کردندانه بنده تصور نمیکردم که دیگرمحتاج باشد ثانیا از کمیسیون راپرت بدهیم.

رئیس - تبصره‌که ایشان پیشنهاد کردند چون دولت و کمیسیون‌قبول کرده بودند درضمن ماده ۹ تا وقتی‌که رأی نگرفتیم بخیالی که آقایان مسبوق‌شدندودولت هم قبول کرده بهمین‌ترتیب‌رأی گرفتیم

وزیرفوائد عامه - پس مقصود تأمین شده است.

رئیس - ماده چهاردهم

(بشرح آتی‌خوانده‌شد)

ماده ۱۴ - وزارت مالیه‌مأموراجرای این قانون است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(گفته شدخیر)

رئیس - رأی میگیریم آقایان‌موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

یك ماده الحاقیه ازطرف آقای آقا شیخ جلال رسیده است قرائت میشود

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده الحاقیه - بقانون‌انحصار دولتی قند وشکروچای مدت این قانون بیست وپنج سال خواهدبود.

رئیس - خودشان حاضرنیستند.

بعضی ازنمایندگان - خیر

رئیس - مذاکرات راجع بکلیاتست مخالفی ندارد؟

آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده ناچارم‌عقیده خودم را بهر زبانی که هست عرض کنم حالا آقای وزیرفوائد عامه قبول نمیکند نکند بنده عرض میکنم کسی که شکایت ازاوواقع شود نمیتواند بیاید عضویت کند چطورمیتواند طرف خودش قاضی باشد این یکی مسئله دیگراینکه این مسئله هم باید سابقه پیدا نکند که قانون‌شامل ماقبل خودش‌بشود

قانون حالا تصریب میشود ما مرور میدهیم این قانون‌را به قبل‌اززمان‌خودش وباید منحصرزمان خودش باشد و شامل ماسبق نشود حالابسته است بنظر آقایان

رئیس - بایدرأی گرفته شود باورقه آقایان موافقین با این قانون

که‌مشتمل بر ۱۴ ماده‌است‌ورقه سفید والا کبودخواهندداد.

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمدونتیجه‌بطریق‌ذیل‌حاصل‌شد)

ورقه سفیدعلامت‌قبول ۹۶

رئیس - عده حضار ۱۰۷ با ۹۶ رأی تصویب‌شد.

اسامی رأی دهندگان آقایان:

تجدد - صدرائی - افشار - سالارافرشف - فرج‌الله‌خان آصف - دکتراحتشام - آقامیرزا شهاب - کاشانی - عظیمی - داور - فرمند - آقاشیخ محمد تقی ذوالقد - آقاسیدیعقوب - آقامیرزاسیدمهدی‌خان‌فاطمی - اسمعیل‌خان - وکیل - سردارنصرت - آقامیرزااسمعیل خان اصائلو - ضیاء - آقامیرزاصادق‌خان‌اکبر - حاج حسن آقاملك - دکتر آقایان - آقاسید علاءالدین بهبهانی - ابوالحسن‌خان پیرنیا - آقا میرزافتح‌الله‌خان‌اکبر - ضیاءالاطباء - حاج سید عبدالعلی‌دیباء - طهرانی - مرتضی قلیخان بیات - دست‌غیب - سلطان‌العلماء - حاج آقارضارفیع - آقامیرزا عبدالله خان معتمد - دکتر امیرخان‌اعلم - قائم‌مقام - حاج میرزاعلیرضا - مصدق‌السلطنه - غلامحسین میرزا - فیروزمیرزا فیروز - حاج شیخ - عبدالرحمن - آقامیرزا احمدخان اتابکی - روحی - ایزدی - آقا میرزا یدالله خان - تدین - محمودخان وحید - دیوان بیگی - مفتی - حبیب‌الله‌خان شادلو - آقا میرزا آقاخان - آقا رضا مهدوی - دکترحسین خان بهرامی - خواجوی - جهانشاهی - حاج‌میرزا اسدالله‌خان - هرمزی - ارباب کیخسرو - آقا میرزا محمدخان معظمی - سلطان ابراهیم‌خان افخمی - پاسائی - اسکندری - خوئی - لطف‌الله‌خان‌لیقوانی - آقا سید عبدالعلی میرزائی - سهراب خان - حاج میرزا رضا شریعتمدار - سید کاظم خان اتحاد - شوشتری - رهنما - آقامیرزا حسینخان دادگر - مساوات - ناصرندامانی - اسمعیل خان قشقائی - میرزا مهدی خان زاهدی - مستوفی‌الملك - آقامیرزاشکرالله خان‌قوام‌صدری - آقاسید احمدخان‌اعتبار - الموتی - حیدرقلی‌میرزا حشمتی - حبیب‌الله خان کمالوند - کی‌استوان - دولت آبادی - آقامیرزا حسینخان‌پیرنیا - اجاق - محمد هاشم‌میرزا - علائی - محمدولی‌میرزا - آقا میرزا عبدالحسین‌صدر - آقامیرزارضاخان حکمت - تقی‌زاده - سلیمان میرزا - آقا شیخ‌هادی‌طاهری - آقامیرزا احمد خان شریعت زاده - هایم - اکبرمیرزا - شیروانی نجات.

وزیرمالیه - هیئت دولت تقاضا دارد لایحه یك‌دوازدهم اردی‌بهشت که راپرت آن هم‌از کمیسیون فرستاده شده مطرح شود.

رئیس - جزودستورجلسه‌فردا؟

وزیرمالیه - خیر

رئیس - امخالفی ندارد

حائری‌زاده - بنده‌مخالفم

رئیس - بفرمائید

حائری‌زاده - الان مدتی‌ازظهر گذشته و در موضوع این لایحه یك‌دوازدهم‌مذاکرات زیاد خواهدشد خود بنده عرایضی دارم که باید عرض کنم و شاید بعضی از آقایان هم مطالب داشته باشند که باید بعرض‌مجلس برسانند از این جهت عرض میکنم که اگر فرداباشد که‌یك‌فرصتی‌باشد بهتراست.

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند که یك‌دوازدهم جزو دستورامروزشودقیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب‌شد

(خبر کمسیون بودجه بشرح ذیل قرائت شد)

ماده‌واحده - مجلس شورای‌ملی بوزارت مالیه اجازه‌می دهد که‌ازبابت‌اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۳ در حدودیك‌دوازدهم بودجه مصوب ۱۳۰۳ برای مخارج مملکتی بر طبق بودجه تفصیلی ۱۳۰۳ بمصرف برساند.

یك دوازدهم‌فوق شامل مستمریات و شهریه ها و حقوق منتظرین خدمت نیز خواهدبود.

رئیس - آقای‌طهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - بنده مخالفتم از دونقطه نظر است یکی اینکه نوشته‌شده برطبق بودجه تفصیلی ۱۳۰۳ بودجه تفصیلی که هنوز نیاورده اند به مجلس.

بعضی از نمایندگان - آورده‌اند.

طهرانی - ماهنوز ندیده‌ایم ثانیاً نوشته شامل مستمریات‌وشهریه و حقوق‌منتظرین خدمت خواهد بود من‌نسبت‌بشهریه ها و مستمریات‌مخالفم‌چرا؟

مواسطه اینکه درسنه‌سابق اکثریت مجلس تصمیم گرفت باینکه‌نظرمخصوصی درشهریه ها و مستمریات بکنند که خیلی‌ها را ندهند ماامروز رأی‌می‌دهیم که‌آنها را بدهند.

لذابنده بااین‌قسمت مخالفت دارم و بایستی این‌قسمت بمصرف معارف ایران ومدارس ابتدائی ایران

تخصیص داده شود وآقایانهم‌آنوقت رأی دادند

حالا اینجا بقول مطلق ما میگوئیم شهریه‌ها ومستمریات‌آنوقت نتیجه این‌است که همانهائی را هم که نظریه اکثریت مجلس این بود که بآنها داده نشود داده شود وهیچ انتفاعی راجع بمعارف‌نخواهم برد

مخبر - راجع ببودجهٔ تفصیلی که فرمودند سال گذشته از تمام وزارتخانه ها بودجه تفصیلی بمجلس آمد وبکمسیون هم آمد

لهذادراینجاذکرمیشودبرطبق‌بودجه تفصیلی که تقدیم مجلس شده و اما راجع بقسمت دوم که فرمودید این را باید آقا درنظربگیرند که این مبلغی که داده‌میشود برسم علی‌الحساب است بعد هر نظری که مجلس گرفت‌نسبت بشهریه ومستمریات‌البته آن‌مبلغ محسوب‌خواهدشد

جمعی ازنمایندگان - مذاکرات کافی‌است

(بعضی گفتند کافی‌نیست)

رئیس - آقایانی که مذاکرات‌راکافی میدانند قیام‌فرمایند

(عده کثیری قیام‌نمودند)

رئیس - اکثریت‌است

پیشنهاد آقای‌روحی

(بطریق‌ذیل‌قرائت‌شد)

بنده‌پیشنهادمیکنم که قسمت‌شهریه‌ها ازاین‌لایحه‌حذف‌شود

رئیس - بفرمائید

روحی - سال گذشته مجلس می‌خواست درشهریه‌ها ومستمریاتی که بعضی اشخاص‌من‌غیرحق میگیرند یك‌اعمال‌نظری بکند

آقای وزیرمالیه فرمودند که تا حالا هشت دوازدهم گذشته است دیگرنمیشود پس گرفت وحالا که یکدوازدهم‌دومی‌است بنده این پیشنهادرا کردم شایدخوددولت هم موافقت کنند که این قسمت شهریه ها را حذف کنند تاصورت شهریه‌ها بیایدبه مجلس‌ببینیم مستحق کیست؟

واشخاص‌غیرمستحق کیهاهستند آنوقت رأی‌بدهیم

رئیس - آقای‌تدین

(اجازه)

تدین - بنده با این پیشنهاد مخالف هستم واین پیشنهادرا عادلانه نمیدانم‌بجهة اینکه برقرض درمیان شهریه‌ها،گیرها ده یا بیست یا سی یا پنجاه قلم را حساب کنید که مستحق نباشند سایر آنها که فقیر و بدبخت وبیچاره هستند ودارای سه‌تومان وچهارتومان شهریه هستند چه‌تقصیردارند مقصودی را هم که‌آقایان داشتندیك‌طرح قانونی پیشنهاد کردند مجلس هم‌قابل‌توجه دانست و بکمسیون بودجه ارجاع شد کمیسیون بودجه هم یك کمیسیون جزئی انتخاب کرده‌است برای رسیدگی به اقلام شهریه‌ها ومستمریات که پنجاه هزار تومان برطبق آن طرح‌قانونی‌تهیه بکنندوبالاخره آنراهم هر وقت آن کمیسیون جزء تهیه کرد راپرتش بعرض مجلس میرسد و بعلاوه این هیچ مقتضی‌نیست

برای‌اینکه‌اگربنا‌باشدبکعده‌غیرمستحق شهریه‌بگیرندهزارنفرمستحق بدبخت‌بکلی ازبین‌میروند

رئیس - رأی‌می گیریم‌پیشنهاد آقای روحی

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده‌قلیلی‌قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای طهرانی.

(اینطور خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینماید که بعد از شهریه‌ها تاصدتومان اضافه‌شود.

طهرانی - فلسفه‌اینکه بنده این‌راپیش نهاد کردم این است که البته آن‌اشخاصی که شهریه تا صد تومان میگیرند مردمان بی‌بضاعتی‌هستند بآنها بدهند و اکثراً هم همینطور است.

لیکن آن شهریه‌هائی که‌ازصدتومان ببالا است چهارصد تومان پانصد تومان الی آخر اینهابهیچ وجه‌من‌الوجوه اکثراً بلکه اتفاقاًیکنفرفقیر توشان‌نیست بلکه اینها را میگیرندبرای مصارف غیر ضروری و بنده میدانم کسانی‌که ازصد تومان ببالا شهریه میگیرند فقیر نیستند - بلکه غنی ودارا هستندو هیچ دلیل ندارد که ما که در اینجا رأی بدهیم که یك پولهائی‌از فقرا گرفته شودوبرای خوش‌گذرانی و عیش تقدیم اغنیا شود.

از این جهت پیشنهاد میکنم که تا صد تومان بدهند و از صد تومان ببالا داده نشود.

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - اگرچه جواب آقای داور را آقای عمادالسلطنه دادند بنده هم در دوره چهارم و هم در این دوره همیشه مدافع‌از حق و عدالت بوده ام بر طبق عقیده خودم و بنده که‌دفاع کردم‌نماینده شهریه بگیرها نیستم و نبوده ام‌ونه خودم نه خانواده ام شهریه داشته و داریم.

در کمیسیون بودجه هم‌مخصوصاً دو نفر از رفقای دست‌چپ ایشان را برای همان کمیسیون جزء انتخاب کردیم که به نشینند ورسیدگی کرده مطلب‌راقطع کنند.

ولی حاضر نشدند و بالاخره بنده میخواهم خواهش کنم که‌وقت‌خیلی گذشته و تجربیات هم بما شأن‌داده‌است که‌زیاد در این موضوع صحبت کردن‌و پیشنهاد زیاد کردن فایده ندارد.

و بالاخره‌همان‌ماده که تنظیم‌شده شده است آقایان رأی خواهندداد

بنابراین ظهر هم گذشته هرقدرهم این مسئله بیشتر شود و آنوقت‌یك‌حرف هائی زده شود که کاملا دلیل‌بر گرسنگی زیاد باشد.

بنا براین‌این‌یك‌دوازدهم‌را هم رأی بدهید و این را که هم پیشنهاد کردند که‌زیاد از صد تومان را ندهند.

عرض‌میکنم که‌هیچو پول موجودی نیست که امروز که رأی دادیم فردا در خزانه شروع کنند به پرداخت‌شهریه‌ها.

هزار قسم‌مخارج هست که‌بایدبدهند و بالاخره در آن آخر کار اگرچیزی در بساط ماند و مجلس‌هم رأی دادبیك عده خواهند داد.

بنا بر این تصور میکنم‌بهتر اینست که این را رأی بدهیم.

بعد بقول آقای‌داور اگریك‌دوازدهم دیگر آمد همه مان عصبانی شویم

بعلاوه برطبق قول صریحی که‌رئیس معظم دولت در کمیسیون بودجه دادند و در مقدمه این راپورت‌هم هست

منتها تا ده روز از تاریخ تصویب این ماده‌بیشترطول‌نخواهد کشید که‌مجموع بودجه ها ولایحه بودجه کل مملکتی را هیئت دولت تقدیم مجلس خواهد کرد

بنابر این تصور میکنم هیچ مورد پیدا نکند که مابرای یك‌دوازدهم ثانوی توی سر هم بزنیم.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانندقیام‌فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد.

پیشنهاد آقای شیروانی

(بمضمون ذیل خوانده‌شد)

ماده واحده را بطریق ذیل‌پیشنهاد میکنم.

ماده‌واحده - مجلس‌شورای‌ملی‌بوزارت مالیه اجازه میدهدکه‌ازبابت اردی‌بهشت ماه ۱۳۰۴ باستثناء بودجه‌وزارت مالیه و مستمریات‌و شهریه مادرحدودیکدوازدهم بودجه مصوب۱۳۰۳برای مخارج‌مملکتی برطبق بودجه تفضیلی ۱۳۰۳ بمصرف برساند.

شیروانی - یکی از قولهائی‌را که آقای تدین دادند(و هنوز توی گوشم صدا میکند)

این بود که بایك دوازدهم این برج مخالفت خواهند کرد.

حالا با این قولی که دادند موافقت میکنند.

چه‌عرض کنم‌ولی‌بنده مخصوصاًوزارت مالیه را جزء پیشنهاد خودم قرارداده ام با اینکه‌آقای وزیر مالیه از موقع و بفرمایش آقای تدین از گرسنگی آقایان وبالاخره از حضور هیئت دولت استفاده کردند ویك لایحهٔ که باید درش یك حرفهائی‌زده‌شود دراین‌موقع مطرح کردند گرچه بفرمایش‌آقای تدین رأی داده خواهد شد

ولی‌بنده چون نسبت بوزارت مالیه همانطورکه درآن مخالفت‌های پیش هم عرض کرده ام وآقای عمادالسلطنه‌آنوقت پرسیدنه وبنده اظهار کردم بوزارت مالیه اعتماد ندارم وبودجهٔ این وزارت خانه را زیاد می‌دانم

زیرا یك پولهای زیادی‌داده میشود ازاینجهت این پیشنهادرا کردم که بودجهٔ تفصیلی‌وزارت مالیه بمجلس‌بیایدوما ببینیم چند هزارمدیر کل‌ورئیس اداره درآنجا پول‌می‌گیرند وهیچ کارنمی کنند بعلاوه مفت خورهم اگر یك ماه‌پول‌دیرتر بگیرد عیبی‌ندارد

مانگفتیم حقوق اینها قطع شود گفتیم یك ماه دیرتر بگیرند حالا دولت صلاح دانسته است برای اداراتی که در جریان است لایحهٔ یکدوازدهم بیاوردبنده عقیده دارم که بوزارت پست وتلگراف به نظمیه وامنیه وقشون بدهید ولی وزارت مالیه که همیشه‌حقوقش‌راپیش‌پیش‌برمیدارد یك ماه عقب تربردارد و راجع بشهریه بگیرها هم درست که بعضی‌هاسه تومان و چهارتومان دارند ولی‌بعضی‌هم بیست‌هزار تومان دارند بنا براین‌آنها هم یك ماه دیرتربگیرند هیچ‌طوری نمیشود.

وزیرمالیه - بنده اولاازموقع‌استفاده نکردم‌وبرحسب‌نظرهیئت‌دولت این تقاضا را کردم.

www.iran-archive.com

ثانیاً وزارت مالیه هم مثل سایر وزارتخانه‌ها وهیئت دولت محل اعتماد اکثریت مجلس شورای ملی است (جمعی ازنمایندگان- صحیح است) و اگر محل اعتماد آقای شیروانی‌هم نیست هیچ وهنی باووارد نیست.

رئیس- آقایانی که پیشنهاد آقای شیروانی‌را قابل‌توجه‌میدانندقیام فرمایند.

(عدهٔ قلیلی‌قیام نمودند)

رئیس- تصویب نشد. پیشنهاد آقای روحی‌وشیروانی

(این‌طورخوانده شد)

تبصرهٔ ذیل را پیشنهاد می کنم:

تبصره-وزارت مالیه اجازه نخواهدداشت که شهریه های‌بیش ازماهی‌پنجاه تومان‌را بپردازد

رئیس- بفرمائید.

روحی- آقاق‌تدین فرمودندبعضی شهریه بگیرها بقدری مستحق هستند که ماهی سه تومان وچهارتومان دارند لهذا بنده پیشنهاد کردم که شهریه بیش‌ازپنجاه تومان داده بشود وتا پنجاه تومان داده شود واگر آقایان نظری بشهریه بگیرها ندارند رأی‌میدهند

رئیس- آقایانی که این‌پیشنهاد را قابل توجه می‌دانندقیام فرمایند

(عدهٔ قلیلی‌قیام نمودند)

رئیس- قابل‌توجه نشد. پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا

(اینطورخوانده شد)

بنده پیشنهادمی کنم‌برسم‌علی‌الحساب اضافه شود

مخبر- این صحیح است بنده قبول می کنم

رئیس- پیشنهادآقای ضیاء

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد مینمایم که تبصرهٔ ذیل بماده واحده الحاق شود:

تبصره - مبلغ ده هزار تومان قیمت کارخانه‌های دستی مدرسه صنعتی‌دولتی‌از محل اعتباردولت پرداخته خواهد شد

رئیس- بفرمائید

ضیاء - ماشین‌های‌مدرسه‌صنعتی‌تقریباً تمام شده است ودرسنه گذشته هم هیئت وزراء تصویب کردند که‌کارخانه های‌دستی مدرسه صنعتی دراول‌سال باید دایر شود واگراین کارخانه‌ها نباشدمدرسه صنعتی‌هم مثل سایر مدارس طهران خواهد بود صندوقها هم وارد شده است اسباب‌واثاثیه هم تقریباً وارد سرحد شده‌است ولی‌مبلغش هنوزپرداخت نشده است که بقیه این کارخانه‌ها برسد هیئت محترم دولت‌هم در اواخرسنه گذشته تصویب کردند که از مجلس اعتباردولت پرداخته‌شود گویا در اعتباردولت محلی‌برای‌سنه گذشته‌نبوده‌این است که بنده پیشنهاد کردم ازهمان محلی که خود هیئت دولت تصویب کردند پرداخته شود

کفیل‌وزارت معارف - این مربوط بیك دوازدهم نیست این‌مسئله در هیئت وزراء مذاکره‌شده ویك لایحه هم‌وزارت معارف تهیه کرده است اگرلازم‌شدبمجلس پیشنهاد می کند والا دربودجه‌اش‌خواهد نوشت

رئیس-آقایانی که پیشنهاد آقای ضیاء را تصویب می کنند قیام‌فرمایند

(کسی‌قیام نکرد)

رئیس- تصویب نشد. دوفقره‌پیشنهاد دیگرهم بود که مسترد کردند رأی‌میگیرم بمادهٔ واحده با ورقه بضمیمهٔ اصلاحی که شاهزاده محمد هاشم میرزا پیش نهاد کردند...

جهانشاهی - بنده پیشنهاد تجزیه کردم

رئیس- چه میفرمائید؟

جهانشاهی- بنده کتباً یك پیشنهادی تقدیم کردم که یکدواز هم تجزیه شود یعنی نسبت بشهریه ومستمری بطورتجزیه رأی گرفته شود

رئیس- رد شده است. رأی میگیریم باورقه آقایانی که تصویب می کنند ورقه سفید والاورقه کبود خواهندداد

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل‌حاصل‌شد.

ورقه سفید علامت قبول ۸۰

رئیس- عدهٔ حضار ۹۷ باه ۸۰ رأی تصویب شد.

اسامی موافقین‌آقایان، آقامیرزاسید حسن‌کاشانی- آقارضا تجدد - عظیمی - داور- هایم - اکبرمیرزا - نجات- فرمند- فرج‌الله خان‌آصف - آقاشیخ محمدتقی ذوالقدر-آقا سید مصطفی بهبهانی - آقا میرزا حسین‌خان اسفندیاری-آقامیرزاعلی خان خطیبی-ابوالحسن خان‌پیرنیا- حاج حسن آقا ملك -آقا سید ابراهیم ضیاء- آقا میرزا فتح‌الله‌خان‌اکبر-آقامیرزاصادق خان اکبر- ضیاءالاطباء - دکترامیر خان اعلم - حاج سید عبدالعلی دیبا - آقا شیخ محمد علی‌طهرانی-غلامحسین میرزا- قائم‌مقام -آقا میرزا محمد خان مصدق - حاج میرزا علیرضا - حاج‌آقا رضارفیع- آقا میرزا عبدالله خان معتمد- حاج شیخ عبدالرحمن- دست غیب -سلیم‌خان‌ایزدی- مرتضی‌قلی‌خان بیات-روحی -دولت آبادی شریعت زاده - دکترحسین‌خان بهرامی- صدرالعلماء مفتی- تدین - وحیدالدوله - فیروزمیرزا فیروزه‌آقا میرزا یدالله خان- صدرائی-آقا میرزاآقاخان-کی استوان - خواجوی-آقا سید مهدی خان فاطمی - حاج میرزا اسدالله‌خان- هرمزی-حبیب‌الله خان شادلو-آقا میرزا محمدخان ممطفی- صدق‌السلطنه-ارباب کیخسرو-سهراب‌خان- اسکندری -شریعتمدار- پاسائی - دکتر آقایان - آقامیرزا محبیب‌الله‌خان کمالوند- تقی‌زاده -رهنما-آقاسیدعلاءالدین‌بهبهانی- مهدی خان زاهدی-آقامیرزاشکرالله خان قوام‌صدری- اسمعیل‌خان قشقائی-آقامیرزا احمد خان اتابکی-آقا میرزا جواد خان خوئی-آقا میرزا حسین خان دادگر - شوشتری- مستوفی الممالك - آقا میرزا حسن خان پیرنیا - محمد هاشم میرزا - محمد ولی‌میرزا- سالاراشرف - علائی - افشار - آقا میرزا سید احمد احتشام - سلطان ابراهیم خان افخمی - آقا شیخ هادی طاهری -آقا سید عبدالعلی‌میرزائی ناصرندامانی-آقامیرزاسیداحمدخان‌اعتبار- سلیمان‌میرزا -آقا میرزا عبدالحسین‌صدر- آقا میرزا رضاخان حکمت.

مخالف -آقای‌شیروانی.

رئیس-آقای بیات

(اجازه)

بیات- بنده‌می‌خواستم راجع بدستور پیشنهاد کنم که لایحه ممیزی جزو دستور شود.

رئیس- دستورقبلامعین‌شده‌است‌عرض میکنم‌اگرخواستید تغییردهید رأی‌می گیریم خبر کمیسیون بودجه راجع بمستخدمین بلژیکی‌یکی‌هم راجع بسجل احوال است ویکی‌هم راجع باوزان‌ومقادیر.

جمعی ازنمایندگان - صحیح است

رئیس- همینطورباشد؟

بعضی‌ازنمایندگان -بلی

(مجلس یك ساعت وربع بعدازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای‌ملی

حسین پیرنیا

منشی‌م -شهاب

منشی دکتراحتشام طباطبائی

جلسه‌صدو هفتاد و پنجم

صورت مشروح مجلس یکشنبه دهم خرداد ۱۳۰۴ مطابق هشتم ذی القعده ۱۳۴۳

مجلس سه‌ساعت‌وده دقیقه قبل‌ازظهر بریاست آقای آقامیرزا حسینخان پیرنیا تشکیل گردید

(صورت مجلس روزقبل‌را آقای‌آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس-آقای آقاشیخ‌فرج‌الله

(اجازه)

آقای شیخ‌فرج‌الله - قبل‌از دستور عرض‌دارم

رئیس-آقای فرمند

(اجازه)

فرمند - بنده هم‌قبل ازدستورعرض دارم.

رئیس-آقای سلطانی

(اجازه)

سلطانی- قبل‌از دستور

رئیس-آقای اتحاد

(اجازه)

اتحاد - بنده در دستور عرض دارم.

رئیس- آقای رضوی

(اجازه)

رضوی- دردستور عرض‌دارم

رئیس-آقای دکتر آقایان

(اجازه)

دکتر آقایان - قبل‌ازدستورعرض دارم.

رئیس - در صورت مجلس ایرادی نیست؟

بعضی‌از نمایندگان- خیر

رئیس-آقای آقاشیخ فرج‌الله

(اجازه)

آقاشیخ فرج‌الله- تقریباً هشت ماه است که از طرف نماینده محترم آقای سرکشیك‌زاده‌یك‌لایحه راجع‌بمنع‌استعمال مواد الکلی بمجلس تقدیم شده و ارجاع شد بکمیسیون مبتکرات در کمیسیون مبتکرات هم‌قابل توجه‌شد وآمدبمجلس و درمجلس هم‌قابل توجه شد و درپنجم‌جدی که پنجماه قبل‌باشد ارجاع شد بکمیسیون قوانین‌مالیه‌والان‌پنجماه‌است‌که‌در کمیسیون قوانین‌مالیه مانده‌است.

نظر باین که این‌لایحه بهترین‌لایحه ایست که تقدیم مجلس شورای ملی شده است وعموم آقایان نمایندگان‌طرفدار آن هستند.

ازاین جهت‌بنده ازمقام ریاست تقاضا میکنم که بکمیسیون تذکر داده شود که پیش‌از دوماه کمیسیون حق‌ندارد‌یك‌لایحه رانگاه دارد و اگر پیش‌از دو ماه در کمیسیون ماندصاحب لایحه حق‌داردتقاضا کند جزء دستورشود بااین جهت تذکر داده شود زودتر راپورت این مسئله را بمجلس بفرستند

رئیس- آقای فرمند

(اجازه)

فرمند - از رأی مهمی که مجلس شورای‌ملی برای‌قندو شکر داد یك قدم بزرگی بودبرای سعادت مملکت وبنده‌از طرف مجلس شورای ملی تهنیت میگویم بدولت حاضر برای‌این نیت مقدس یعنی آوردن لایحه‌خط آهن‌بمجلس.

بعقیده بنده برای ترقی وسعادت یك مملکت در دنیای امروزه سه قوه و سه استعداد لازم است اول استعداد اخلاق ملی.

دوم استعداد علمی. سوم‌استعدادمالی واقتصادی. برای این که یك می دارای اخلاق ملی بشودرؤسائی لازم است که (الحمدالله ماحالا رؤسائی داریم) اخلاق ملی راتربیت کنند چنانچه‌دردوره‌مخامنشی هاسلاطین ایران اخلاق ملی را طوری تربیت کرده بودند که یکنفر ایرانی در تمام سرتاسر امپراطوری‌بآن‌عظمت‌دروغ گفتن راجائز نمیدانست یعنی بعقیده‌اش

خطور نمیکرد که ممکن است دروغ گفت.

بنده حالا نمیخواهم شرح‌دهم که اخلاق‌ملی درآنوقت چطور بوده است زیرا ازمبحث‌بنده خارج است اما قوه و استعداد علمی

امروز(درقرن‌بیستم) وسائلش کاملا اروپا وآمریکا فراهم است ومامی‌توانیم بایك‌کوشش مختصری ازآن زحماتیکه دیگران کشیده استفاده کرده و استعداد علمی‌راکسب‌کنیم.

اما استعداد اقتصادی:

امروزدنیا منوط بفراهم‌بودن وسائل حمل‌ونقل‌وخط‌آهن‌است.

هرمملکتی که بخواهد برای‌استعداد اقتصادی خودش قدمی بردارد.

ابتدا باید وسائل نقلیه اش رافراهم کند.

آنچه بنده تصورمیکنم برای اینکه مملکت ما ازحیث زراعت وفلاحت بتواند با ممالك متمدنه دنیا همسری‌نماید.

تصورمیکنم هزاروپانصدفرسنك‌راه‌آهن لازم داردکه تمام بنادر و شهرهای ما بهم وصل شوند والبته همچو راه‌آهنی تقریباً پانصد ششصد کرورتومان پول‌لازم دارد.

امروزه هم بودجهٔ مملکت ما این اجازه را بمانمیدهند که مبادرت‌باین خیال بزرك بنمائیم.

ولی امیداریم که انشاءالله بزودی‌یك رشته راه‌آهنی که پیدا کردیم ولذت آنرا بردیم درظرف ۱۰ یا بیست سال موفق شویم که تمام این‌هزاروپانصدششصدفرسخ را خط‌آهن بکشیم.

امروزه که قدم اول برای راه‌آهن برداشته شده تصورمیکنم هم دولت وهم مجلس شورای ملی ساعی باشندوجدیت کنندکه انشاءالله هرچه زودترلایحه راه‌آهن بمجلس شورای ملی بیاید و بلکه انشاءالله تصویب‌آن لایحه جزو افتخارات وکلای دوره پنجم ودولت‌حاضرباشد.

بندهٔ میخواهم از آقایانی که در کمیسیون نفط سمت‌عضویت‌دارند استدعا میکنم که کمسیون نفط را تشکیل بدهند وازدولت تقاضاکنند که مسئله نفت راکه این اندازه مورد توجه عموم ایرانیهااست زودتربه یکجائی برسانند ومعلوم‌شودآیا کمپانی سینگر برای نفت شمال حاضر است یا خیر؟

اگرحاضراست بااوصحبت کنندوتمام کنند.

اگرحاضرنیست کمپانیهای دیگری هستندکه ممکن است آنها حاضر شوند برای معامله ایران.

ودراین مسئله نفت شمال‌میشودضمیمه کرد مسئله‌یك‌استقراضی‌یاکشیدن خطوط آهن‌که فعلاهم منبع وثیقه آنرا پیدا کرده ایم.

بنده میخواهم ازآقایان استدعاکنم کمیسیونرا تشکیل دهند وموضوع نفت را مطرح‌فرمایند تامعلوم شود تکلیف ما باکمپانی های نفت چیست.

آیاکمپانی سینگرمیخواهد کمپانی استانداردیاکمپانی های دیگرحاضر میشوند؟

که انشاءالله دراین دوره هم لایحه نفت را بگذرانیم وهم‌شروع بکشیدن‌خط آهن کرده باشیم.

رئیس - یك‌فقره لایحه‌راجع بخرید مستمریات رسیده است باید معلوم‌شود به کدام کمیسیون بایدمراجعه شودبکمیسیون بودجه یا قوانین مالیه.

بعضی ازنمایندگان - بهردو

رئیس-آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - بنده‌هم میخواستم عرض کنم بهردومراجعه‌شود.

رئیس - مخالفی‌ندارد؟

آقای تدین.

(اجازه)

تدین - بنده ازحیث کمیسیون‌بودجه این عرض را نمیکنم میخواهم عرض کنم که بعقیده بنده این قبیل لوایح‌خرید یا فروش که ازطرف دولت پیشنهاد میشود چیزیست که‌چندان مربوط‌بکمیسیون‌قوانین مالیه نیست.

رئیس - درارجاع بکمیسیون بودجه که مخالفی نیست.

راجع بارجاع‌بکمیسیون‌قوانین مالیه هم کسی پیشنهاد نکرده است‌اگر پیشنهاد شد رأی میگیریم.

راجع بدستورپیشنهادی‌شده است که قانون ممیزی دردرجه اول جزو دستور شود.

رضوی - بنده این پیشنهادرا تقدیم کردم.

تقریباً چهارسال است که این قانون ممیزی بمجلس‌آمده است و هی ببعضی محظورات برخورده است وهمینطورمانده است.

بعقیده بنده واغلب‌آقایان نمایندگان این یك قانونیست که باید بوسیله‌آن‌تکلیف دهاتیکه جدیدآبادشده ودهاتیکه مخروبه شده باید معین شود.

بعضی دهات استکه جزوجمعش صد خرواراست وامروزه ده خروارهم‌نمیتواند بدهد ودولت هم نمیتواند وصول کند.

بعضی دهاتهم هست که جدیدا آباد آباد شده واینها هیچ مالیات بدولت‌نمی دهند این که بنده تقاضا کردم این مسئله درمرتبه اول جزء

دستورشود که هم تکلیف اشخاص معلوم شود وهم دولت و مردم از این حیثیات راحت شده و عواید دولت هم اضافه شود.

رئیس-آقای فاطمی.

(اجازه)

فاطمی - این دلایلی که آقایان فرمودند بنده یك دلایل زیادتری‌دارم که هرچه بتوانیم باید درگذشتن قانون ممیزی تسریع کنیم وهمهٔ آقایانهم موافقند ولی قانون ممیزی یك قانونی است که بنده صلاح نمیدانم دربینش وقفه واقع شود.

شورااولش هم‌شده واین شوردومش است اگر دردستوروواقع شود دوجلسه سه جلسه تمام وقت مجلس باید منحصربهمان قانون باشد تا بگذرد وامروزدوسه‌چیزدر دستورداریم که‌آنها هم درحدودخودشان خیلی‌لازم هستند.

یکی لایحه کنترات بلژیکیهاست که عن قریب مدت کنترات آنها منقضی‌میشود وبایدآنها تکلیف خودرا بدانند و معلوم شود مجلس کنترات آنها را تصویب‌میکند یا نه.

یکی لایحه سجل احوال است که با الغاء القاب مردم دچاراشکال‌شده‌اندزود باید تکلیف‌آن معلوم شود یکی‌هم‌قانون اوزان ومقادیراست که ممکن است امروز اینها را تمام کنیم بعد درجلسه سه شنبه شروع میکنیم بقانون ممیزی.

رئیس-رأی میگیریم بپیشنهاد آقای رضوی آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمعی‌برخاستند)

رئیس - تصویب‌نشد. پیشنهادآقای اتحاد.

(بشرح‌ذیل‌خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم دستور امروز بترتیب ذیل‌معین شود:

اول قانون اوزان ومقادیر.

دوم قانون سجل احوال.

سوم لایحه مستخدمین بلژیکی

اتحاد - بنده تصور میکنم آقایان تصدیق میفرمایند که قانون اوزان‌ومقادیر یك ماده‌اش بیشتر باقی‌نیست ولایحه سجل احوال هم دوسه ماده بیشتر باقی‌نداردولی قانون استخدام مستخدمین بلژیکی ممکن است زیاددرش‌صحبت شود.

ازاین جهت بنده پیشنهاد کردم‌که ابتدا لایحه اوزان ومقادیر بعدسجل‌احوال وبعدازآن لایحه مستخدمین‌بلژیکی‌مطرح شود.

رئیس - رأی میگیریم.

آقایانیکه پیشنهاد آقای اتحاد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب‌برخاستند)

رئیس تصویب شد.

راپورت کمیسیون فوائد عامه مطرح است.

(بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

کمیسیون‌فوائدعامه‌درجلسه‌سوم‌خرداد پیشنهاد آقایان‌نمایندگان محترم‌را راجع بجدول مقیاسهای وزن ازقانون توحید اوزان‌ومقادیر باحضورآوزیر محترم فوائد عامه درتحت شورقرارداده باپیشنهاد آقای تدین نماینده‌محترم بدلائلی‌نتوانست موافقت نماید

وپیشنهاد راجع‌بماده الحاقیه راتصویب واینك خبر آنرا تقدیم‌میدارد

ماده الحاقیه - دولت‌مکلف است‌اوزان فلزی‌را که درمملکت تاتاریخ اجرای این قانون موجود ودرعوض اوزان جدید از همان فلز باکسر سه عشر اوزان قبول نماید

رئیس -آقای دامغانی

(اجازه)

دامغانی - غرض از تنظیم اینماده آنروزکه اینجا پیشنهاد شد این بودکه دفع‌یك‌ضرری از عامه مردم شده‌باشد و سنگهای فلزی موجود که‌دردست مردم است بکلی ازبین نرود که‌ضرری متوجه آنها بشود

باین‌جهت اینماده نوشته‌شد که‌دولت مکلف باشد سنگهای فلزی مردم را بگیردوباسه‌عشر کمتر آنهم اجرت‌ساخت است

سنگهای فلزی که خوددولت‌میسازد بخودآنهابدهد

متاسفانه این‌ماده آن نظررا تامین نمیکند زیرا نوشته‌است

دولت‌مکلف است که اوزان فلزی راکه درمملکت تاتاریخ اجرای این‌قانون موجود است درعوض اوزان‌جدید ازهمان فلز باکسرسه‌عشرازوزن‌قبول‌نماید

بنده بااینعبارت(ازهمانفلز) که‌اینجا نوشته‌شده‌است مخالفم.

برای اینکه سنگهای فلزی که‌در دست مردم است یکسنگهای‌معینی است که اغلب باآهن‌است‌یاسرب

وسنگهائی که دولت‌میدهد اغلب‌ازیك فلزهای‌مرکبی است

واینطور که عبارت‌ازاین‌ماده نوشته شده معنی‌اش این است که‌عین همانفلزی که دولت میدهد مردم باید بیاورند وسه عشر کمترعوضش‌ازسنگهائی که‌دولت‌ساخته بگیرد

وبااینترتیب سنگهای فلزی ازقبیل آهن وسرب غیره که‌دردست یردم است بکلی ازبین خواهدرفت

وبعقیده بنده برای تامین مقصودباید نوشته‌شود:

درعوض اوزان جدیدفلزی باکسر سه‌عشر واین‌لفظ (ازهمان)را باید حذف کرد

کازرونی‌مخبر - آقای دامغانی‌در کمیسیون تشریف داشتند که آقای وزیرفوائدعامه سنگهائی که ترتیب داده

www.iran-archive.com